بسم الله الرحمن الرحیم

# تاریخ هنر جهان

## پایه یازدهم و دوازدهم

## دورهٔ دوم متوسطه

## رشته‌های نمایش، سینما، نقاشی، گرافیک

## زمینهٔ خدمات

## شاخهٔ آموزش فنی‌وحرفه‌ای

## شمارهٔ درس ۳۴۳۳


۷۰۹ ت۹۲۴ر/ ۱۳۹۶

ریاضی، محمدرضا

تاریخ هنر جهان / مؤلف : محمدرضا ریاضی. ــ تهران : شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، ۱۳۹۶.

۱۴۰ ص. : مصور. ــ (شاخهٔ آموزش فنی و حرفه‌ای؛ شمارهٔ درس ۳۴۳۳)

متون درسی رشته‌های نمایش، سینما، نقاشی، گرافیک، زمینهٔ خدمات.

برنامه‌ریزی و نظارت،بررسی وتصویب محتوا : کمیسیون برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی رشته‌های هنر دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش وزارت آموزش و پرورش.

۱. هنر ــ تاریخ. الف. ایران. وزارت آموزش و پرورش. دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی‌و حرفه‌ای و کاردانش. ب. عنوان. ج. فروست.



۱۳۹۶

**همکاران محترم و دانش‌آموزان عزیز :**

**پیشنهادها و نظرهای خود را دربارهٔ محتوای این کتاب به نشانی تهران ـ صندوق‌پستی‌شمارهٔ ۴۸۷۴/۱۵ دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش، ارسال فرمایند.**

**پیام‌نگار(ایمیل)** **info@tvoccd.scd.ir**

**وب‌گاه (وب‌سایت)** **www.tvoccd.sch.ir**

اعتبار بخشی کتاب تاریخ هنر جهان در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ به شکل سراسری صورت گرفت. در این اعتباربخشی نتایج به‌دست آمده از پرسش‌نامه‌های هنرآموزان، هنرجویان و حاشیه‌نویسی کتاب استخراج و جمع‌بندی شد. اصلاح و بازنویسی دوبارهٔ کتاب توسط محمدرضا ریاضی، زهره نهاردانی، بشریٰ گل بخش، معصومه سالاری، محبوبه زرین قلم و عبدالصادق خاک‌نژاد در بهمن ماه ۱۳۹۱ انجام شد.


**وزارت آموزش و پرورش**
**سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی**

**نام کتاب :** تاریخ هنر جهان ـ ۲۱۱۶۴۲ و ۲۱۲۶۴۲

**پدیدآورنده :** سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

**مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف :** دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش

**شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف :** مژگان اصلانی، خدیجه بختیاری، فاطمه صنعتی، بشریٰ گل‌بخش و همایون موسوی (اعضای شورای برنامه‌ریزی) محمدرضا ریاضی (مؤلف)

**مدیریت آماده‌سازی هنری :** ادارهٔ کلّ نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی

**شناسه افزوده آماده‌سازی :** زهره بهشتی‌شیرازی (صفحه‌آرا) ـ مریم کیوان ( طراح جلد)

**نشانی سازمان :** تهران : خیابان ایرانشهر شمالی ـ ساختمان شمارهٔ ۴ آموزش و پرورش (شهیدموسوی)
تلفن : ۹ـ۸۸۸۳۱۱۶۱ ، دورنگار : ۸۸۳۰۹۲۶۶، کدپستی : ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹
وب‌گاه : www.chap.sch.ir و www.irtextbook.ir

**ناشر :** شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران : تهران ـ کیلومتر ۱۷ جادهٔ مخصوص کرج ـ خیابان ۶۱ (داروپخش)
تلفن : ۵ـ۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار : ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی : ۱۳۹ـ۳۷۵۱۵

**چاپخانه :** شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

**سال انتشار و نوبت چاپ :** چاپ اوّل ۱۳۹۶



کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به‌صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع بدون کسب مجوز ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.



**شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۱۹۳۷-۰** **ISBN 978-964-05-1937-0**

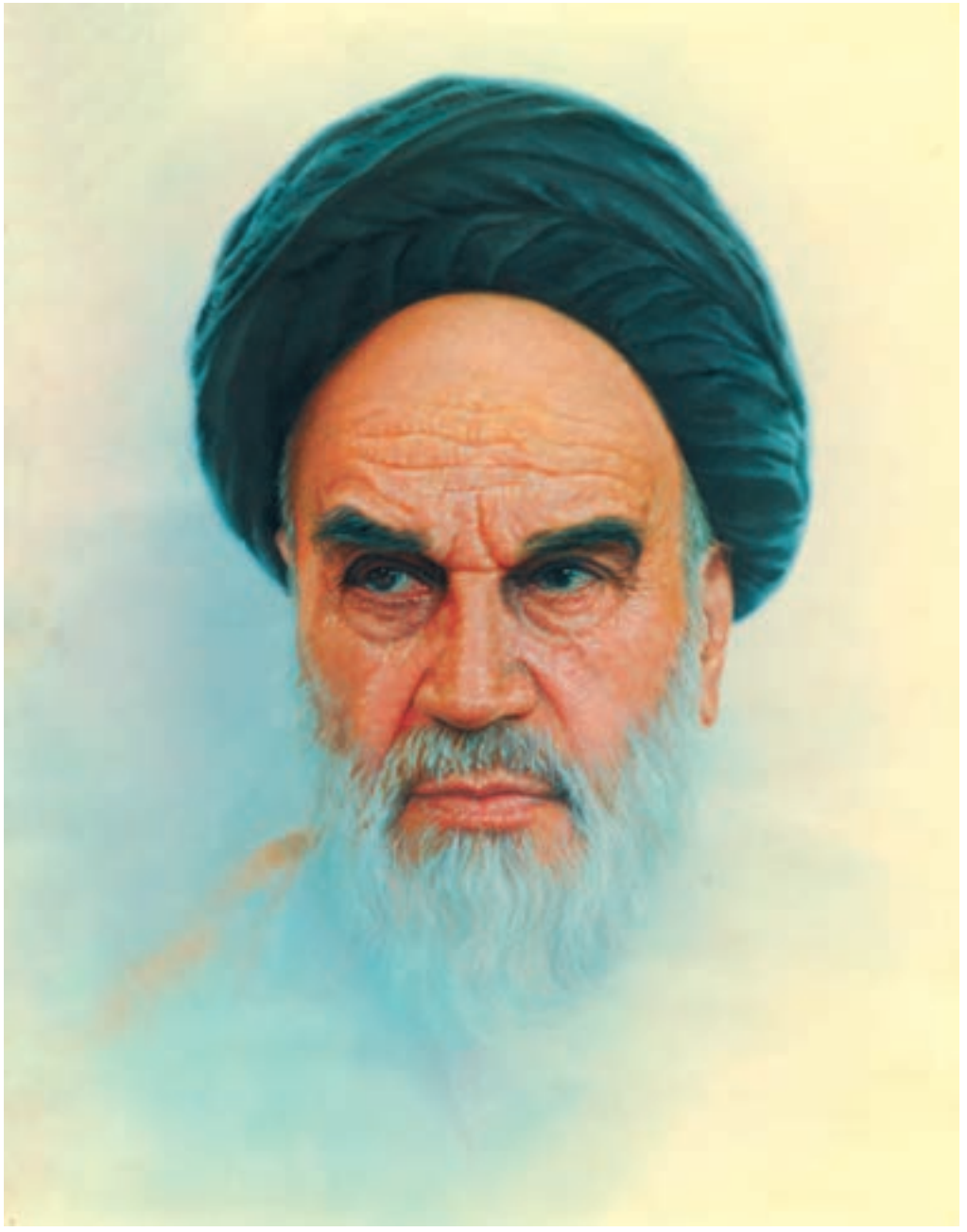

اساس همهٔ شکست‌ها و پیروزی‌ها از خود آدم شروع می‌شود. انسان اساس پیروزی است و اساس شکست است. باور انسان اساس تمام امور است.

**امام خمینی (ره)**

# فهرست مطالب


**مقدمه** ۱

**۱ــ چیستی هنر** ۲

**۲ــ تاریخ هنر** ۳

**فصل اول : آغاز هنر** ۴

۱ــ هنر در دورهٔ پارینه سنگی ۵

۲ــ هنر دورهٔ نوسنگی یا روستا نشینی ۷

● هنر نوسنگی در آسیا ۸

● هنر نوسنگی در اروپا ۹

● دورهٔ نوسنگی در دیگر قاره‌ها ۱۰

۳ــ هنر بَدوی یا ابتدایی ۱۰

● هنر آفریقایی ۱۲

● هنر اقیانوسیه (استرالیا) ۱۲

● هنر سرخپوستان آمریکای شمالی ۱۳

● اسکیموها ۱۴

**فصل دوم : هنر میانرودان(بین النهرین)** ۱۶

۱ــ تاریخ مردم میانرودان ۱۷

۲ــ هنر میانرودان ۱۷

● دورهٔ پیش از سومر یا پیش از سلسله‌ها ۱۷

● هنر سومر ۱۸

● هنر اکّد ۲۰

● هنر دورهٔ سومر نو ۲۰

● هنر آشوری ۲۱

● ۶ــ۲ــ هنر بابلی ۲۲

**فصل سوم : هنر مصر** ۲۶

۱ــ طبیعت و تاریخ ۲۷

۲ــ میراث هنر مصر ۲۷

۳ــ تاریخ هنر سلسله‌های مصر ۲۸

● سلسله‌های اولیه ۲۸

● سلسله‌های قدیم ۲۸

● سلسله‌های میانی و جدید ۳۰

**فصل چهارم : هنر اژه و یونان** ۳۳

۱ــ هنر اژه‌ای ۳۴

۲ــ هنر یونان ۳۵

● سرزمین و مردم یونان ۳۵

● شیوه یا دوره‌های هنر یونان ۳۵

● دورهٔ شیوه هندسی ۳۵

● دورهٔ باستانی ۳۶

● دورهٔ کلاسیک ۳۷

● دورهٔ هلنی ۴۰

**فصل پنجم : اتروسک و روم باستان** ۴۴

۱ــ اتروسک ۴۵

۲ــ روم باستان ۴۷

● تاریخ و سرزمین روم ۴۷

● هنر روم ۴۷
● معماری ۴۸
● تندیس‌سازی ۴۹
● نقوش برجسته ۵۰
● نقاشی ۵۰
● موزائیک ۵۱

**فصل ششم : هنر هند ۵۳**
۱ــ سرزمین هند ۵۴
۲ــ خصوصیات هنر هند ۵۴
۳ــ تمدن دره سند ۵۵
۴ــ هنر هند در دورهٔ بودایی ۵۶
● دوره مئوریا ۵۶
● دوره‌های شونگا و آندرا ۵۷
● دوره کوشان ۵۸
● دوره گوپتا ۵۸
۵ــ هنر هند در دوره‌های متأخر (دورهٔ هندو) ۵۹

**فصل هفتم : هنر چین ۶۱**
۱ ــ تاریخ و سیر هنر چین ۶۲
۲ــ هنرهای چین ۶۳
● خوشنویسی و نقاشی ۶۳
● معماری ۶۵
● تندیس سازی ۶۶
● سفال‌گری ۶۷
● فلزکاری ۶۷

**فصل هشتم : هنر ژاپن ۶۹**
۱ــ تاریخ و ویژگی هنرهای ژاپن ۷۰
۲ــ تندیس سازی ۷۱
۳ــ معماری ۷۲
۴ــ نقاشی ۷۳

**فصل نهم : هنر قاره آمریکا، از آغاز تا سدهٔ ۱۶ میلادی ۷۸**
۱ــ اولمک ۷۹
۲ــ مایا ۷۹
۳ــ تئوتیو آکان ۸۰
۴ــ تولتک ۸۱
۵ــ آزتک ۸۱
۶ــ اینکا ۸۱

**فصل دهم : هنر اسلامی ۸۳**
شکل گیری هنر اسلامی ۸۴
● ویژگی‌های هنر اسلامی ۸۵
۱ــ معماری اسلامی ۸۶
۲ــ خوشنویسی ۸۸
۳ــ کتاب آرایی ۸۸
۴ــ نگارگری (نقاشی) ۸۹
۵ــ سفالگری ۹۱
۶ــ فلز کاری ۹۲
۷ــ شیشه‌گری ۹۳
۸ ــ پارچه بافی ۹۳
۹ــ قالی بافی ۹۴

**فصل یازدهم : صدر مسیحیت و بیزانس ۹۷**
هنر مسیحی ۹۸
۱ــ هنر صدر مسیحیت ۹۸
۲ــ هنر بیزانس( هنر مسیحی روم شرقی) ۹۹
● نخستین عصر طلایی ۹۹
● دومین عصر طلایی ۱۰۱
● سومین عصر طلایی ۱۰۱

**فصل دوازدهم : هنر اروپای غربی قرون وسطا ۱۰۴**
۱ــ هنر قرون وسطای پیشین ۱۰۴

۲ــ رومانسک ( هنر رومی‌وار) ۱۰۵
۳ــ گوتیک ۱۰۷
● معماری گوتیک ۱۰۷
● نور و شیشه ۱۰۹
● تندیس‌سازی و حجاری ۱۰۹
● نقاشی ۱۱۰

**فصل سیزدهم : هنر رُنِسانس(تجدید حیات یا نوزایی)** ۱۱۲
۱ــ تعریف رنسانس ۱۱۲
۲ــ ویژگی‌های هنر دورهٔ رنسانس ۱۱۳
۳ــ علل شکل‌گیری دورهٔ رنسانس ۱۱۳
۴ــ معماری دورهٔ رنسانس ۱۱۳
۵ــ نقاشی و تندیس سازی دورهٔ رنسانس ۱۱۵
۶ــ مَنریسم (شیوه‌گری) ۱۱۸

**فصل چهاردهم : هنر اروپای بعد از رنسانس تا قرن بیستم** ۱۲۰
۱ــ باروک ۱۲۱
۲ــ روکوکو ۱۲۳
۳ــ هنر در سده‌های ۱۸ و ۱۹ میلادی ۱۲۴
● نئوکلاسی سیسم ۱۲۴
● رمانتی سیسم ۱۲۵
● رئالیسم ۱۲۵
۴ــ دیگر نقاشان(بدون مکتب) ۱۲۶
۵ــ امپرسیونیست و جریان‌های تأثیرگذار اواخر قرن ۱۹ ۱۲۶
۶ــ سمبولیسم (نمادگرایی) ۱۲۸

**فصل پانزدهم : هنر قرن بیستم** ۱۳۰
۱ــ معماری قرن بیستم ۱۳۱
۲ــ جنبش‌های هنری قرن بیستم ۱۳۱
● فوویسم و اکسپرسیونیسم ۱۳۱
● کوبیسم و فوتوریسم ۱۳۲
● دادائیسم و سورئالیسم ۱۳۳
● آبستره (هنر انتزاعی) ۱۳۴
● نئورئالسیم (واقعگرایی نو) ۱۳۵
● اکسپرسیونیسم انتزاعی (هیجان‌نمایی انتزاعی) ۱۳۶
● هنر پاپ (هنر همگانی یا هنر مصرف‌گرایی) ۱۳۶
● هنر مینیمال و هنر مفهومی ۱۳۶
● پست مُدرنیسم (بعد از مدرنیسم) ۱۳۷

**فهرست منابع** ۱۴۰

## مقدمه

کتاب تاریخ هنر جهان پس از گذشت بیش از بیست سال و گردآوری نظرات هنرآموزان و دانش‌آموزان رشته‌های هنری در حال حاضر با رویکردی جدید و ساختاری نو بار دیگر تألیف شده است. در کتاب جدید تلاش شده است تا همهٔ هنرها و یا حداقل برجسته‌ترین هنرها در دوره‌های مختلف به هنرجویان معرفی شوند تا هنرجویان رشته‌های مختلف هنری ارتباط این درس را با دیگر دروس رشتهٔ خود بیشتر درک نمایند.

در این کتاب از تصاویر فراوان رنگی و با کیفیت برای بالا بردن سطح کیفی آموزش بهره گرفته شده است. ساختار محتوای کتاب در ۱۵ فصل قرار دارد که هر فصل مربوط به دورهٔ تاریخی و مکانی خاصی می‌باشد. سیر و تسلسل تاریخی در همه فصل‌ها رعایت شده و برای حفظ روند و تداوم رشد هنر در اروپا و ... فصل صدر مسیحیت پس از فصل هنر اسلامی قرار گرفته است. ویژگی‌های فرهنگ و تمدن و آثار هنری در هر دوره شرح داده شده است تا هنرجویان ارتباط میان آنها را بیشتر و ژرف‌تر درک کرده و از مطالعهٔ آنها لذت ببرند.

## سخنی با هنرآموزان

هنرآموز گرامی، در ابتدای محتوای کتاب دو مطلب با عنوان چیستی هنر و تاریخ هنر آمده است که برای آمادگی ذهنی و ورود به بحث تاریخ هنر نوشته شده است. نمایش تصاویر رنگی آثار بر روی پردهٔ سفید هنگام تدریس تاریخ هنر درس را برای هنرجویان جذاب‌تر و یادگیری را پایدارتر می‌نماید. پرسش ابتدای درس برای درگیر شدن ذهن هنرجویان با موضوع بسیار مناسب است همچنین پرسش در پایان درس برای یادآوری آنچه آموخته‌اند ضروری است. این پرسش‌ها می‌تواند به‌عنوان نمرات مستمر هنرجویان باشد. شما می‌توانید هنرجویان را در گروه‌هایی چند نفره برای مطالعهٔ بیشتر در زمینهٔ موضوع انتخابی خودشان از تاریخ هنر راهنمایی کنید تا با انجام پژوهش خلاصه‌ای از آن را نیز در کلاس برای دیگر هم‌کلاسی‌های خود ارائه کنند. بازدید از موزه‌ها و بررسی آثار هنری تاریخی برای هنرجویان جذابیت بسیاری دارد که همزمان می‌توانید گزارش بازدیدها را نیز از آنها بخواهید. برخی فصل‌های این کتاب محتوای کمتری دارند و برخی حجم مطالب آنها بیشتر است بنابراین می‌توانید برخی از آنها را در یک جلسه و برخی را در دو جلسه تدریس نمایید. از آنجایی که این درس به‌صورت مشترک در رشته‌های مختلف هنری مانند نقاشی، صنایع دستی، گرافیک، طراحی و دوخت و ... تدریس می‌شود و زمان آن در هفته ۲ ساعت آموزشی بوده و

نیز گستردگی مباحث فراوان است، امکان دسته‌بندی محتوا به‌صورت رشته‌ای در این کتاب نبود. از طرفی در برخی از دوره‌ها و تمدن‌ها آثاری از برخی رشته‌های مذکور موجود نیست (تصاویر متعدد و مناسب) بنابراین پیشنهاد می‌گردد شما هنرآموز گرامی با توجه به رشتهٔ هنرجویان مثال‌ها و توضیحات خود را برروی شواهد مرتبط متمرکز نمایید. برای مثال در رشته طراحی و دوخت به نوع پوشش‌ها و تزئینات روی آنها که در نقش برجسته و مجسمه‌ها هستند اشاره نمایید. هنگام ارزشیابی پایانی تلاش نمایید تا سؤال‌ها براساس اهداف رفتاری ابتدای فصل‌ها متناسب با طبقهٔ آنها طراحی شود.

## سخنی با هنرجویان

هنرجوی عزیز مطالعهٔ تاریخ هنر جهان گذشته از آنکه شما را با انواع دیدگاه‌ها، فرهنگ‌ها و مکاتب گوناگون بشری و هنری آشنا می‌کند، تنوع رنگ‌ها و فرم‌ها نیز برایتان بسیار لذت‌بخش خواهد بود. تلاش کنید تا در کلاس فعال بوده و با دیدن هر تصویر و دقت در آن چنانچه در ذهن شما سؤالی نقش می‌بندد از هنرآموز خود بپرسید. حضور با علاقهٔ شما در بازدیدهای گروهی و پژوهشی، اطلاعات علمی ــ هنری شما را افزایش می‌دهد. سیر تحول هنرها را در این کتاب در مناطق مختلف جهان مشاهده خواهید کرد که این امر گویی شما را به سفری مجازی دور دنیا و دیدار با فرهنگ‌های مختلف می‌برد.

## هدف کلی

آشنایی با تاریخ هنر جهان از دورهٔ باستان تا قرن معاصر

## ۱ــ چیستی هنر

دانش‌آموزان عزیز، نوشتن درباره هنر کار چندان آسانی نیست. هنگامی که کلمه هنر به میان می‌آید، بر اثر مشاهدات و آگاهی‌های قبلی‌مان آثاری چون بناهای تاریخی، مجسمه‌ها و نقاشی و یا نام هنرمندانی چون داوینچی، کمال‌الدین بهزاد و... به‌ذهن می‌آید. در هر اثری ممکن است یک یا چند ویژگی مانند زیبایی، نوآوری، نظم و دقت وجود داشته باشد. باید توجه داشت سنجش قابل قبولی وجود ندارد تا یک دست آفریده اثری هنری محسوب شود. روش مشخصی هم برای جدا کردن هنر از غیر هنر وجود ندارد. اما آنچه که باید در مورد هنر آموخت این است که در هنر، ارزش‌های ثابت و همیشگی وجود دارد و باید دانست که عقاید مردم درباره آثار هنری دائم در حال تغییر است. هر سبک یا دورهٔ هنری متولد می‌شود، زندگی می‌کند و سپس از پویایی باز می‌ماند و جای خود را به‌سبک و دوره بعد می‌دهد. باید همواره به این موضوع توجه داشت که هر اثر هنری حداقل باید بیانگر شکلی از احساس، فکر، نظم و تخیل باشد. برای مثال مشاهدهٔ سر گاو نر پیکاسو روشن می‌کند که این اثر فقط دسته و زین یک دوچرخه است[1] و نه سر یک گاو. در این اثر، نظم، دقّت یا مهارت وجود ندارد و تنها قدرت تخیّل پیکاسو بوده، که از ترکیب زین و دستهٔ دوچرخه، یک اثر هنری خلق کرده است. هنر شکلی از بیان مشترکات انسان است و هنرمند به تجارب مادّی و معنوی جامعه خویش پاسخ می‌دهد و آن‌را مستند می‌کند.

آنچه امروز هنر نامیده می‌شود، از دوره‌های پی‌درپی تاریخ گذر کرده و در هر دوره‌ای از تاریخ برای هدف‌های مختلف به وجود آمده است. هرکسی از واژه هنر تعریفی متفاوت دارد و فرض را بر این می‌گذارد که دیگران نیز منظور او را درک می‌کنند. حال آنکه هرکس با سطح دانش خود این تعریف را درک می‌کند. به‌طور مثال یک آموزگار، مورّخ و شاعر نگاه‌های متفاوتی به یک اثر هنری دارند اما نظرات آنها می‌تواند مکمّل هم بوده و هرکدام بخشی از واقعیت را بازگو کنند. ذهن انسان از زمان‌های گذشته تاکنون، در پی فهم پدیده‌های پیرامون خود بوده و خواسته است در حد امکان آن‌را به‌زبانی قابل درک تعریف کند. از دیر باز این پرسش‌ها مطرح بوده که زیبایی چیست؟ هنر چیست؟ تمام تلاش‌ها در این جهت بوده تا انسان از پدیده‌های پیرامون خود درک درستی داشته باشد و بداند درباره چه چیزی حرف می‌زند و مخاطب او کیست. مثلاً وقتی درباره یک اثر هنری سخن به میان می‌آید باید دانست چه ویژگی خاصی آن‌را از یک اثر دیگر متمایز می‌کند. انسان بنا به نیازهای درونی خود یا جامعه‌اش، دست به آفرینش‌های هنری می‌زند. در هنر، تعریف قابل قبول همگانی وجود ندارد و هر تعریفی که از آن ارائه شود خالی از اشکال نیست و هرکدام می‌توانند در جای خود معتبر باشند. یکی از مواردی که تعریف هنر را مشکل می‌کند، این است که معنایی که امروز از هنر وجود دارد، با معنای گذشته آن تفاوت دارد.

آثار هنری را باید در بستر تاریخ و با توجه به‌شرایط اجتماعی زمان آفرینش آنها سنجید و با معیارهای مردم زمانشان ارزیابی کرد. با گذشت زمان سلیقه‌ها تغییر می‌کند و معنای هنر هم دگرگون می‌شود و تنها چیزی که در طول تاریخ ثابت مانده مفهوم انتزاعی هنر است و انتزاع نوعی برداشت ذهنی از واقعیت است. در زمان‌های گذشته هر دست ساخته‌ای که در ساخت آن مهارت و دانش به‌کار رفته بود می‌توانست یک اثر هنری باشد. اما از اواسط سده ۱۸ میلادی برخی پژوهشگران اروپایی بین دست آفریده‌ها تفاوت قایل شدند و موسیقی، نقاشی و پیکرتراشی را هنرهای زیبا نامیدند و آنها را از دیگر دست ساخته‌ها مانند سفالگری، بافندگی، فلزکاری و... جدا کردند. در قرن ۱۹ میلادی با شکل‌گیری موزه‌ها، نمایشگاه‌ها و مدارس هنری، کم کم موضوع زیبایی شناختی آثار هنری

---

۱ــ

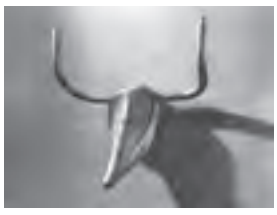

مطرح شد. اما با نگاهی به‌فرهنگ‌ها و تمدن‌های گذشته می‌توان دریافت که معماری، پیکره سازی و نقاشی در تمدن‌های مصر، ایران، میانرودان، هند، چین و ... بر اساس فرمول‌های زیبایی شناختی که امروز وضع شده است، پدید نیامده‌اند. باید پذیرفت که این آثار، افزون بر ارزش‌های هنری، دارای کارکردهای اجتماعی، مذهبی و فرهنگی بوده و با زندگی مردم زمانه خود پیوند داشته‌اند. پس نمی‌توان از هنر تعریف واحد و همه پسندی ارایه داد.

از نظر افلاطون هنر نوعی تقلید، از نظر ارسطو یک آفرینش خردمندانه و از نظر تولستوی بیان احساس است. اما از نظر اندیشمندان شرقی هنر، ساخت اشیای مفید و زیباست. در گذشته زیبایی با نظم، تقارن، تناسب و هماهنگی پیوند داشت وکسی هنرمند شمرده می‌شد که با پیروی از تکنیک اثری خلق کند، ولی اکنون بیشتر بر ابداع و نوآوری، احساس و الهام تأکید می‌شود. در بسیاری جوامع، هنر با دیگر فعالیت‌های انسان در آمیخته و هنر همواره ابزار لذت و تفکر است. هنر از زمانی آغاز شد که انسان توانست سنگ یا چوبی که مناسب با فعالیت‌های روزمره او بود انتخاب و با تغییراتی در شکل و اندازه، آن را کارآمدتر کند. از دیر باز تاکنون انسان‌ها در هر جایی از کره زمین با توجه به‌نعمت‌های خدا دادی ، مواد لازم را از محیط پیرامون انتخاب و آنها را برای نیازهای مادی و معنوی زندگی روزمره خود تغییر شکل داده‌اند. محیط زیست، شیوه و سطح زندگی، مذهب، آداب و سنن، ادبیات، افسانه‌ها در شکل و معنای آفرینش‌های هنری آنها دخالت داشته است. در جهان امروز همه روزه پدیده هنری تازه‌ای خلق می‌شود که با هیچ یک از تعاریفی که تاکنون از هنر شده مطابق نیست. اما این بدان معنا نیست که هر چیز که با گذشته منطبق نباشد، هنر نیست و معنایی ندارد. در هنر مدرن برخی معیارهای گذشته، چون زیبایی، تقلید و اصالت، اعتبار گذشته خود را از دست داده‌اند و در هنر پسا مدرن، مثل هنر دیجیتال برای آثار تجسمی‌جسمیت و شکل فیزیکی قابل لمس و رؤیت، دیگر ضرورت شمرده نمی‌شود. انقلاب و دگرگونی، از عواملی است که هنر به آن نیاز دارد.

## ۲ــ تاریخ هنر

در سال ۱۷۶۴ یک اروپایی به‌نام یوهان وینکلمان که بر روی آثار و اشیای هنری دوران باستان یونان و روم باستان مطالعه می‌کرد، برای نخستین بار کتابی به نام تاریخ هنر درباره این دوران نوشت. او در این کتاب آثار معماری، تندیس‌ها و حجاری‌های به‌جای‌مانده این دو تمدن را معرفی کرد. وی با طبقه‌بندی آثار و اشیای باستانی از قدیم به جدید، اصطلاح سبک و دوره‌های هنری را به‌کار برد. وی عقیده داشت که سبک در هر فرهنگی از نسلی به نسل دیگر تغییر و تحول پیدا می‌کند و سبک یا شیوه در هنر بستگی به نوع جهان بینی یک فرد یا یک جامعه دارد. هرگاه تولیدات هنری یک جامعه در دوره‌ای معین، دارای ویژگی‌های ظاهری و ساختاری مشخص باشد و یا در جزء و کل، یک مجموعهٔ هماهنگ را عرضه کند از کلمه سبک درباره آن استفاده می‌شود مثل سبک کلاسیک یا رمانسک. وینکلمان درباره هنر یونان و دوره رنسانس می‌گوید : هنر یونان بیانگر باورهای مذهبی، فرهنگی و فضای زندگی اجتماعی مردم آن زمان و هنر دوره رنسانس نیز حاصل باورهای مردم عصر خویش است و تفاوت هنر آنها ناشی از باورهای متفاوت این دو جامعه در دو زمان مختلف از تاریخ است. در تاریخ هنر می‌توان دریافت که انسان برای رسیدن به حقیقت و آرمان‌هایش چه مراحلی را پیموده است. تاریخ هنر، دست آفریده‌های انسان را از سپیده دم تاریخ تا زمان حاضر معرفی کرده و به شرح، توصیف و مقایسه آنها می‌پردازد. هنر نتیجه ذوق، حس زیبایی شناسی هنرمندان ، تجربه‌ها و آموخته‌های آنها است. با مشاهده آثار هنری اقوام و ملل جهان بر تجربه انسان افزوده می‌شود و افق دید او گسترش می‌یابد.

# فصل اول

# آغاز هنر

**هدف‌های رفتاری** : پس از پایان این فصل از دانش‌آموز انتظار می‌رود که بتواند :

۱ــ عوامل پیدایش هنر را توضیح دهد.

۲ــ خصوصیات نقاشی‌های دوره پارینه سنگی را شرح دهد.

۳ــ هدف از نقاشی‌های غار را بیان کند.

۴ــ تفاوت نقاشی غارها و نقاشی روی سفال دورهٔ نوسنگی را توضیح دهد.

۵ــ بنای دورهٔ نوسنگی اروپا را توضیح دهد.

۶ــ هنر اقوام ابتدایی را شرح دهد.

۷ــ ویژگی‌های هنر اقوام بَدوی آفریقا را بیان کند.

۸ــ خصوصیات هنر بَدویان استرالیا را توضیح دهد.

۹ــ ویژگی‌های هنر سرخپوستان را شرح دهد.

دراین فصل با دوره سنگ (پارینه سنگی و نوسنگی) یا **دورهٔ پیش از تاریخ**[1] و هنر اقوام **بَدوی**[2] آشنا می‌شویم. اصطلاح دورهٔ سنگ به دوره‌ای اطلاق می‌شود که مهمترین ماده برای ساخت ابزار، سنگ است. گنجاندن هنر اقوام بَدوی دراین فصل نیز به‌دلیل شباهت نسبی شیوه زندگی و هنر آنها با جوامع دورهٔ سنگ است.

## ۱ــ هنر در دورهٔ پارینه سنگی

تاریخ هنر با این سؤال‌ها شروع می‌شود، انسان از چه زمانی به آفرینش هنری دست زد؟ چه انگیزه‌ای باعث آن بود؟ نخستین دست ساخته‌ها چه بودند؟ پاسخ روشن به‌این سؤال‌ها آسان نیست و هر پاسخی را باید با احتیاط پذیرفت. باستان شناسان بنا به شواهدی حضور انسان بر روی زمین را تا چند میلیون سال پیش به عقب می‌برند (تصویر۱).

تصویر ۱ــ اثر رد پای انسان حدود سه‌و نیم میلیون سال پیش، تانزانیا، آفریقا

شواهد زمین‌شناسی نشان می‌دهد که در اواخر دورهٔ پارینه سنگی (حدود ۱۰۰۰۰ تا ۷۰۰۰۰ سال پیش از میلاد) آب و هوای کره زمین دچار تغییر و سردتر شده است، این تغییرات در اروپا شدیدتر بود و بر روی نحوهٔ زندگی انسان و حیوانات اثر گذاشت و باعث شد در بعضی جاها انسان‌ها به غارها و پناهگاه‌ها روی آوردند و سعی کردند، نیازمندی‌های خود را با این تغییرات هماهنگ سازند.

گروه‌های انسان‌های غارنشین از طریق شکار و جمع‌آوری غلات زندگی می‌کردند، مردها اغلب به شکار حیوانات و زن‌ها هم به‌جمع‌آوری دانه‌ها و ریشه‌های گیاهان وحشی، مواظبت از کودکان و سالخوردگان، نگهداری آتش و پخت‌وپز می‌پرداختند. این جوامع برای ادامه زندگی به ابزار کار نیاز داشتند که مهمترین ابزار آنها سنگ بود. به‌همین خاطراین دوره را عصر سنگ نام‌گذاری کرده‌اند. مهمترین ابزار، سنگ‌های مُشته‌ای[3] و نوک تیزی بود که از طریق شکستن سنگ‌های بزرگ‌تر به‌دست می‌آمد. دراین دوره انسان با شناخت دقیق‌تر دنیای پیرامون، ساخت ابزار کارآمدتر را فراگرفت و برای تأمین نیازهای مادی تلاش بیشتری از خود نشان داد وسعی کرد خواسته‌ها و نیازهای خود را به شکل نقاشی، حکاکی روی سنگ و ساخت پیکره بیان کند و پیش از آنکه به‌مدد ذوق، هنرمند شود بر اثر نیاز، صنعتگر شد (تصویر ۲).

تصویر ۲ــ مراحل ساخت ابزارهای سنگی در دوره پارینه سنگی

۱ــ مورخان به‌دوره‌ای از تاریخ که هنوز انسان به مرحله نگارش نرسیده بود، دوره سنگ یا دوره پیش از تاریخ می‌گویند.

۲ــ Premitive

۳ــ نوعی ابزار سنگی مدور یا مخروطی که رأس آن تیز و بُرنده می‌شده و در مشت جا می‌گرفته است.

تصویر ۳ــ تصویر فرضی از زندگی مردم عصر پارینه سنگی

در حدود ۳۵۰۰۰ سال پیش از میلاد نخستین دست ساخته‌های انسان ظاهر و به‌تدریج کیفیت ساخت آنها بهبود می‌یابد و در فاصله ۱۵۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ سال پیش از میلاد به بالاترین کیفیت می‌رسند (تصاویر ۳ و ۴).

تصویر ۴ــ تصویر فرضی شکار ماموت توسط مردم عصر پارینه سنگی

در دورهٔ پارینه سنگی مهمترین وظیفه گروه‌های انسانی (شکارگر) شناخت خصوصیات حیوانات و چگونگی شکار آنها بود و بهترین راه بیان نیازها و انتقال فکر، تصویر بود. ازاین رو نخستین و جالب‌ترین آثار هنری انسان که مورخان هنر، آنها را آغاز هنر اعلام می‌کنند، تصاویر جانورانی نظیر گاو، اسب، گوزن، آهو، ماموت، گراز و غیره است که بر سطح دیوار غارها و پناهگاه‌های ناحیه آلپ در اروپا با رنگیزه‌های معدنی مانند گِل اُخرا و خاک سرخ یا سیاه (دوده زغال یا سوخته استخوان مخلوط با پیه جانوران) نقاشی یا کنده کاری شده‌اند. مشهورترین این تصاویر بر دیوارهای داخلی و سقف غارهای آلتامیرا[۱] و لاسکو[۲] در فاصله ۱۵۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ سال پیش از میلاد کنده، نقاشی و یا تراشیده شده‌اند. بعضی از آنها مثل تصویر گاو وحشی زخم خورده، بسیار زنده و واقع نما است. خطوط کناره‌نما و سایه‌اندازی ظریف و ماهرانه و استفاده از برجستگی‌های سنگ‌ها سبب نمایش حجم و برجستگی‌های اندام جانور شده و با وجوداینکه تصویر اسب و گاو نیم رُخ هستند، برای بُعد نمایی، دو گوش اسب و دو شاخ گاو نشان داده شده است. امروز عقیده براین است که‌این تصاویر جنبه تزیینی نداشته و هدف ازایجاد آنها، بخشی از آیین جادو و باروری بوده، زیرا تعدادی ازاین غارها مثل لاسکو و آلتامیرا، برای سکونت مناسب نبوده و از آنها برای انجام مراسم مذهبی استفاده می‌شده است. آنها براین تصور بودند که با ترسیم شکل جانور روح آن‌را به‌تصاحب در می‌آورند. نقاشی‌هایی که در نقاط پنهان و دور از دسترس درون غارها انجام شده، از دقت زیادی برخوردارند و خصوصیات رفتاری حیوانات اعم از حرکات و حالات آنها بسیار طبیعت گرایانه نمایش داده شده‌اند. به نظر می‌رسد این نقاشی‌ها مربوط به آیین‌های باروری (دعا برای زاد و ولد) بوده و حیواناتی که در ترسیم کمتر به آنها دقت شده، مربوط به‌جادوی شکارند[۳] (تصاویر ۵ و ۶).

---

۱ــ Altamira

۲ــ Lascaux

۳ــ آنها بر این تصور بودند که با تصویر کردن جانوران بر روح آنها مسلط شده و موفقیت آنها در روز شکار تأمین خواهد شد.

تصویر ۵ــ دوره پارینه سنگی راست : تالار گاوها، چپ : نقش اسب، غار لاسکو، فرانسه، حدود۱۵۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ سال پیش از میلاد

تصویر ۶ــ گاو وحشی زخمی، غار آلتامیرا، اسپانیا. حدود ۱۵۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ سال پیش از میلاد

تصویر ۷ ــ الهه لسپوگ، Lespugue فرانسه، عاج ماموت، حدود ۲۳۰۰۰ سال پیش از میلاد

در نقاط دیگر جهان آثاری به‌این قدمت و پیشرفت که از نظر کمیت و کیفیت با آثار اروپایی قابل مقایسه باشد به‌دست نیامده است. در آسیا و ایران هم نقاشی‌ها و نقشکندهای (حکاکی‌های روی سنگ) پناهگاهی و صخره‌ای شناسایی شده‌اند، اما نسبت به‌نمونه‌های اروپایی جدیدتر و متعلق به دورهٔ نوسنگی و بعد از آن هستند.

هنر این دوره محدود به نقاشی‌ها نیست بلکه تعداد قابل توجهی پیکرک[1] انسانی و حیوانی از جنس استخوان، سنگ و گِل و حکاکی نقش حیوانات روی عاج، استخوان و ... نیز به‌دست آمده‌اند که بعضی از آنها واقع گرایانه‌اند (تصویر۷).

## ۲ــ هنر دورهٔ نوسنگی یا روستا نشینی

از حدود ۱۰۰۰۰ سال پیش از میلاد مجدداً شرایط آب و هوایی در بعضی مناطق جهان تغییر کرد و هوا گرمتر شد. به‌تدریج انسان‌ها زندگی در غارها و پناه‌گاه‌ها را ترک و زندگی در دشت‌ها را

۱ــ پیکره کوچک

آغاز کردند و دورهٔ پارینه سنگی به‌تدریج خاتمه یافت و انسان دورهٔ تازه‌ای از زندگی خود را شروع و شیوهٔ هنری جدیدی بنا نهاد. این دورهٔ تازه عهد نوسنگی یا عهد دهکده‌نشینی نامیده شد. دورهٔ نوسنگی دومین دوره از ادوار تاریخ تحول زندگی انسان است. این نامگذاری به‌این علت است که انسان در آغاز این دوره نه تنها در ساخت ابزارهای سنگی تحولی به‌وجود آورد و آنها را کارآمدتر کرد، بلکه کم‌کم زندگی مبتنی بر شکار و گردآوری غذا را ترک و زندگی کشاورزی و دامپروری را آغاز کرد.

یافته‌های باستان‌شناسی اواسط هزاره چهارم (حدود ۳۵۰۰ پیش از میلاد) نشان می‌دهد که اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دهکده‌های آسیای جنوب غربی و شمال آفریقا (مصر) بسیار بهبود یافته بود. دهکده‌ها بزرگتر شده و بر جمعیت افزوده شده بود. دست ساخته‌ها متنوع‌تر شده و کیفیت ساخت اشیاء بهبود یافته و داد و ستد گسترده‌تر شده و نخستین اشکال نگارش نیز ابداع شد. با این رخدادها بعضی از این مناطق در آستانه تمدن شهرنشینی و آغاز حکومت‌ها قرار گرفتند.

تصویر ۸ ــ ماکت سفالی خانه برای نگهداری آذوقه، تپه سنگ چخماق، شاهرود، حدود ۶۰۰۰ تا ۵۰۰۰ سال پیش از میلاد

## ● هنرنوسنگی در آسیا

در فاصله ۱۰۰۰۰ تا ۶۰۰۰ پیش از میلاد گروه‌های انسانی ساکن در دامنه‌های زاگرس، جنوب آناتولی (ترکیه) و فلسطین (سوریه و اردن) کاشت گندم و جو و پرورش گوسفند را فرا گرفتند و نخستین دهکده‌های عصر نوسنگی در نقاطی از ایران، عراق، ترکیه و فلسطین شکل گرفتند. در تپه سنگ چخماق (نزدیک شاهرود) ، تعدادی ظروف سفالی بزرگ که برای نگهداری مواد غذایی ساخته شده‌اند، به‌دست آمده که بعضی از آنها به شکل خانه ساخته شده‌اند. از روی این ظرف که به شکل ماکت (الگو) ساخته شده می‌توان به شکل خانه‌ها پی‌برد (تصویر۸). کاوش‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد که روند روستانشینی در اغلب مناطق قاره آسیا و شمال آفریقا (مصر) گسترش یافته است. همزمان با شروع روستانشینی، فن خانه‌سازی، نخ ریسی، بافندگی و سفالگری و ... ابداع شد. انسان عصر نوسنگی فاقد پیشینهٔ هنری نبود بلکه نقاشی،کنده‌کاری، تندیس‌سازی، خراطی و فن پرداخت سنگ‌های زینتی را از دورهٔ پارینه سنگی می‌شناخت. دراین دوره انسان مانند عصر پارینه سنگی تنها به طبیعت وابسته نبود بلکه بخشی از نیازهای خود را از طریق دامداری و کشاورزی تأمین می‌کرد و فرصت اندیشیدن داشت و ازاین فرصت برای بهبود وضعیت زندگی خود استفاده کرد.

تصویر ۹ــ ونوس تپه سراب، کرمانشاه، حدود ۶۰۰۰ سال پیش از میلاد ــ موزه ملی ایران

در طول دورهٔ نوسنگی مردها علاوه بر کار کشاورزی به‌شکار نیز می‌پرداختند. زن‌ها علاوه‌بر زاد و ولد به‌بافندگی، سفالگری و کشاورزی نیز اشتغال داشتند و به‌همین خاطر در نزد خانواده از احترام برخوردار بودند. وجود تعداد قابل توجهی تندیس‌های زنانه در محوطه‌های دورهٔ نوسنگی نشان از اهمیت زنان در زندگی روزمره دارد و ازاین تندیس‌ها به‌عنوان الهه مادر تعبیر می‌شود که نماد زاد و ولد و تداوم زندگی هستند (تصویر۹).

در اوایل هزاره چهارم پیش از میلاد با ابداع چرخ سفالگری، سفال‌ها از تقارن منظمی برخوردار شده و نقاشی روی سفال از اهمیت برخوردار می‌شود. سفال‌ها در آغاز دارای نقوش

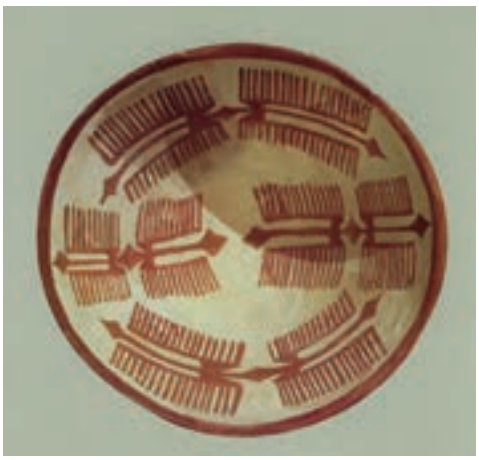

تصویر ۱۰ــ کاسه سفالی، تل گپ، خوزستان، حدود ۴۰۰۰ پیش از میلاد

تصویر ۱۱ــ گلدان سفالی ، مصر، ۴۵۰۰ پیش از میلاد

تصویر ۱۲ــ کاسه سفالی تل سامرا، عراق، ۵۵۰۰ پیش از میلاد

هندسی (خطوط موازی، عمودی، زیگزاگ، موجی و شطرنجی و ...) بودند و این نقش‌ها با رنگ‌های سیاه یا قرمز بر روی آنها رسم می‌شدند. اندکی بعد تصویر انسان، پرندگان، چهارپایان و ستارگان نیز رایج شد (تصاویر۱۰و ۱۱ و ۱۲). شیوه تصویر نگاری موجودات، ساده، خلاصه شده و دو بُعدی هستند[1] و بدن موجودات به‌شکل هندسی و در بعضی موارد روی اجزای بدن اغراق می‌شود (مثل شاخ‌ها)، به‌همین خاطر تصاویر از واقع نمایی و طبیعت‌گرایی به دور هستند. آثار و اشیای هنری به‌جا مانده از دورهٔ نوسنگی در نقاط مختلف دنیا همزمان نیستند و از نظر نوع با هم متفاوتند. به‌طور مثال درایران و عراق سفال و در فلسطین جمجمه‌های یادبودی و در انگلستان سنگ افراشت‌ها (سنگ‌هایی که به‌صورت عمودی روی زمین قرار گرفته است) باقی مانده‌اند (تصویر۱۴). در اریحا (دهکده‌ای در کشور اردن) پرستش جمجمه مانند برخی جوامع بومی آفریقا رایج بود، دراین محل تعدادی سردیس آدمی که سیمایی نافذ و پر حالت دارند و به‌هزاره هفتم و ششم پیش از میلاد تعلق دارند، کشف شده است. هنرمندان اریحا جمجمه را از بقیه اسکلت جدا می‌کردند و با گچ رنگی دوباره آن را به‌شکل سر آدم در می‌آوردند و در باز سازی سعی می‌کردند که شبیه چهره صاحب آن باشد (تصویر ۱۳). سازندگان‌این سردیس‌ها پیشگامان هنر چهره‌سازی در دوره‌های بعد هستند.

تصویر۱۳ــ جمجمه گچ اندود، اریحا، اردن، حدود ۶۰۰۰ تا ۷۰۰۰ سال پیش از میلاد

## ● هنر نوسنگی در اروپا

دورهٔ نوسنگی اروپا، دیرتر از آسیا و در حدود ۴۰۰۰ سال قبل از میلاد شروع شد. در اروپا دهکده‌هایی مشابه آسیای جنوب غربی به‌وجود نیامد، اما ازاین دوره، ساختمان‌های سنگ افراشت بزرگ و حیرت‌آوری باقی‌مانده است. ساختمان‌هایی که از قطعات بزرگ سنگ‌های مسطح که هیچ ملاطی ندارند، درست شده‌اند. یکی از مشهورترین آنها استون هنج[2] در انگلستان است. این

۱ــ هنراین شیوه را سبک هندسی یا چکیده نگاری می‌گویند. در چکیده نگاری، تصاویر موجودات به‌نقش‌های ساده هندسی تبدیل و سپس قرینه‌سازی و تکرار می‌شود.

۲ــStonehange

ساختمان، دایره‌ای وسیع از تخته سنگ‌هایی است که به‌فواصل مساوی از یکدیگر به‌طور عمود بر زمین نصب شده و بر روی آنها تخته سنگ‌های افقی قرار داده شده و در میان آنها دو دایره کوچک‌تر ایجاد شده و در مرکز آن یک قطعه سنگ بزرگ قرار دارد. این مجموعه درست مقابل با نقطه‌ای از آسمان است که در روز اول انقلاب صیفی[1] (روز اول تیرماه) خورشید از آن طلوع می‌کند. این مجموعه بیانگر یک رصدخانه در ارتباط با گردش خورشید است (تصویر ۱۴ الف و ب).

تصویر۱۴ــ الف ــ استون هنج (سنگ افراشت) یا پرستشگاه نجومی سنگی، انگلستان، حدود ۱۸۰۰ تا ۱۴۰۰ سال پیش از میلاد

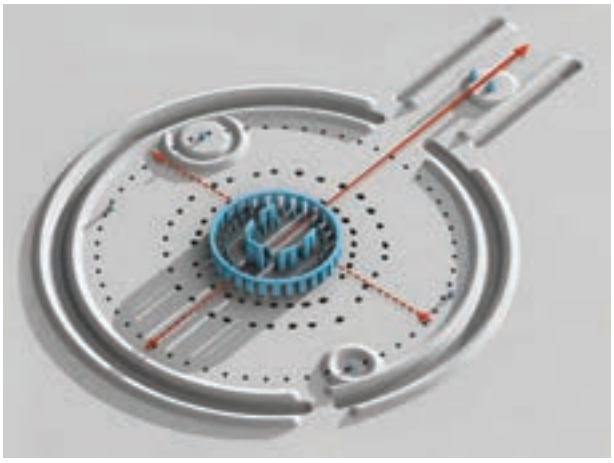

تصویر۱۴ــ ب ــ ماکت بازسازی شده استون هنج از نمای بالا

### ● دورهٔ نوسنگی در دیگر قاره‌ها

دورهٔ نوسنگی در قاره‌های آمریکا، آفریقا (غیر از شمال‌این قاره) و استرالیا بین ۱۰۰۰ تا ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد شروع شد و تقریباً بدون تغییر باقی ماند. دراین مناطق، زندگی کوچ‌نشینی و روستایی تا قرون جدید به‌شکل بدوی ادامه یافته است. بعضی از اقوام مردم آمریکای مرکزی و آمریکای جنوبی ازاین مرحله گذشته و وارد مرحلهٔ شهرنشینی شدند.

## ۳ــ هنر بَدوی یا ابتدایی

اقوام بومی[2] آفریقای استوایی، بومیان استرالیا، ساکنان جزایر جنوب اقیانوس آرام (پولینزی وایستر) و برخی از جوامع سرخ پوست آمریکای شمالی، مرکزی، جنوبی و اسکیموهای شمال آمریکا، اروپا و آسیا به‌عنوان اقوام بدوی یا ابتدایی شمرده می‌شوند. این قبایل هنوز نیز با شکار حیوانات وگردآوری ریشه‌ها و دانه‌ها و میوه‌های وحشی و اندکی کشاورزی و دامداری و به‌دور از تمدن شهری

---

۱ــ برابری طول شب و روز برای آغاز کشاورزی

۲ــ مانند اقوام بوشمن و پیگمه

زندگی می‌کنند. نظام خویشاوندی، مذهب و پرستش ارواح نیاکان مهمترین عامل وحدت میان آنها است.

تولیدات هنری آنها بافندگی، سفالگری، ماسک (صورتک) و تندیس‌سازی، ساخت اشیای چوبی و استخوانی و نقاشی روی اشیاء و بدن است. شیوه هنری آنها ساده و هندسی‌گرا و از طبیعت‌گرایی به‌دور است. جوامع بدوی براین باورند که می‌توانند روح اجداد خود را در ماسک و تندیس‌هایی که می‌سازند به‌دام اندازند و از نیروی آنها در جهت بهبود زندگی و دفع شر استفاده کنند. آنها اعتقاد دارندکه تمام پدیده‌های طبیعت دارای روحند و می‌توان با انجام مراسم نمایشی و بازیگری با استفاده از ماسک و لباس‌های رنگارنگ روح آنها را به کالبد خود دعوت و از خاصیت افسونی آنها استفاده کرد. صورتک‌ها معمولاً شکلی وهم‌انگیز و ترسناک از انسان‌ها، حیوانات و یا ترکیبی ازاین دو با کارکردهای ویژه دارند. تندیس‌ها و صورتک‌ها از چوب، سنگ، فلز، پارچه، پوست یا ترکیبی ازاین مواد و در اندازه‌های مختلف ساخته می‌شد (تصویر ۱۵ و ۱۶).

در ساخت پیکره‌ها، بیشترین تأکید بر روی نگاه و حالت چهره است که بیانگر معنا و کارکرد آن می‌باشد. سایر اندام‌های بدن بسیار ساده و هندسی‌وار هستند. بعضی از تندیس‌ها رنگ آمیزی و با نقوش هندسی کنده شده، تزیین می‌شوند (تصویر ۱۷). این مردمان با وجود تاریخ طولانی همانند ملت‌های آسیا، اروپا و شمال آفریقا به‌مراحل تحول نرسیدند و شیوهٔ زندگی آنها کم و بیش تا زمان حاضر، ادامه یافته، اما با ورود اروپاییان به سرزمین‌های آنها، نظام زندگی و شیوهٔ هنری این جوامع در حال انقراض است.

تصویر ۱۵ــ ماسک رقص، پارچه با تزئینات گیاهی. گینه‌نو، شمال استرالیا

تصویر ۱۶ــ بالا : ماسک دیواری، نقاشی روی چوب. پایین : ماسک مراسمی، چوب با نقاشی همراه با پوشال و دانه‌های گیاهی. گینه‌نو، شمال استرالیا

تصویر ۱۷ــ ماسک نمایشی، جزیره بالی ــ اندونزی

## ● هنر آفریقایی

معمولاً به هنر ساکنان آفریقا غیر از سواحل و مناطق شمالی آن قاره، هنر آفریقایی گفته می‌شود. بومیان آفریقا صاحب هنری منضبط و سنت‌گرا ، با محتوایی آئینی و زیبایی‌های صوری و انتزاعی خاص هر قوم و قبیله بوده‌اند. شکل‌های هنری معتبرترین ملاک تعیین هویت هر قبیله به‌شمار می‌آید. مهمترین قالب هنری آن قاره پیکره‌سازی و کنده‌کاری تزئینی بود. پیکره‌های چوبی همه جا در مراسم دینی یا آئین‌های قبیله‌ای به‌کار می‌رفت. سرپیکره‌ها غالباً بزرگ و بی‌تناسب ساخته می‌شد، زیرا در باور هنرمند، سر جایگاه نیروی زندگی و مهمترین بخش بدن بود. تندیسک‌ها تقریباً همیشه از یک تنه درخت و با قرینه‌سازی دقیق تراشیده می‌شدند و کشیدگی بدن و کوتاهی دستان شاخه مانندشان به‌همین سبب بود. نقاشی روی پوست بدن و شیاراندازی بر چهره در میان بسیاری قبایل مرسوم بوده است. نگاره‌ها و آرایش‌های رنگی به‌کار رفته در روی بدن، غالباً در پیکره‌سازی نیز اجرا می‌شده است. حرکات موزون مهمترین و گویاترین وسیله بیان هنری بومیان آفریقاست. در جریان این حرکات از تندیس‌های گوناگون استفاده می‌شد. هنرهای آفریقا در زندگی روزانه و مراحل مختلف زندگی تولد، بلوغ، ازدواج و مرگ نقش مهمی‌دارند (تصاویر ۱۸ و ۱۹).

تصویر۱۸ــ ماسک، چوب، کنگو آفریقا، موزه هنر بدوی نیویورک، سده بیستم

تصویر۱۹ــ ماسک آیین بلوغ، جنوب غربی کنگو، آفریقا، قرن بیستم، بلندی ۲۴ سانتی‌متر، گالری برکت، کالیفرنیا

## ● اقیانوسیه (استرالیا)

هنر مردمان بومی استرالیا حکاکی روی سنگ، چوب و نقاشی روی بدن، موسیقی، رقص و آواز است. استفاده از ماسک در رقص و آوازهای گروهی این بومیان جنبه آیینی دارد و هدف از انجام آن ارتباط با ارواح نیاکانی و جلب حمایت از آنها است (تصویر۲۰). موضوع نقاشی‌های روی صخره تصویر انسان و جانور در شکلی هندسی و دو بعدی است. در بعضی از نقاشی‌ها (تصویر۲۱)

نه تنها شکل ظاهری بلکه اندام‌های داخلی مانند ستون فقرات، قلب و... نیز نقاشی می‌شوند (نقاشی اشعه‌ایکس) (تصویر ۲۲).

تصویر ۲۰ــ ماسک آیینی، الیاف گیاهی، گِل و رنگ، اوائل قرن بیستم، گینه‌نو، شمال استرالیا، بلندی حدود ۹۰ سانتی‌متر، مجموعه پاپوا (Papua)

تصویر ۲۱ــ نقاشی صخره‌ای (روح زندگی)

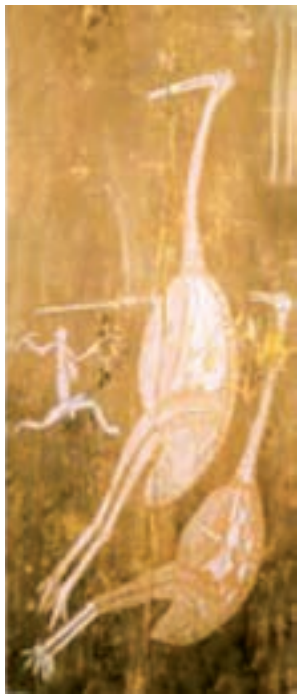

تصویر ۲۲ــ نقاشی روی چوب، صحنه شکار (نقاشی اشعه‌ایکس)، غرب استرالیا

## ● هنر سرخ پوستان آمریکای شمالی

هنراین جوامع نیز، مشابه هنر جوامع بدوی، افریقا و اقیانوسیه است. تولیدات هنری آنها شامل ماسک‌ها (تصویر۲۳) و تندیس‌های آیینی، سفال، منسوجات و اشیای خانگی است. در طول یک صد

تصویر ۲۳ــ سمت راست، ماسک آیینی، سرخ پوستان شمال غربی امریکا، چوب و الیاف، ۲۰۱۰ میلادی. بلندی حدود ۲۵ سانتی‌متر، گالری هنرهای زیبای بومی، سیاتل، بلندی حدود ۲۵ سانتی‌متر. وسط، ماسک به شکل سر پرنده با منقار متحرک، سرخپوستان سواحل غربی امریکا. سمت چپ، رییس یک قبیله

سال اخیر بسیاری از دست ساخته‌های آنها به موزه‌های مختلف جهان راه یافته و مورد ستایش قرار گرفته‌اند.

صنعتگران سرخپوست در عرصه تبدیل سنگ به انواع اشیای مفید در زندگی روزمره یا اشیای آئینی توانا هستند. رسم دیگر سرخپوستان ساخت محیط‌های گیرا و تماشایی برای فعالیت‌های مذهبی است. نقاشی و کنده‌کاری‌های صخره‌ای نیز در نزد آنها رواج دارد که برخی از آنها بسیار زنده و طبیعت گرایانه هستند. در نزد سرخ‌پوستان جنوب غربی آمریکا «**نقاشی آیینی روی شن**»[1] با استفاده از گَرد سنگ‌ها و خاکه‌های رنگی (نظیر خاک رُس، گچ، زغال و...) بر بستری از ماسه و یا خاک مرسوم بوده که انجام آن نیاز به‌مهارت داشته و نقاش به‌دستور طبیب ــ جادوگر قبیله به‌ایجاد نقوش رمزی و سنتی با هدف شفا دادن بیماران در مراسمی همراه با دعا و افسون می‌پرداخته است (تصویر۲۴). سرخپوستان ساکن دشت‌های بزرگ به‌دلیل زندگی چادرنشینی توجهشان بیشتر بر لباس و اندام خود و دیگر اشیای منقول مانند چپق، تبرزین و ظروف گوناگون معطوف بود (تصویر۲۵).

تصویر ۲۴ــ نقاشی روی شن، قبیله ناواجو[2]، جنوب غربی امریکا، ۱۹۰۷ میلادی، کتابخانه کنگره امریکا

تصویر ۲۵ــ یک دختر سرخ پوست آمریکای شمالی . اوایل قرن بیستم

تصویر۲۶ــ نقاب رقص، اسکیموهای آلاسکا، حدود سال ۱۸۸۰ میلادی، چوب، موزه مردم شناسی، برلین

## ● اسکیموها

اسکیموها در نواحی شمال آمریکا، اروپا و آسیا (پیرامون قطب شمال) سکونت دارند و از طریق ماهیگیری و شکار حیوانات امرار معاش می‌کنند. اسکیموها در ساخت پیکره‌های جانوری ، صورتک و لوازم زندگی به‌ویژه از استخوان، عاج، چوب و شاخ حیوانات توانا هستند. اسکیموها در طی سده‌های متوالی، صدها پیکره کوچک آدمی، جانوری و صورتک‌های متحرک را با استفاده از جنس عاج و استخوان و چوب ساخته و یا تصاویر ریز نقش جانور و انسان را با ظرافت تمام بر روی‌این مواد کنده کاری کرده و از طریق آنها افسانه‌های قومی خود را حفظ کرده‌اند (تصویر ۲۶). در بعضی از صورتک‌های اسکیموها اجزا و حالت چهره از واقع گرایی نیرومندی برخوردار است.

---

۱ــ Sandpainting

۲ــ Navajo

## ارزشیابی

۱ــ چه عواملی سبب پیدایش هنر شد؟ شرح دهید.
۲ــ آثار هنری دورهٔ پارینه سنگی چه ویژگی‌هایی داشت؟ شرح دهید.
۳ــ نقاشی در غارها برای چه هدفی انجام می‌شد؟
۴ــ تفاوت نقاشی غارها و نقاشی روی سفال دورهٔ نوسنگی را شرح دهید.
۵ــ استون هنج برای چه هدفی و در کجا ساخته شده است؟
۶ــ هنر اقوام ابتدایی را توضیح دهید.
۷ــ مهمترین قالب هنری اقوام بدوی آفریقاییان چه بود؟
۸ــ نقاشی‌های بدویان استرالیا دارای چه ویژگی خاصی است؟ شرح دهید.
۹ــ ویژگی هنر سرخپوستان را شرح دهید.
۱۰ــ هدف از ترسیم نقاشی بر دیوار غارها در دورهٔ پارینهٔ سنگی چیست؟
الف) تزئین محل سکونت
ب) هدف برای تمرین تیراندازی
ج) بخشی از آیین جادو و باروری
د) برای نمایش و بازیگری

## فصل دوم

# هنر میانرودان( بین النهرین)

**هدف‌های رفتاری** : پس از پایان این فصل از دانش‌آموز انتظار می‌رود که بتواند :

۱ــ نحوهٔ شکل‌گیری حکومت‌های میانرودان را شرح دهد.

۲ــ شکل ساختمانی معابد سومری‌ها را شرح دهد.

۳ــ خصوصیات تندیس‌های تل اسمر را شرح دهد.

۴ــ هنر اکّد را شرح دهد.

۵ــ خصوصیات هنر حجاری آشوری را توصیف کند.

۶ــ خصوصیات هنر بابلی را توصیف کند.

۷ــ تفاوت هنر بابلی و آشوری را توضیح دهد.

## ۱ــ تاریخ مردم میانرودان

در حدود هزاره ششم پیش از میلاد، دشت‌های حاصلخیز جنوب میانرودان (بین دو رودخانه دجله و فرات) توسط مردمی کشاورز که از مناطق شرقی (ایران) آمده بودند اشغال شد و روستانشینی در این ناحیه به‌سرعت رشد کرد. بعدها برخی از روستاها مانند اِریدو،[۱] اور[۲] و... به‌دلیل بهبود سیستم کانال‌های آبیاری، توسعه تجارت و افزایش جمعیت، وارد عصر شهرنشینی شدند و کم کم دولت شهرهایی[۳] را تشکیل دادند. در حدود ۲۹۰۰ پیش از میلاد، اتحاد نسبی تعدادی از این دولت شهرها منجر به شکل‌گیری حکومت سومری شد، اندکی بعد مردمان دیگری که سامی‌نژاد بودند بر سومری‌ها غلبه کردند و حکومت اکّد[۴] را به‌وجود آوردند. سپس اقوام دیگری که آنها هم سامی‌نژاد بودند بر میانرودان مسلط شدند و در جنوب کشور بابل و در شمال کشور آشور را تشکیل دادند.

دولت شهرهای میانرودان در آغاز دارای وحدت نژادی و زبانی نبودند. جنگ‌های داخلی و خارجی و مشکلات طبیعی (سیل ناشی از طغیان رودها) از همان آغاز بر اندیشه آنها تأثیرگذار بود و باعث شد که آنها جهان را ناپایدار و بی‌ثبات تصور کنند. این تأثیر درمذهب، ادبیات، معماری و هنر آنها منعکس است، آنها دریافتند که فقط مذهب می‌تواند عامل وحدت میان آنها باشد. با وجود این مشکلات، آنها مردمی سخت‌کوش بودند و یکی از تمدن‌های بزرگ جهان باستان را به‌وجود آوردند و سهم مهمی‌در ابداع خط و کتابت، ادبیات، قوانین اجتماعی، ریاضی، پزشکی، ستاره‌شناسی، معماری، پیکره سازی، نقاشی و ... داشتند.

## ۲ــ هنر میانرودان

### ● دورهٔ پیش از سومر یا پیش از سلسله‌ها

نخستین بنای کشف شده در میانرودان، معبدی در شهر اِریدو[۵] است. این معبد، بر روی یک سکوی طبیعی برای خدای حکمت و آب شیرین ساخته شد و در دوره‌های بعد الگویی برای ساخت معابد بعدی شد. (تصویر ۱)

از همان آغاز شکل‌گیری تمدن میانرودان، تندیس‌ها، با هدف‌های آیینی ساخته شدند. تا کنون تعداد قابل توجهی تندیس انسانی، جانوری و موجودات خیالی از مواد گوناگون (گِل، گچ، سنگ، فلز و عاج) به‌دست آمده‌اند که از نظر ساخت، کیفیت‌های مختلفی دارند و مظهر زمینی ایزدان و الهه‌ها

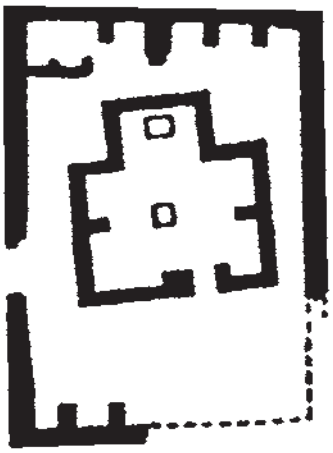

**تصویر ۱ــ نقشهٔ معبد اریدو، حدود ۳۵۰۰ قبل از میلاد، جنوب عراق**

---

۱ــ Eridu

۲ــUr

۳ــ ناحیه‌ای با مرکزیت شهری که دارای استقلال سیاسی و مذهبی است (حاکم و معبد مستقل).

۴ــ Akkad

۵ــ Eridu

و حاکمان و نیایشگران در حالت‌های ایستاده و نشسته ساخته شده‌اند. نیایشگران معمولاً ایستاده و دست به سینه مجسم شده‌اند. در ساخت این تندیس‌ها کمتر به جزییات توجه شده و بیشتر به بالا تنه و چشم‌ها تأکید شده است. یکی از هنرمندانه‌ترین آنها، سردیس زنانه‌ای از مرمر سفید است که احتمالاً به ایزد بانویی تعلق دارد و بسیار خوش ساخت است و به احتمال زیاد حفره چشم‌ها و ابروها با ماده‌ای رنگین ترصیع شده بوده‌اند. لب و چانه با ظرافت حجم پردازی شده و برجستگی نرم گونه‌ها که با نگاه خیره و بزرگ چشم‌ها همراه شده، حالتی از قدرت و حساسیت را به‌وجود آورده است (تصویر۲).

تصویر۲ــ سردیس ملکه اوروک از سنگ مرمر، اوروک، حدود ۳۳۰۰ تا ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد، موزه عراق

## ● هنر سومر

از دورهٔ سومر آثار قابل توجهی مانند آثار معماری، پیکره، مُهر و گِل نوشته باقی‌مانده است. معروف‌ترین معابد این دوره معبد خدای آسمان[۱] (تصویر۳) در شهر اوروک[۲] و معبد خدای ماه[۳] (تصویر۴) در شهر اور است. معبد اوروک بر روی یک سکوی مصنوعی بلند ساخته شده است و به‌دلیل داشتن اندود سفید (گچ)، به‌معبد سفید نیز شهرت دارد. باستان شناسان در موقع کشف آن را زیگورات[۴] نامیدند. زیگورات به معنی کوه بلند و سرچشمه زندگی بود، به همین خاطر سومری‌ها معابد خود را به شکل کوه می‌ساختند و بر این تصور بودند که با ساختن زیگورات‌های بلند ارتباط انسان با خدا آسان می‌شود. زیگورات به بنای بزرگ طبقه طبقه‌ای گفته می‌شود که ابعاد هر طبقه آن از طبقه پایین‌تر کمتر باشد. معبد اور برای خدای ماه ساخته شده و سالم‌ترین و بزرگ‌ترین زیگورات بجای مانده در میانرودان است. این معبد دارای سه طبقه بود که اتاق نیایش بر روی طبقه سوم ساخته شده بود و رسیدن به اتاق معبد از سه رشته پله مقدور بود.

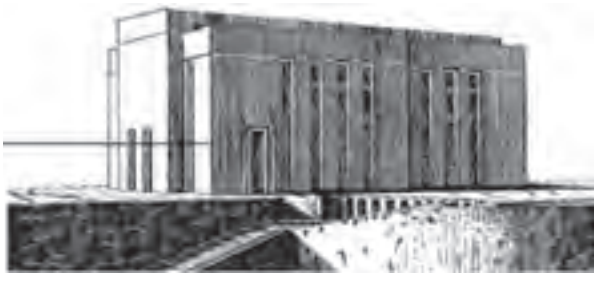

تصویر ۳ــ معبد خدای آسمان ، شهر اوروک، حدود ۳۵۰۰ ــ ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد، جنوب عراق

تصویر۴ــ معبد ( زیگورات) اور و ماکت آن، حدود ۲۰۳۰ سال پیش از میلاد، جنوب عراق

---

۱ــ Anu

۲ــ Uruk

۳ــ Sin (خدای ماه)

۴ــ Zigurat

از معبد ابو[1] در تَل اَسمر تعدادی تندیس از جنس سنگ مرمر در اندازه‌های مختلف کشف شد. بزرگ‌ترین آنها تندیس ابو (ایزد رویش گیاه) است. به عقیده سومریان خدایان در قالب تندیس خود حضور دارند و نیایشگران نیز می‌توانستند برای خود جانشینی داشته باشند که به‌جای آنها نیایش کند. صورت و بدن تندیس‌ها بسیار ساده ساخته شده تا از اهمیت چشم‌ها به‌عنوان دریچه روح که در ساخت آنها بسیار تأکید شده، کاسته نشود. تندیس‌سازان سومری آثار خود را به شکل مخروط و استوانه با بازوها و ساق‌های استوانه‌ای می‌ساختند (تصویر۵). آثار به‌دست آمده از قبور سلاطین اور، ما را با ذوق و ظرافت هنر سومری بیشتر آشنا می‌کند، در این قبور آثار مختلفی به دست آمد که دیدنی‌ترین آنها چنگ منقوش است، بر روی دسته چنگ تصاویر طنز گونه‌ای از رفتار حیوانات نقش شده است (تصویر۶). مُهر سازان نیز هنرمندان ماهری بودند و انواع نقش‌ها را بر روی مُهرها حکاکی می‌کردند (تصویر ۷).

تصویر۵ــ تندیس از جنس سنگ مرمر، ابو و همسرش، تل‌اسمر، حدود ۲۹۰۰ تا ۲۵۵۰ پیش از میلاد، موزه بغداد بلندترین تندیس ۷۵ سانتی‌متر

(الف)

(ب)

تصویر۶ــ الف ــ چنگ اور، مقابرسلاطین اور، حدود ۲۶۰۰ پیش از میلاد، موزه دانشگاه فیلادلفیا
تصویر ۶ــ ب ــ بخشی از تصویر چنگ اور، سرگاو از کاسه چنگ اور طلا و سنگ لاجورد با چشمان مرصع، بلندی ۴۵ سانتی‌متر

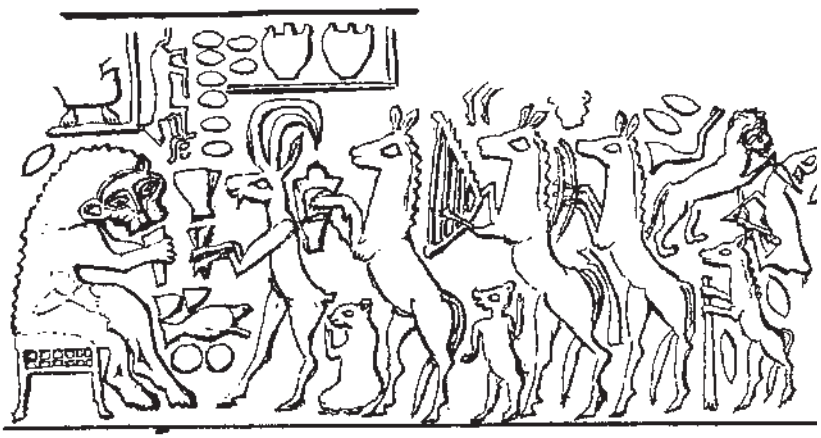

تصویر۷ــ اثر مُهر استوانه‌ای، پذیرایی از شیر، سومر، حدود ۲۶۵۰ــ۲۵۵۰ پیش از میلاد

۱ــ Abu

## ● هنر اکّد

در حدود ۲۴۰۰ قبل از میلاد اقوام سامی‌نژاد شمال میانرودان به جنوب آمدند و به رهبری سارگون،[1] حکومت اکّد را تأسیس کردند. سارگون و جانشینانش خود را پادشاه می‌خواندند و ادعای فرمانروایی بر سراسر میانرودان را داشتند، در زمان اکّدی‌ها، هنر سومری وظیفه تجلیل از پادشاه را نیز به عهده گرفت ، جالب‌ترین اثر دورهٔ اکدی یک سردیس مفرغی است که چهره پادشاهی قدرتمند را مجسم می‌کند که نگاهی اطمینان بخش و با ابهت دارد ( تصویر۸). از نارام سین[2] نوه سارگون نیز یک لوح سنگی باقی‌مانده که در آن پیروزی نارام سین و سپاهش نقش شده است (تصویر۹). در لوح نارام سین بزرگی اندازه شاه تأکید بر قدرتمندی و پیروزی او دارد.

تصویر ۸ــ سر حاکم اکّدی(احتمالاً سارگون)، مفرغ، نینوا، حدود ۲۳۰۰ تا ۲۲۰۰ پیش از میلاد، موزه عراق

تصویر ۹ــ لوح پیروزی نارام سین، سنگ، حدود ۲۳۰۰ــ ۲۲۰۰ قبل از میلاد، موزه لوور پاریس

## ● هنر دورهٔ سومر نو

در زمان تسلط بیگانگان بر بین النهرین یکی از دولت شهرهای سومری به نام لاگاش و به رهبری گوداَ [3] استقلال خود را حفظ کرد. گوداَ حاکمی‌مردم دوست بود و در زمان او هنر و معماری سومری تجدید حیات یافت. از گوداَ تعدادی تندیس سنگی نشسته و ایستاده باقی مانده است که برخی از آنها با ظرافت تمام ساخته شده و در آنها به کشش‌های عضلانی بدن توجه شده است. یکی

---

۱ــSargon

۲ــNaram ــ sin

۳ــGudea

از زیباترین آنها سردیسی است که هنرمند تلاش کرده، حالت روحانی وی را نشان دهد (تصویر ۱۰). تندیس‌های گودآ، مظهر نیایشگری است که با خلوص در مقابل معبود خود قرار گرفته است. تداوم هنر بین‌النهرین از سردیس ملکه اوروک تا سردیس حاکم اکدی و سردیس گودآ ادامه دارد.

**تصویر ۱۰ــ سر گودآ، از سنگ دیوریت، از شهر لاگاش، حدود ۲۱۵۰ پیش از میلاد، موزه بغداد**

## ● هنر آشوری

هنر آشوری پس از مدت‌ها اقتباس و تجربه از هنر بابلی و اقوام دیگر[1] آسیای صغیر (ترکیه امروزی) که در نقش برجسته‌سازی توانا بودند، سبکی را بنیان گذاشت که منشأ موفقیت‌های حجاران گردید[2] و در زمان آشور نصیر پال دوم تبدیل به هماهنگی بین معماری و هنر تصویری شد. هنر آشوری در زمان آشور نصیر پال و آشور بانیپال در معماری کاخ‌ها و نقش برجسته‌های دیواری تجلی یافت. نقش برجسته‌ها اغلب به‌صحنه‌های جنگ، شکار، محاصره شهرها و قلعه‌ها و مراسم مذهبی اختصاص داشت و شاه همچون قهرمان در همه جا حضور داشت. هنرمندان آشوری در نمایش حیوانات به خصوص صحنه‌های شکار بسیار توانا بودند و حالت‌های گریز و ستیز و مرگ حیوانات را طبیعی و دقیق مجسم می‌کردند (تصویر۱۱). ولی تندیس‌های انسانی در نقش برجسته‌ها و نقاشی‌های دیواری خشک و رسمی هستند و غالباً سر و پا از دید جانبی و بدن از دید

**تصویر ۱۱ــ شیر زخمی‌در صحنه شکار، حجاری روی سنگ، کاخ آشور بانیپال، نینوا، حدود ۶۵۰ پیش از میلاد، موزه بریتانیا**

---

۱ــ میتانی‌ها از اقوام شمال بین النهرین( آسیای صغیر) و در فاصله سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۵۰۰ قبل از میلاد از قدرت برخوردار بودند، آنها در معماری و حجاری توانا بودند و با آشوری‌ها ارتباط داشتند.

۲ــ دوره آشوری به سه دوره کهن، میانه و جدید تقسیم می‌گردد ولی از دوره‌های کهن و میانه اثری به جای نمانده و آثاری که ذکر شده است همگی از دوره جدید است.

تصویر ۱۲ــ یکی از هدیه آورندگان، حجاری روی سنگ مرمر، کاخ سارگون دوم، شهر آشور (خورس آباد کنونی) ، حدود ۷۲۰ پیش از میلاد، موزه لوور، پاریس

تصویر ۱۳ــ دو بزرگ زاده آشوری، بخشی از یک نقاشی دیواری، کاخی در سوریه، حدود ۸۵۰ تا ۸۰۰ پیش از میلاد موزه حلب، سوریه

تصویر ۱۴ــ انسان ــ گاو (گاو مرد بالدار) سنگ مرمر، دروازه کاخ سارگون دوم آشوری در نینوا، ۷۲۱ ــ ۷۰۵ پیش از میلاد

روبرو نشان داده شده است[1] (تصاویر ۱۲ و ۱۳). در میان مجسمه‌های آشوری، شیران و گاوان بالدار با سر انسان، از همه جالب‌تر هستند. این تندیس‌ها اغلب در دو سوی ورودی کاخ‌ها قرار می‌گرفتند. وظیفه این موجودات حمایت از کاخ‌های سلطنتی و دفع نیروهای شر بود. حجاران انسان ــ گاوها را با پنج پا بازنمایی کرده‌اندکه قصدشان القای حرکت از دید جانبی بوده است (تصویر۱۴).

## ● هنر بابلی

بابلی‌ها بر جنوب میانرودان مسلط بودند و پایتخت آنها شهر بابل بود. بابلی‌ها دو بار به اوج قدرت رسیدند[2]. نخستین جلوه هنر آنها قبل از دوره آشوری به نام دوره بابل قدیم و در زمان حمورابی است که قانون نامه وی که بر روی سنگی مخروطی شکل(لوح سنگی) نقش شده، بسیار مشهور است (تصویر۱۵ الف و ب). بر روی این لوح، حمورابی در حال دریافت قوانین از خدای خورشید (شمس) است. دومین اوج هنر آنها در دوره بابل جدید و در حدود ۶۰۰ پیش از میلاد است. در این دوره معبد ایشتار و دروازه مشهور آن و برج افسانه‌ای شهر بابل توسط **نَبوه کد نصر**[3] (بُخت النصر) ساخته شد. بابلی‌ها وارث هنر و تمدن سومری‌ها و اکدی‌ها بودند. بابلی‌ها نیز مانند همه ملل قدیم میان هنر و صنعت تفاوتی قائل نبودند. اما هنرمندان از احترام زیادی برخوردار بودند و دولت‌های

---

۱ــ اصل تقابل

۲ــ بابل در دو دوره به حکومت رسید. بابل قدیم قبل از دوره آشوری شکل گرفت. همچنین پس از آشوریان دوباره بابل جدید حکومت را به‌دست گرفت.

۳ ــ Nebuchadnezzar

همسایه همواره خواستار حجاران، نجاران، بنایان و آهنگران بابلی بودند و از آنها در کارهای ساختمانی استفاده می‌کردند. برخلاف آشوریان، هنر بابلی همچون هنر سومری ــ آکدی در خدمت مذهب و حکومت بود و هنرمندان به ساخت و تزیین معابد، تجسم خدایان و بازنمایی حکام و کارگزاران حکومت می‌پرداختند. بابلی‌ها در ساخت آجرهای لعاب‌دار بسیار توانا بودند و نمونه کار برجسته آنها آجرهای لعاب‌دار منقوش دروازه ایشتار است که از جمله شاهکارهای هنری جهان باستان محسوب می‌شود (تصویر ۱۶ و ۱۷).

تصویر ۱۵ــ الف ــ قانون نامه حمورابی، لوح سنگی، ارتفاع ۲۱۵ سانتی‌متر، حدود ۲۷۵۰ پیش از میلاد، موزه لوور، پاریس

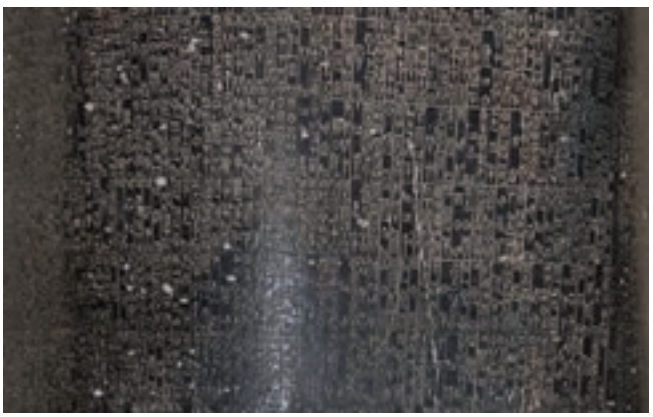

تصویر ۱۵ــ ب ــ بخشی از خط نوشتهٔ لوح سنگی حمورابی

تصویر ۱۶ــ باز سازی دروازه ایشتار، بابل، حدود ۵۷۵ پیش از میلاد ، موزه دولتی برلین

تصویر ۱۷ ــ آجر لعاب‌دار، کاخ نبوه کدنصر، بابل، حدود ۵۷۵ پیش از میلاد. موزه باستان‌شناسی استانبول

## جدول گاهنگاری دوره‌ها و سلسله‌های میانرودان (بین النهرین)

| دوره یا سلسله | | شمال | جنوب | زمان (پیش از میلاد) | آثار |
|---|---|---|---|---|---|
| بابل جدید | | | × | ۷۰۰-۵۳۹ | |
| آشور جدید | | × | | ۹۱۲ -۶۱۲ | |
| آشور میانی | | × | | ۱۳۰۰ – ۹۱۲ | |
| آشور قدیم | | × | | ۲۰۰۰ – ۱۳۰۰ | |
| بابل میانی | ایسین ۲ و سلسله های دیگر | | × | ۱۳۰۰ – ۷۰۰ | |
| | کاسی | | × | ۱۶۰۰ - ۱۳۰۰ | |
| بابل قدیم | | | × | ۱۸۰۰ – ۱۶۰۰ | |
| ایسین – لارسا | | | × | ۲۰۰۴ - ۱۸۰۰ | |
| سومرتو ( اور سوم) | | | × | ۲۱۱۱ – ۲۰۰۴ | |
| اکد | | × | × | ۲۳۳۴ – ۲۲۰۰ | |
| سومر(سلسله های قدیم) | | | × | ۲۹۰۰ – ۲۴۰۰ | |
| پیش از سومر: عبید، اوروک، جمدت نصر | | | × | ۳۵۰۰ – ۲۷۰۰ | |

## ارزشیابی

۱ــ چه عواملی باعث شکل‌گیری شهرها در میانرودان شد؟

۲ــ مردم میانرودان با چه مشکلاتی روبرو بودند؟

۳ــ چرا مردم میانرودان جهان را بی‌ثبات تصور می‌کردند؟

۴ــ زیگورات به معنی ..... و سرچشمه زندگی بود.

۵ــ معابد سومری به چه شکل ساخته شده‌اند؟

۶ــ تندیس‌های تل اسمر دارای چه ویژگی‌هایی است؟

۷ــ هنر اکّدی دارای چه ویژگی خاصی است؟

۸ــ صورت گودآ و سارگون دارای چه خصوصیاتی هستند؟

۹ــ نقوش حیوانی و انسانی در حجاری‌های آشوری چه تفاوت‌هایی با هم دارند؟

۱۰ــ از دوره بابل قدیم چه اثر مشهوری باقی‌مانده است؟

۱۱ــ جدول زیر را کامل کنید.

| دوره | نمونه آثار هنری مهم | نمونه معماری |
|---|---|---|
| ..... | ۱ــ .....<br>۲ــ آجر لعاب‌دار | ..... |
| آشوری | ۱ــ نقش برجسته<br>۲ــ ..... | کاخ |

# فصل سوم

# هنر مصر

**هدف‌های رفتاری** : پس از پایان این فصل از دانش‌آموز انتظار می‌رود که بتواند :

۱ــ عوامل زیست محیطی مؤثر بر هنر مصر را نام ببرد.

۲ــ خصوصیات هنر مصر را شرح دهد.

۳ــ لوح نارمر را شرح دهد.

۴ــ روش ساخت مقبره‌ها را در دوره سلسله‌های اولیه شرح دهد.

۵ــ اهرام سه گانه را توضیح دهد.

۶ــ اصول پیکره سازی مصری را بیان کند.

۷ــ هدف از ساخت تندیس برای مردگان را بیان کند.

۸ــ موضوع کتاب مردگان را بیان کند.

## ۱ــ طبیعت و تاریخ

یک مورخ یونانی[۱] مصر را هدیه‌ای از رود نیل نامیده، زیرا سرزمین مصر تقریباً بدون باران است. سطح آب رود نیل که همچون شریان حیاتی مصر است، در فصول مختلف سال به‌طور منظم بالا و پائین می‌رود و این تغییرات تأثیر زیادی در فرهنگ، مذهب و هنر مصری‌ها داشته است. یکی از دلایل ثبات تمدن و هنر مصر در طی ادوار مختلف همین تغییرات فصلی سطح آب است. تاریخ مصر باستان از زمانی آغاز می‌شود که آنها خط را حدود ۳۱۰۰ پیش از میلاد ابداع کردند. مورخان تاریخ مصر را به‌سلسله‌های اولیه، قدیم، میانه و جدید تقسیم می‌کنند.

## ۲ــ میراث هنر مصر

مصریان باستان میراث هنری ارزنده‌ای از خود به یادگار گذاشتند که با هنرهای دیگر تمدن‌های جهان تفاوت دارد، آنها همیشه جلوه‌های خوب زندگی را در آثارشان منعکس می‌کردند و برای زنده‌نمایی پیکره‌ها از رنگ استفاده می‌کردند. نقاشی‌ها و نقوش برجسته آنها دو بعدی و توصیفی است. طبق سنت آنها، پیکره باید از بهترین زاویه نمایش داده شود. از این رو در نقاشی‌های افراد مهم، سر با نمای نیم رخ، اما چشم‌ها و شانه‌ها از روبرو، سینه‌ها از نیم‌رخ، کمر و کفل در نمای سه‌رخ، و پاها از نیم رخ و در حالتی آرام و با وقار نشان داده شده‌اند، ولی افراد فرودست پرتحرّک و زنده هستند. هنر مصری هنر محافظه کار، ایستا و با دوامی است که در طول تاریخ خود یکسان مانده است. هنر مصری به خاطر استفاده آگاهانه از هندسه در معماری، شیوه تندیس سازی، خوشنویسی (خط هیروگلیف، تصویر۱)، ساخت تالارهای ستون‌دار بر تمدن‌های یونان و روم و دیگر تمدن‌های خاورمیانه تأثیر گذار بوده است.

**تصویر۱ــ خط تصویری هیروگلیف، مقبره رامسس اول، ۱۲۹۰ پیش از میلاد، مصر**

---

۱ــ هرودوت

# ۳ــ تاریخ هنر سلسله‌های مصر

## ● سلسله‌های اولیه

با شروع سلسله‌های اولیه، هنر حجاری، تندیس‌سازی و نقاشی شکوفا شده و در ساخت مصنوعات هنری، قواعدی پایه گذاری شد، بطور مثال در حجاری و تندیس‌سازی همیشه پای چپ جلوتر است. مهمترین اثر هنری این دوره که برای شناخت خصوصیات هنر مصر مناسب است یک لوح سنگی است که به شاه نارمر[۱] نسبت داده می‌شود. نقش کنده کاری شده در دو سوی این لوح به یک رویداد سیاسی اشاره دارد و گویای اتحاد مصر علیا و سفلی توسط نارمر است (تصویر۲).

در این دوره ساخت مقبره اهمیت یافت. مقبره‌ها را به‌صورت حفره‌های مستطیل شکل می‌ساختند و متوفی را داخل آن قرار داده و روی آن‌را با سقف چوبی پوشانده و درون آن هدایا و لوازم زندگی برای جهان بعد از مرگ قرار داده و سطوح داخلی آن‌را با نقاشی و حجاری تزیین می‌کردند.

**تصویر۲ــ لوح سنگی( پشت و رو) منسوب به نارمر، حدود ۳۱۰۰ پیش از میلاد، بلندی ۶۲ سانتی متر، موزه مصر، قاهره**

## ● سلسله‌های قدیم

هنر سلسله‌های قدیم با پادشاهی زوسر آغاز می‌شود و جانشینان او بزرگ‌ترین مقبره‌ها را که به اهرام سه گانه[۲] شهرت دارند، در منطقه جیزه ساختند (تصویر۳). تندیس مشهور ابوالهول[۳] (پدرترس) نگهبان هرم‌ها با سر انسان و بدن شیر، در نزدیکی آن قرار دارد (تصویر۴) .بدنه این هرم‌ها با سنگ‌های صاف ساخته شده و اتاق تدفین در داخل آن قرار دارد.

---

۱ــ Narmer

۲ــ اهرام سه‌گانه شامل خئوپس (خونو)، حِفرِن (خفرع) و میکرینوس (منکورع) می‌باشد.

۳ــ ابوالهول موجود ترکیبی به عنوان نگهبان و بزرگ‌ترین پیکره محسوب می‌شود.

تصویر۳ــ اهرام ثلاثه، جیزه، بین ۲۵۷۰ تا ۲۵۰۰ پیش از میلاد

تصویر۴ــ تندیس انسان ــ شیر (ابوالهول) و نمای هرم خئوپس در پشت، جیزه، مصر، حدود ۲۵۳۰ پیش از میلاد

تصویر ۵ــ تندیس چوبی، حدود ۱۹۵۰ پیش از میلاد، سلسله‌های قدیم

هنر این دوره حالتی حماسی و شاعرانه دارد و در کلیه زمینه‌ها به اوج می‌رسد. آثار هنری براساس یک طرح از پیش تعیین شده ساخته شده و قواعد هندسی به‌دقت در آن رعایت می‌شد.

تندیس‌های این دوره در نگاه اول خشک و بی‌روح جلوه می‌کنند اما باید توجه داشت که در نظر مصریان زیبایی امری باطنی است. آنها برخلاف یونانی‌ها به زیبایی ظاهری توجه نداشتند و هدف آنها ایجاد نظم، استقامت و روح ابدی در مواد جامد و بی روح بود. در مصر، هنر تندیس‌سازی مانند دیگر هنرها جنبه مذهبی داشت. مصریان به زندگی ابدی در جهان بعد از مرگ باور داشتند و معتقد بودند که روح در موقع مرگ، بدن را ترک و در جهان دیگر مجدداً در جسم متوفی حلول می‌کند و چون جسم انسان فانی است، مصریان برای متوفی پیکره‌ای بدلی از جسمی‌سخت (معمولاً سنگ خارا) می‌ساختند تا روح که در نزد مصریان «کا» نام داشت در جسم بدلی حلول کند و در جهان دیگر به حیات خود ادامه دهد. هنرمندان مصری در ساخت تندیس‌ها شبیه‌سازی نمی‌کردند اما برای شناخت صاحب تندیس نام وی را می‌نوشتند. شکل کلی تندیس‌ها اکثراً مکعبی و استوانه‌ای است. تندیس‌های ایستاده در حالت خبردار و پای چپ مردان همیشه در جلو پای راست قرار دارد (تصویر۵) اما پاهای زنان به هم چسبیده و یا کمی از هم فاصله دارند و معمولاً بالاتنه دقیق‌تر ساخته می‌شد.

تصویر۶ــ کاتب نشسته، سنگ آهک، بلندی ۵۳ سانتیمتر، دورهٔ پادشاهی قدیم، حدود ۲۵۰۰ پیش از میلاد، موزهٔ لوور، پاریس

در این زمان، تندیس‌سازی به اوج خود می‌رسد. پیکره کاتب نشسته از آثار برجسته این زمان است، که سیمایی بسیار زنده و جاندار دارد و آماده شنیدن مطالب برای نوشتن است (تصویر ۶).

نقش برجسته‌ها و نقاشی‌های مصری به‌صورت ترکیب نیم رخ و تمام رخ اجرا می‌شدند (تصویر ۷). هنرمندان مصری مانند میانرودانی‌ها در جانورنگاری از طبیعت‌گرایی پیروی می‌کردند که نمونه برجسته آن **غازهای مِدُم**[۱] است (تصویر۸).

۱ــMeidum

تصویر۷ــ بزرگ زاده مصری، حدود ۲۷۵۰ پیش از میلاد، نقش برجسته روی چوب، بلندی ۱۱۴ سانتی‌متر، موزه مصر، قاهره

تصویر۸ــ غازهای مدم ، سلسله چهارم، حدود ۲۵۵۰ پیش از میلاد. ، نقاشی دیواری داخل مقبره، بلندی تقریباً ۴۵ سانتی‌متر، موزه مصر، قاهره

## ● سلسله‌های میانی و جدید

در دوره سلسله‌های میانه آثاری چون گذشته به‌وجود نیامدند اما با شروع سلسله‌های جدید شکوه تازه‌ای در هنر به‌وجود می‌آید و باید این عصر را دوره طلایی معبدسازی تلقی کرد یکی از یادمان‌های برجستهٔ این دوره معبد «**حَت شِپ سوت**»[1] در دیرالبحری است ( تصویر ۹).

دو تن از حاکمان این دوره، اخناتون [2]و توت عنخ آمون [3] بسیار مشهور هستند. اخناتون تلاش می‌کرد از محدودیت‌های سنتی بکاهد و در پی این تلاش، هنرمندان نیز از آزادی محدودی برخوردار شدند و آثاری را خلق کردند که در آنها واقع‌گرایی و طبیعت‌گرایی به‌چشم می‌خورد که نمونه آن سر اخناتون است (تصویر۱۰). اما شهرت توت عنخ آمون به‌دلیل مقبره اوست که دست نخورده کشف شد. در ماسک طلایی روی صورت او آزادی حرکت و حالت به‌چشم می‌خورد (تصویر۱۱). از دیگر آثار سلسله‌های جدید، نقاشی‌های دیواری درون مقبره‌هاست. نقاشی‌های دیواری، نقوش و نوشته‌های روی کاغذ پاپیروس[4] و بدنه تابوت، مراحل زندگی بعد از مرگ را

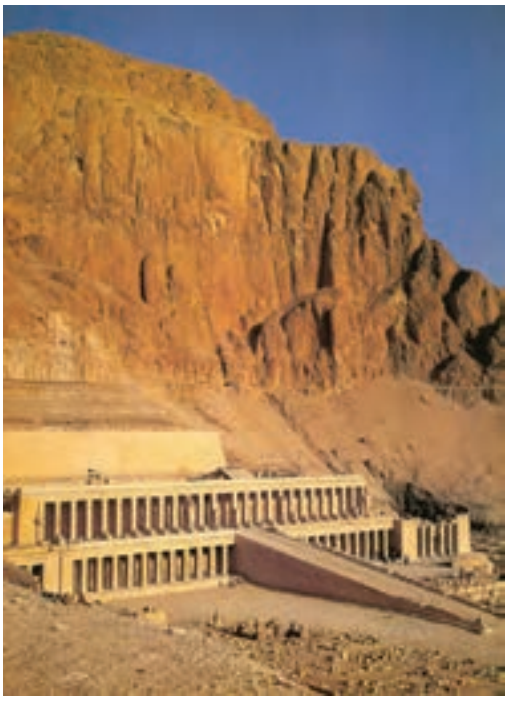

تصویر ۹ــ معبد حت شپ سوت در دیر البحری، حدود ۱۴۸۰ پیش از میلاد

---

۱ــ Hatshepsut

۲ــ Akhenaten

۳ــ Tutankhamun

۴ــ پاپیروس( Papyrus ) نوعی گیاه و از انواع گیاه نی به شمار می‌رود که مصری‌ها از آن کاغذ می‌ساختند.

تصویر۱۰ــ سر اخناتون، سلسله‌های جدید، ارتفاع ۲۶ سانتی متر، ۱۳۴۰پ.م، برلین

تصویر۱۱ــ ماسک زرین تابوت توت عنخ آمون، ارتفاع ۵۴ سانتی متر، ۱۳۲۵پ.م، موزه قاهره، مصر

تصویر۱۲ــ بخشی از کتاب مردگان، نقاشی دیواری داخل مقبره، ۱۳۹۰ پیش از میلاد، سلسله‌های جدید

نشان می‌دهند که مجموعهٔ آن به‌نام کتاب مردگان شهرت یافته است (تصویر۱۲).

آخرین فرمانروایان قدرتمند مصر، رامسس دوم و سوم هستند که بار دیگر مصر را به اوج قدرت رساندند. یادگار برجسته معماری عهد آنها کاخ‌ها و معبد آمون در الاقصر است که دارای سر در، تالارهای ستوندار و حیاط است (تصویر۱۳ و ۱۴).

تصویر۱۳ــ ستون‌های معبد رامسس دوم، حدود ۱۲۶۰پ.م

تصویر۱۴ــ تزئینات معماری، معبد آمون، کارناک، حدود ۱۴۵۰ پیش از میلاد

مصری‌ها در زیورسازی و هنرهای تزئینی هم توانا بودند و موضوع اغلب آثار تزئینی آنها برگرفته از گیاهان کنار رود نیل به‌ویژه نیلوفر و پاپیروس بود (تصویر ۱۵).

**تصویر۱۵ــ گوشوارهٔ طلا و سنگ‌های قیمتی، مقبره توت عنخ آمون**

**جدول تاریخ سلسله‌های مصر**

| دور فترت سوم، سلسله ۲۱ تا ۲۴ | سلسله‌های جدید، سلسله ۱۸ تا ۲۰ | دوره فترت دوم، سلسله ۱۳ تا ۱۷ | سلسله‌های میانه، سلسله ۱۱ تا ۱۲ | دوره فترت اول ، سلسله ۹ تا ۱۰ | سلسله‌های قدیم، سلسله ۳ تا ۸ | سلسله‌های عتیق، سلسله ۱ و ۲ | دوره پیش از سلسله‌ها |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| 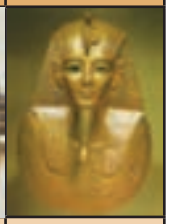 | | | | | | | |
| ۷۱۴ـ۱۰۶۹ پ.م | ۱۰۶۹ـ۱۵۵۰ پ.م | ۱۵۵۰ـ۱۷۹۳ پ.م | ۱۷۹۳ـ۲۱۱۹ پ. م | ۲۰۲۰ـ۲۱۷۰ پ.م | ۲۱۷۰ـ۲۷۰۷ پ.م | ۲۷۰۷ـ۳۱۰۰ پ. م | ۳۱۰۰ـ۵۵۰۰ پ.م |

## ارزشیابی

۱ــ تغییرات فصلی رود نیل چه تأثیری بر هنر مصر داشت؟

۲ــ مصری‌ها در چه مواردی بر تمدن‌های دیگر تأثیرگذار بودند؟

۳ــ لوح نارمر بیانگر چه موضوعی است؟

۴ــ خصوصیات تندیس‌های مصر چه بود؟

۵ــ مصری‌ها برای چه منظوری برای افراد متوفی تندیس می‌ساختند؟

۶ــ تندیس کاتب نشسته دارای چه خصوصیاتی است؟

۷ــ اخناتون چه تأثیری بر هنر مصر داشت؟

۸ــ موضوع نقاشی‌های کتاب مردگان چیست؟

۹ــ معبد حت شپ سوت در کدام سلسله ساخته شده است؟

الف) پیش از تاریخ ب) دوره اولیه

ج) دوره قدیم د) دوره میانی و جدید

۱۰ــ یادگار برجسته دوره رامسس دوم و سوم چه بود؟

# فصل چهارم

# هنر اژه و یونان

**هدف‌های رفتاری** : پس از پایان این فصل از دانش آموز انتظار می‌رود که بتواند :

۱ــ نقش هنر اژه‌ای را در هنر یونان بیان کند.

۲ــ ویژگی‌های هنر اژه‌ای را توضیح دهد.

۳ــ علت رشد هنر یونان را شرح دهد.

۴ــ ویژگی شیوه هندسی را شرح دهد.
۵ــ ویژگی‌های هنر شیوه باستانی را توضیح دهد.
۶ــ خصوصیات هنر پیکره‌سازی کلاسیک را شرح دهد.
۷ــ ویژگی هنر دوره هلنی را شرح دهد.

## ۱ــ هنر اژه‌ای

تمدن اژه‌ای به‌دست مردمانی به‌نام مینوسی‌ها[۱] و میسنی‌ها[۲] شکل گرفت. مردم اژه بعد از گذر از دوره نوسنگی، وارد عصر شهرنشینی شدند و به سرعت به‌مدارج شهرنشینی پیشرفته‌ای رسیدند. مینوسی‌ها به‌دلیل نزدیکی و روابط تجاری با میانرودان و مصر، در جذب و انتقال تجارب این دو تمدن به سرزمین خود و انتقال آن به یونان نقش مهمی داشتند. در حدود ۱۴۰۰ پیش از میلاد زندگی شهرنشینی در جزیرهٔ کِرِت به اوج خود رسید.

تصویر۱ــ سفال با نقش جانور دریایی، دوره میسنی، حدود ۱۴۰۰ پیش از میلاد، موزه پرگامون

اندکی بعد میسنی‌ها، ساکنان جنوب یونان، اِبتکار عمل را به‌دست گرفتند و جانشین مینوسی‌ها شدند. این اقوام همزمان با شکل گیری تمدن یونان به‌خاموشی گراییدند. اژه‌ای‌ها در شکل‌گیری تمدن یونان نقش مهمی را ایفا کردند. امروزه بخشی از میراث هنری آنها چون آثار معماری، قبور سنگی، تندیس‌سازی، نقاشی دیواری و سفال‌های منقوش آشکار شده‌اند (تصویر ۱). تندیس‌های انسانی ساده و از شکلی هندسی و زاویه‌دار برخوردارند و نقاشی دیواری آنها نیز تنوعی از شکل‌های ساده هندسی تا طبیعت‌گرایی را نشان می‌دهند، در برخی از آثار هنری آنها شادی، شوخ طبعی و حرکات موزون دیده می‌شود (تصویر۲). هنر اژه‌ای با وجود تأثیرات شرقی از شخصیتی مستقل و نوظهور برخوردار است.

تصویر۲ــ هنر مینوسی، نقاشی دیواری، صحنهٔ گاو بازی، حدود ۱۵۰۰پیش از میلاد، ارتفاع ۶۰ سانتی‌متر، موزه هراکلیون، کِرِت

---

۱ــ minoan/minoans. مینوسی‌ها ساکنان جزیره کِرِت(Cret) و جزایر سیکلاد (Ćyclades) در دریای اژه بودند. این دریا بین یونان و ترکیه (آسیای صغیر) قرار دارد.

۲ــ Myceneaean، ساکنان جنوب یونان

# ۲ــ هنر یونان

## ● سرزمین و مردم یونان

یونان نام سرزمین و کشوری به شکل شبه جزیره‌ای نامنظم و با جزایر بزرگ و کوچک در جنوب شرقی اروپا است. نخستین مردم شناخته شده‌ای که وارد خاک یونان شدند، میسنی‌ها بودند. اندکی بعد مردم دیگری که به‌زبان یونانی سخن می‌گفتند و از شمال یونان وارد این سرزمین شدند، با میسنی‌ها در آمیختند و کم کم بر جزایر و سواحل دریای اژه و آسیای صغیر مسلط و به‌تدریج تمدن یونان را بنا کردند. در میان اقوام یونانی، دوریسی[۱]ها و اِیونی[۲]ها مشهور هستند. دوریسی‌ها درخاک اصلی یونان و ایونی‌ها در جزایر و سواحل آسیای صغیر ساکن شدند و با تمدن‌های خاورمیانه ارتباط داشتند.

یونان در زمانی کوتاه به یکی از تمدن‌های بزرگ جهان تبدیل شد. آب و هوای مساعد، فراوانی منابع طبیعی، راه‌های امن دریایی، نزدیکی به تمدن‌های مصر و میانرودان، روح آزادی خواهی، نداشتن حاکمان مستبد و داشتن روحیه بازرگانی از عوامل مؤثر در رشد سریع تمدن یونان در مقایسه با دیگر تمدن‌های کهن بود.

## ● شیوه یا دوره‌های هنر یونان

هنر یونان ازآغاز تا انجام به چهار شیوه[۳] یا دوره، هندسی، باستانی، کلاسیک و هلنی تقسیم می‌شود و اوج آن در شیوه کلاسیک متجلی می‌شود.

● **دورهٔ شیوه هندسی**: شیوه هندسی که به آن مرحله شکل‌گیری تمدن یونان نیز می‌گویند، از ۱۱۰۰ تا ۸۰۰ سال پیش از میلاد به‌طول انجامید. یونانی‌ها از حدود ۸۰۰ پیش از میلاد با سرعتی شگرف در تاریخ ظاهر و در ۷۷۶ پیش از میلاد، نخستین بازی‌های المپیک[۴] را برگزار کردند و این زمان، آغاز تاریخ مستند یونان است.

هنر این دوره، شامل سفالینه‌هایی با نقوش هندسی، جانوری و انسانی است. تصاویر انسانی و جانوری ساده و به شکل هندسی روی سفال‌ها نقاشی می‌شد (تصویر۳).

**تصویر ۳ــ شیوه هندسی، مراسم سوگواری، نقاشی روی ظرف سفالی، سده هشتم پیش از میلاد، موزه متروپولیتن**

---

۱ــ Doric

۲ــ Ionic

۳ــ به شیوه هندسی، دوره شکل گیری و به شیوه باستانی، دوره خاور مآبی نیز گفته می‌شود.

۴ــ المپیک برگرفته از نام دشت المپیا است که یونانی‌ها در این محل هر چهار سال یک‌بار جشن و مسابقه برگزار می‌کردند.

مهمترین اتفاق در این دوره، نگارش دو حماسه ایلیاد[1] و اُدیسه[2] توسط هومر[3] بود که داستان‌های این دو حماسه، موضوع نقاشی‌های روی سفال‌ها بود.

● **دورهٔ باستانی** : دومین شیوه هنری یونان، شیوه باستانی[4] یا خاورمآبی نام دارد. در آغاز این شیوه، یونانی‌ها از طریق رفت و آمدهای تجاری با تمدن و هنر سرزمین‌های میانرودان و مصر آشنا شدند و در فاصله ۷۲۵ تا ۶۵۰ پیش از میلاد بخش بزرگی از هنرها و افکار تمدن‌های خاورمیانه را جذب و آنها را با شیوه هنری خود هماهنگ و شیوه باستانی را به وجود آوردند. این شیوه یکی از مراحل مهم تکامل هنر یونان است. نقاشی‌ها و تندیس‌های شیوه باستانی جاندار، باحالت، پر جنبش و از تازگی و سر زندگی برخوردارند. در این دوره، سفالینه‌ها از نظر ساخت ظریف‌تر شدند و صحنه‌های زیبایی از تاریخ افسانه‌ای و زندگی روزمره مردم بر روی سفال‌ها با رنگ سیاه بر روی زمینه سرخ (نقاشی سیاه‌گون) نقاشی می‌شد. سفالگران این دوره به‌اندازه نقاشان به‌کار خود افتخار می‌کردند و نام خود را روی سفال‌ها می‌نوشتند (تصاویر ۴ و ۵). در تندیس‌سازی از سنگ برای آفرینش پایدار استفاده شد، یونانی‌ها در آغاز نه تنها روش کنده کاری روی سنگ را از مصری‌ها یاد گرفتند بلکه، از سنت تندیس‌سازی آنها یعنی حالت ایستادن با پای چپ به جلو و یک پارچگی و مکعب‌نمایی قالب بدن نیز متأثر شدند، با این تفاوت که تندیس‌ساز یونانی تلاش می‌کرد تمام جزییات بدن را نشان دهد و از

تصویر ۴ــ نقاشی سیاه‌گون بر روی سفال، صحنهٔ پیشکش قربانی، حدود ۵۵۰ پیش از میلاد

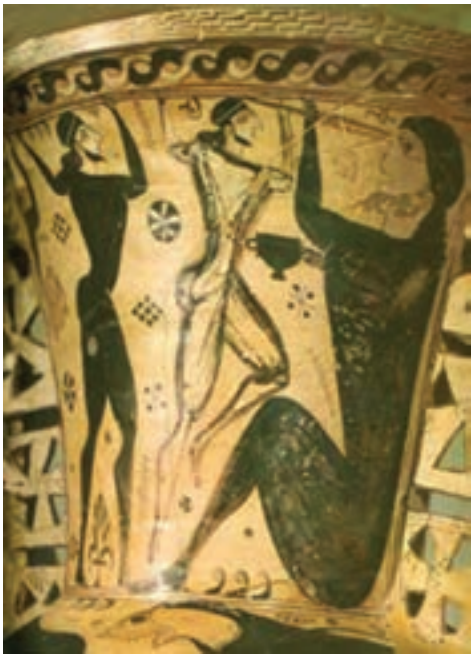

تصویر۵ــ نقاشی سیاه‌گون بر روی سفال(گردن کوزه) ،کور کردن پولوفموس، ۶۷۵ تا ۶۵۰ پیش از میلاد، موزه الئوسیس

---

۱ــ Iliade

۲ــ Odise

۳ــ Homer

۴ــ Archaic

سنگ، نقشی جاندار و تأثیرگذار به‌وجود آورد. تندیس‌های یونانی هوشیار و هیجان‌زده و سرشار از جنبش و با نگاه مستقیم هستند. یکی از این نمونه‌ها، تندیس زنانهٔ الهه هِرا[1] است که ضمن شباهت به تندیس‌های مصری، دارای شکوه و وقار و روح است و جامه‌اش، تندیس را جاندارتر و زنده‌تر کرده است (تصویر۶).

در دورهٔ باستانی معماری معابد سنگی نیز به‌سرعت رشد کرد. معابد یونانی اغلب به‌طرح مربع مستطیل با سقف شیروانی مانند و دورستونی هستند و نمای بالای ورودی ساختمان، شکلی مثلث مانند دارند که به آن سنتوری می‌گویند. یونانی‌ها از حجاری، نقاشی و تزئینات معماری بناهای مصری و میانرودانی آگاه بودند. اما آنها تنها در نمای سنتوری‌ها اقدام به‌حجاری و ایجاد نقوش برجسته می‌کردند (تصویر ۷).

تصویر۶ ــ تندیس هِرا، سنگ مرمر، حدود ۵۷۰ ــ ۵۶۰ پیش از میلاد، موزه لوور

تصویر ۷ــ طرح خطی معبد دِلفی، شیوه دور یک، ۵۲۰ سال پیش از میلاد

● **دورهٔ کلاسیک** : سومین شیوه یا دوره هنر یونان، کلاسیک[2] نام دارد که اوج هنر یونان است و به‌خاطر تأثیر آن در معماری، تندیس‌سازی و نقاشی اروپا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

اساس هنر یونان در این دوره، نظم، تناسب و هماهنگی در جزء و کل، سادگی و استحکام، قرینه‌سازی ماهرانه، تعادل و توازن، غلبه عقل بدون فنا کردن احساس است. نماها و شکل ستون‌ها و سر ستون‌های این دوره حتی تا امروز هم در معماری جهان مورد توجه‌اند و تندیس‌های عهد کلاسیک، هنوز جزء عالی‌ترین نمونه‌های هنر تندیس‌سازی در جهان هستند.

هنر عهد یونان زمانی به‌کمال دست یافت که آزادی آرمانی در جامعه یونانی تحقق یافت و هنرمند یونانی توانست احساس، عقل و طبیعت را در آثار خود مجسم سازد. شیوه کلاسیک بزرگترین ارمغان هنر یونان به هنر غرب است.

---

۱ــ در اساطیر یونان نام الهه ازدواج است Hera

۲ــ واژه کلاسیک (Classic) برای هنر یونان و روم به معنی کامل است.

در طول دوره کلاسیک، هنرمعماری، نقش برجسته‌سازی، تندیس‌سازی و نقاشی نیز پیشرفت زیادی کرد. سمبل معماری کلاسیک معبد پارتِنون[1] است که به شیوه دوریک[2] یا دوریسی ساخته شده و تناسب و هماهنگی در جز و کل، ظرافت، دقت و استحکام به زیباترین شکل ممکن در آن جلوه‌گر شده است (تصاویر۸ و ۹). شیوه هنری دوریک جدی، سنگین و نیرومند است و شیوه ایونی، نرم و دلپذیرتر است.

تصویر ۸ــ نقاشی، چگونگی ساختن معبد پارتنون

تصویر ۹ــ معبد پارتنون، نمای غربی، ۴۴۸ــ۴۳۲ پیش از میلاد، آتن

در این دوره ساخت تئاتر یا تماشاخانه سر گشاده در اغلب شهرها رایج بود. این نوع ساختمان به شکل نیم ــ دایره در شیب تپه‌ها با ردیف‌هایی از نیمکت‌های سنگی و محل نمایش به شکل دایره یا نیم دایره در مقابل نیمکت‌ها ساخته می‌شد (تصویر۱۰).

از دیگر زیبایی‌های معماری یونانی تنوع ستون‌ها است. یونانی در ساختمان‌ها از سه نوع سر ستون به نام‌های دوریک (برخاسته در خاک اصلی یونان) و ایونی (برخاسته در سواحل اژه و آسیای صغیر) و کرنتی[4] یا قرنتی(ترکیبی از این دو نوع) استفاده می‌کردند (تصویر۱۱).

تصویر ۱۰ــ نمای یک تئاتر، میلِتوس[3]، نزدیک ازمیر،ترکیه

---

۱ــ Parthenon.

۲ــ دوریک (Doric ) یا دوریسی نام مردم سرزمین مرکزی یونان بود و آثار هنری آنها به این نام خوانده می‌شود تا از آثار هنری یونانی‌های ساکن سواحل آسیای صغیر و دریای اژه (ایونی‌ها) باز شناخته شود.

۳ــ Miletos

۴ــ Corinthian

تندیس سازان این دوره با شناخت اندام انسان، با سنگ و فلز به ساخت تندیس پرداختند و تا مراحل تکمیل جزییات و حرکات بدن پیش رفتند و به نمای روبرو اهمیت دادند.

در تندیس مشهور دیسک‌پران، هدف مجسمه‌ساز این است که حالت خاصی از آرامش را در بدن انسان نشان دهد و چهره نیز بیان‌کننده وقار و تفکر و خویشتنداری باشد (تصویر۱۲). از دیگر آثار برجسته، تندیس مفرغی زِئوس[1] در حال پرتاب نیزه است، در این تندیس، بدن حالتی پهلوانی دارد و حالت پرتاب به‌خوبی نشان داده شده است. تندیس‌سازان یونانی تلاش می‌کردند که تصویری آرمانی از انسان ارایه دهند (تصویر۱۳). در این دوره، ساخت سنگ مزار نیز مورد توجه بود. از نمونه‌های برجسته سنگ مزار هِگِسُو[2] است، نقش متوفی و خدمتکارش بسیار هماهنگ و حالت اندوه در نگاه خدمتکارش به‌خوبی منعکس است (تصویر۱۴). در نقوش برجسته، ژرف نمایی در تندیس‌ها و نمایش حالت‌های بدن، مورد توجه قرار گرفت و از پارچه و لباس برای نمایش عمق و پرکردن فضا استفاده شد. در این دوره کمابیش نقاشی دیواری نیز مورد توجه بود که از ویژگی آنها توجه به عمق نمایی بود.

تصویر ۱۱ــ ستون‌های یونانی

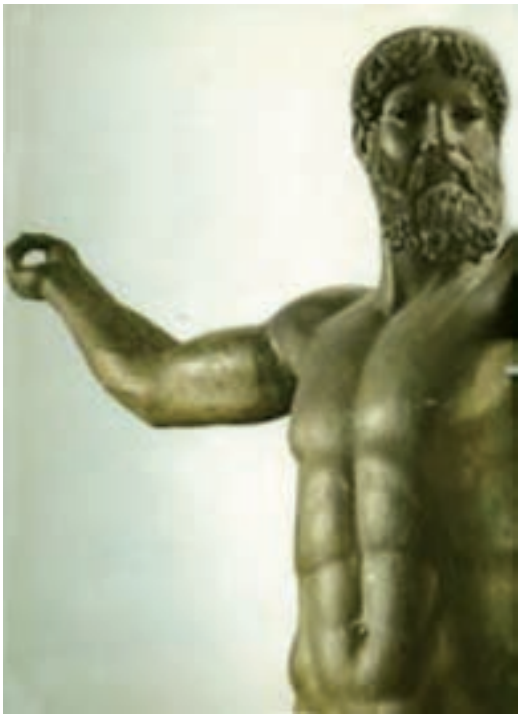

تصویر ۱۲ــ دیسک پران، کپی مرمرین رومی از روی اصل مفرغی، حدود ۴۵۰ پیش از میلاد، موزه روم

تصویر ۱۳ــ (دو تصویر سمت چپ) تندیس مفرغی زئوس، حدود ۴۶۰ پیش از میلاد، موزه آتن

---

۱ــ زئوس ( Zeus) ، خدای آسمان

۲ــ هِگِسو ( Hegeso)

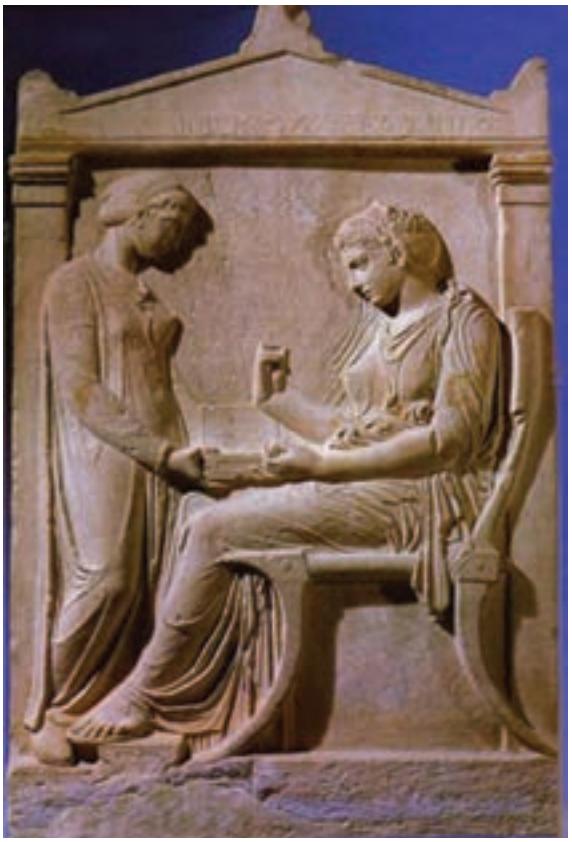

**تصویر ۱۴ــ سنگ قبر هِگِسو، حدود ۴۱۰ پیش ازمیلاد، ارتفاع ۱۵۰ سانتی‌متر، موزه آتن**

● **دورهٔ هلنی**[۱و۲] : حمله اسکندر به آسیا و تصرف بخش‌هایی از خاورمیانه، سبب گسترش تمدن و هنر یونان از راه آسیای صغیر (ترکیه) به سوی شرق (سوریه، مصر، ایران تا مرزهای هندوستان) شد. در این دوره، هنر یونانی در سرزمین‌های تصرف شده با هنرهای محلی آمیخت و آثاری متأثر از هنر یونانی و سبک‌های محلی به‌وجود آمد که به سبک هلنی شهرت یافت. در ساخت کاخ‌ها، معابد و مقابر، از شکوه و جلال معماری شرقی استفاده می‌شد. در تندیس‌ها، شبیه‌سازی مورد توجه قرار گرفت. تندیس سازان به واقعیت‌های زندگی انسان‌های عادی توجه کرده و احساس انسان‌ها را به‌شکل هیجان، حسرت، نگرانی، رنج، خودخواهی و پیروزی در تندیس‌ها مجسم می‌کردند. تندیس و آرامگاه ماوسولوس[۳] درغرب آسیای صغیر [۴] و یک سر مفرغی بیان‌گر شیوه هلنی است (تصاویر ۱۵ و ۱۶). در دوره هلنی، سبک کلاسیک در سرزمین اصلی یونان متوقف نشد و ادامه یافت. تندیس الهه پیروزی نمونه‌ای از آثار با ارزش کلاسیک در دوره هلنی است. این تندیس با بال‌های گشوده

---

۱ــ واژه هلن یا هلنی( Hellen) نام دیگر کشور یونان است.

۲ــ دوره هلنی از زمان حمله اسکندر به آسیا تا زمان تسلط روم بر یونان گفته می‌شود.

۳ــ Mausolus

۴ــ Halicarnassus

در حال فرود بر دماغه کشتی است و حالت فرود بسیار زنده، هیجان‌انگیز و متعادل است و شکل برخورد نسیم دریا در موقع فرود در چین‌های لباس نشان داده شده است (تصویر۱۷).

تصویر ۱۵ــ پیکره ماوسولوس، سنگ مرمر، حدود ۳۵۱ پیش از میلاد، موزه بریتانیا

تصویر ۱۶ــ سردیس مفرغی، از دلوس، حدود ۸۰ پیش از میلاد، موزه ملی آتن

تصویر ۱۷ــ الهه پیروزی، سنگ مرمر، حدود ۱۹۰ پیش از میلاد، ارتفاع ۲۴۰ سانتی‌متر، موزه لوور

| جدول گاهنگاری یونان | | | |
|---|---|---|---|
| | دوره | زمان (پیش از میلاد) | آثار |
| هنر اژه‌ای | سیکلاد | ۲۶۰۰ـ۱۱۰۰ | |
| | مینوسی | ۲۰۰۰ـ۱۵۰۰ | |
| | میسنی | ۱۶۰۰ـ۱۱۰۰ | |
| شیوه هندسی | | ۱۱۰۰ـ۷۰۰ | |
| خاور مآبی و شیوه باستانی | | ۷۰۰ـ۴۸۰ | |
| کلاسیک | | ۴۸۰ـ۴۰۰ | |
| هلنی | | ۴۰۰ـ۰ | |

## ارزشیابی

۱ــ تمدن اژه در چه مناطقی شکل گرفت ؟
۲ــ هنر اژه‌ای دارای چه ویژگی‌هایی است؟
۳ــ چه عواملی در رشد سریع تمدن یونان مؤثر بود؟
۴ــ هنر یونان دارای چه شیوه‌هایی بود؟
۵ــ شیوه هندسی هنر یونان دارای چه خصوصیاتی بود؟
۶ــ چرا به دومین دورهٔ هنر یونان خاورمآبی می‌گویند؟
۷ــ شیوه خاورمآبی یا باستانی دارای چه خصوصیاتی است؟
۸ــ ساختمان معابد یونانی دارای چه ساختاری است؟
۹ــ تندیس‌سازی دوره کلاسیک دارای چه ویژگی‌هایی است؟
۱۰ــ شیوه هلنی از آمیزش چه هنرهایی به‌وجود آمد؟
۱۱ــ درستی یا نادرستی جملات زیر را مشخص کنید.
الف) هنر کلاسیک هم‌زمان با آغاز تاریخ مستند یونان است.
ب) تماشاخانه‌های یونان به شکل نیم دایره در شیب تپه‌ها ساخته می‌شد.
ج) تندیس الهه پیروزی نمونه‌ای از آثار با ارزش کلاسیک در دوره هلنی است.

# فصل پنجم

# اتروسک و روم باستان

**هدف‌های رفتاری** : پس از پایان این فصل از دانش‌آموز انتظار می‌رود که بتواند :

۱ــ نقش تمدن یونان را در شکل‌گیری تمدن اتروسک بیان کند.

۲ــ ویژگی‌های معماری اتروسک را توصیف کند.

۳ــ تندیس‌های تدفینی اتروسک‌ها را شرح دهد.

۴ــ زمینه‌های پیدایش هنر روم را شرح دهد.

۵ــ ارتباط هنر روم و یونان را بیان کند.

۶ــ انواع بناهای رومی را نام ببرد.

۷ــ ابتکارات رومی‌ها را در معماری ذکر کند.

۸ــ ویژگی اصلی تندیس‌ها و نقوش برجستهٔ رومی را شرح دهد.

۹ــ هنر نقاشی و موزائیک‌سازی رومی را شرح دهد.

# ۱ــ اتروسک

اتروسک‌ها[۱] از اقوام ساکن در ناحیه مرکزی ایتالیا (توسکانی امروز) بودند که در اواسط هزاره اول پیش از میلاد دولت شهرهایی را تشکیل داده بودند، بنا به گفته هرودت[۲] مورخ یونانی آنها از لیدی واقع در آناتولی به سرزمین ایتالیا مهاجرت کرده بودند. اتروسک‌ها با شهرک‌هایی که یونانی‌ها و فینیقی‌ها[۳] در سواحل جنوبی ایتالیا برپا کرده بودند، داد و ستد داشتند و با برخورداری از هنر و فرهنگ این دو ملت، فرهنگ شکوفایی را در سده‌های ششم و پنجم پیش از میلاد پدید آوردند. در پایان سده ششم پیش از میلاد مردمان ساکن منطقه‌ای که شهر روم مرکز آن بود، بر علیه اتروسک‌ها شوریدند و اعلام استقلال کردند و به‌تدریج بر قلمرو ایشان مسلط شدند و در سده سوم پیش از میلاد قلمرو اتروسک‌ها به‌جزئی از قلمرو کشور نوظهور تبدیل و هنر و فرهنگ اتروسک‌ها در فرهنگ روم ادغام شد.

**هنر اتروسک**: اتروسک‌ها در هنر فقط از سرمشق‌های یونانی استفاده نکرده، بلکه هنر خاص خود را نیز خلق کردند. هنر و معماری آنها ساده و روستایی مآب است، اما برخی از آثار آنها بسیار هنرمندانه ساخته شده‌اند. نقشه معابد آنها به شکل مربع ساده‌ای با ایوانی ستون‌دار و سقفی شیروانی مانند بود که بر روی سکویی نسبتاً بلند ساخته می‌شد و بر لبه بام تندیس‌های از جنس گِل پُخته قرار می‌دادند (تصویر۱).

از دیگر ویژگی معماری آنها استفاده از تاق‌های گهواره‌ای در ورودی شهرها بود که روش ساخت آن را از یونانی‌ها فراگرفته بودند. این نوع تاق بعداً الگویی برای معماری رومی‌ها شد (تصویر۲). از ابتکارات دیگر آنها، ایجاد خیابان‌های عمود بر هم بود.

تصویر ۱ــ ماکت یک معبد اتروسکی

تصویر۲ــ دروازهٔ شهر ولتررا[۴]، حدود سده سوم پیش ازمیلاد

۱ــEtruscan

۲ــHerodotus

۳ــ Phoenician (لبنان امروزی)

۴ــVolterra

در تدفین از هنر تندیس‌سازی استفاده می‌کردند و تابوت‌ها را به‌شکل نیمکت و از گل پُخته می‌ساختند و تندیس متوفی را روی آنها قرار می‌دادند و سپس آنها را رنگ آمیزی می‌کردند. یکی از آنها تندیس دلنشین زن و شوهری است که نگاهی شاد، سر زنده و امیدوارانه از زندگی در دنیای پس از مرگ دارند (تصویر۳). مقابر آنها به شکل اتاق و دارای تاقچه‌هایی در پیرامون بود، سطوح بین تاقچه‌ها را با نقاشی‌هایی بسیار طبیعت گرایانه تزیین و شور و نشاط زندگی روزمره را در آنها منعکس می‌کردند.

تندیس سفالی رنگ آمیزی شده آپولون از آثار برجستهٔ تندیس‌سازی اتروسک‌ها است که شکوه این خدای قهرمان را به‌خوبی نشان می‌دهد (تصویر۴).

اتروسک‌ها در ساخت تندیس و اشیای مفرغی نیز توانا بودند که نمونه مشهور آن، تندیس مفرغی ماده گرگی است که به‌عنوان نماد شهر روم شناخته شده است، هنرمند به‌خوبی خشم و سرکشی را در چهره این گرگ نشان داده است (تصویر۵).

تا پیش از سده پنجم پیش از میلاد، تندیس‌سازی اتروسک‌ها نشان‌دهنده شخصیت‌های واقعی نبود اما تحت تأثیر دوره کلاسیک یونان، این ویژگی را به‌دست آورد.

تصویر ۳ــ بخشی از یک تابوت از گل پخته، تندیس زن و شوهر متوفی، حدود ۵۲۰ پیش از میلاد، موزه ملی ویلاّ جولیا، شهر رم

تصویر۴ــ تندیس آپولون، گِل پخته، حدود ۵۱۵ ــ۴۹۰ پیش از میلاد، موزه ملی ویلاّ جولیا، شهر رم

تصویر۵ــ ماده گرگ، مفرغ، حدود ۵۸۰ ــ۵۰۰ پیش از میلاد، موزه کاپیتالینو، شهر رم

# ۲ــ روم باستان

## ● تاریخ و سرزمین روم

رومی‌ها[۱] از اقوام لاتین بودند که در حدود ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد از اروپای شرقی به بخش مرکزی ایتالیا کوچ کرده بودند. آنها در آغاز به صورت دولت شهری تابع اتروسک بودند، اما در حدود سده ششم پیش از میلاد، ابتدا بر اتروسک‌ها و سپس بر بخش‌هایی از اروپا، آسیای صغیر (ترکیه) و شمال افریقا مسلط شدند و کم‌کم تمام این نواحی به نام امپراطوری روم شناخته شد و حکومت آنها تا سده پنجم میلادی دوام داشت.

رومی‌ها از اتروسک‌ها و یونانی‌ها تمدن شهری را آموختند و هنر معماری، شهرسازی و تندیس‌سازی و نقاشی این دو قوم نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری هنر آنها داشت. رومی‌ها هم در سواحل ایتالیا شهرک‌هایی ساخته بودند و از طریق این شهرک‌ها با فرهنگ و هنر یونان آشنا و به آن ارج نهاده و از آن ستایش می‌کردند.

رومی‌ها نه‌تنها هنرمندان و آثار هنری یونان را به کشور خود منتقل می‌کردند، بلکه از آثار آنها کپی‌های فراوان تولید می‌کردند. با وجود شباهت ظاهری هنر رومی با هنر یونانی، اما از آن متمایز است. رومی‌ها مردمی واقع‌گرا، خرد پیشه، عمل‌گرا و آینده‌نگر بودند و در جذب هنر دیگر ملل نیز تعصب نداشتند. آنها فرهنگ و هنر اتروسک و ملت‌های مختلفی چون ایران، میانرودان، سوریه و مصر را نیز جذب کردند که نمونهٔ آن پذیرش آئین ایرانی ایزد مهر[۲] و ساخت معابد مهری در نقاط مختلف اروپا بود (تصویر ۶).

بدین ترتیب رومی‌ها هنر ملل مختلف را به خوبی با هم هماهنگ کرده و هنر خاص خود را پدید آوردند.

**تصویر ۶ــ بازسازی معبد مهری، محراب، سده اول میلادی، ماینز، آلمان**

---

۱ــ نام روم یا رُم (Rom) از شهر رم گرفته شده و بنا به افسانه‌ای این شهر توسط رؤمُولُوس ساخته شده است. رؤمُولُوس و رِمُوس دو برادر بودند که توسط ماده گرگی بزرگ شدند.

۲ــ ایزدمهر : ایزد آئین مهر است که در این آئین بر پیمان و درستی رفتار انسان‌ها تأکید فراوانی دارد.

## ● هنر روم

● **معماری** : عالی‌ترین هنر رومیان معماری است که در شکلی با شکوه و عظیم ظاهر شد. معماری آنها براساس راه و رسم زندگی آنها بود. آنها در ساخت معابد، بناهای عمومی، حمام‌های پرتجمل (تصویر۷)، استادیوم، میدان، بازار، کاخ، طاق نصرت، آمفی تئاتر، خانه‌های شخصی (ویلا)، جاده، پل و آبراه توانا بودند.

قدیمی‌ترین بنای آنها معبد فورتُونا[1] در شهر رم است که ستون‌های آن یونانی، سکوی بلند آن اتروسک و فضای داخلی آن وسیع است (تصویر ۸). فضای داخلی این معابد شامل هشتی ورودی، تالار مرکزی و گنج‌خانه است. در این معابد تندیس خدایان نگهداری می‌شد.

نوع دیگری از معابد آنها معبد سیبیل[2] است که طرح مدور آن از کلبه‌های گِرد روستایی روم و پلکان و نمای زیبای آن از معماری یونان الهام گرفته است. این بنا کم‌کم سرمشقی برای ساخت معابد گِرد شد (تصویر ۹). معبد پانتئون[3] (معبد همه خدایان) یکی از باشکوه‌ترین و عظیم‌ترین بناهایی است که بنای اصلی آن به‌صورت مدور و گنبد دار ساخته شده و ورودی آن دارای رواقی ستون‌دار است (تصویر ۱۰).

تصویر ۷ــ بازسازی یک حمّام رومی

تصویر ۸ــ معبد فورتونا، سده دوم پیش از میلاد، شهر رم.

تصویر ۹ــ معبد سیبیل، تیوولی،سده اول پیش از میلاد، شهر رم

تصویر ۱۰ــ معبد پانتئون شهر رم، ۱۲۵ــ ۱۱۸ میلادی

رومی‌ها روش ایجاد دیوار با بتن و نماسازی با آجر، گچ و سنگ‌های نازک را از شرقی‌ها فرا گرفتند و قادر شدند بناهای عظیم خود را با سرعت و ارزانی به انجام برسانند. از دیگر ابتکارهای آنها استفاده از تاق‌های گهواره‌ای یا قوسی در ورودی‌ها، پنجره‌ها و پنجره نماها و پل‌ها و آبراه‌ها بود که آن هم ریشه شرقی داشت (تصویر۱۱).

تصویر۱۱ــ آبراه و پل، ۱۶ تا ۲۰ پیش از میلاد، شهر نیم[4] درجنوب فرانسه

۱ــ Fortuna
۲ــ Sibyle
۳ــ Pantheon.
۴ــ nimes

یکی از شاهکارهای مهندسی و معماری رومی، ساختمان کولوسئوم[1] (آمفی تئاتر یا تماشاخانه) سرگشادهٔ شهر روم است (تصویر ۱۲). از ابتکارات دیگر معماری، ساخت تالارهای دراز برای افزایش گنجایش جمعیت در معابد است. از دیگر مشخصه‌های معماری رومی ساخت تاق نصرت‌های یک یا سه دهانه بود که معمولاً آنها را برای تجلیل از امپراتوران پیروز در جنگ‌ها می‌ساختند (تصویر ۱۳).

تصویر ۱۲ــ کولوسئوم (استادیوم ــ تماشاخانه)، شهر رم، ۸۲ ــ ۷۰ پیش از میلاد

تصویر ۱۳ــ تاق نصرت کنستانتین، سده ۴ میلادی، شهر رم

● **تندیس‌سازی** : تندیس‌سازان بیشتر در زمینهٔ نقش برجسته و تک چهره فعال بودند و برای ساخت تندیس‌های تمام قد اغلب مدل‌های یونانی را کپی می‌کردند. مهمترین دستاورد آنها

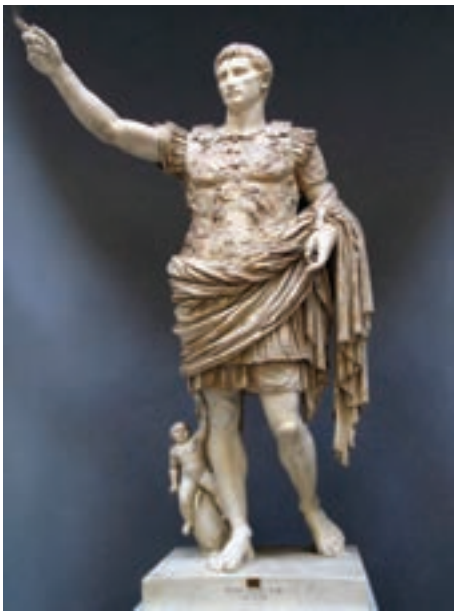

تصویر ۱۴ــ امپراتور اُکتاوین، اهل پریماپورتا[2]، حدود ۲۰ پیش از میلاد ، مرمر، بلندی حدود ۲۰۰ سانتی‌متر، موزه واتیکان، رم

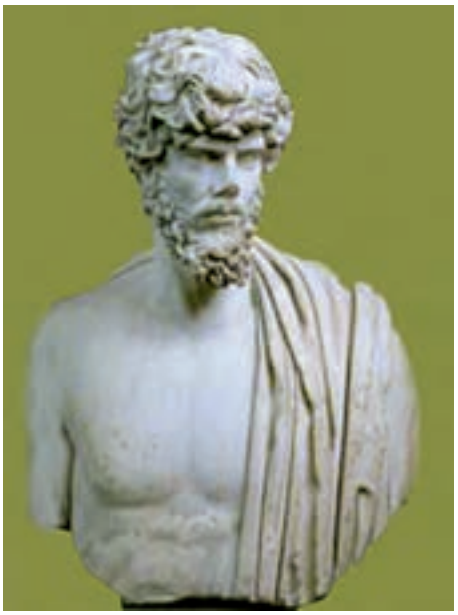

تصویر ۱۵ــ تندیس مرد جوان، سده دوم میلادی، سنگ مرمر، موزه کپنهاک

۱ــ Colosseum

۲ــ Prima Porta

واقع‌نمایی در تک چهره‌ها بود، از این‌رو آنها کمتر به صورتگری آرمانی یونانی‌ها توجه نشان می‌دادند. در تندیس سازی واقع‌گرایانه رومی، بازنمایی بدن نسبت به‌چهره، اهمیت کمتری داشت و غالباً تابع نمونه‌های ثابت و یکسان بود. البته این شیوه همواره مطلوب همه دولتمردان نبود، به‌طور مثال در زمان یکی از امپراتورهای روم اُکتاوین، سبکی ترکیبی شکل گرفت که هدف آن ارائهٔ تمثالی خیال‌انگیز و آرمانی از فرد معین بود (تصویر ۱۴). به‌عبارتی هر امپراتور سلیقه خود را اعمال می‌کرد، بعضی طالب آرمان‌گرایی (کلاسیک) یونانی و برخی طالب واقع‌گرایی دقیق بودند(تصویر ۱۵).

● **نقوش برجسته** : نقوش برجسته روی سنگ به دو گروه گزارشی (روایتی) و تدفینی تقسیم می‌شوند. یونانی‌ها در ثبت وقایع از اساطیر سود می‌بردند، اما رومی‌ها برخلاف یونانی‌ها علاقهٔ زیادی به مستندسازی و ثبت رویدادهای واقعی داشتند. البته رومی‌ها نیز در بعضی مواقع بی‌میل نبودند که عناصر تمثیلی و واقعی را با هم درآمیزند (تصویر ۱۶). رومی‌ها مانند آشوری‌ها (ن.ک. به : میانرودان)، در نقوش برجستهٔ گزارشی یا روایتی، رویدادهای مختلف را در صحنه‌های دنبال هم قرار می‌دادند. آنها بر روی لوحه‌های سنگی روی قبرها و تابوت‌های بزرگ سنگی مکعب شکل، اقدام به حجاری می‌کردند. در این حجاری‌ها، صحنه‌های زندگی روزمره و اساطیری، نوشته، علائم، نشانه‌ها و نقوش گیاهی و جانوری نقر می‌شد.

**تصویر۱۶ــ نقش برجسته، گفتگوی امپراتور با افسران رومی، سده اول میلادی، سنگ مرمر، ارتفاع ۲۰۶ سانتی‌متر، موزه پروفانو[1]**

● **نقاشی** : رومی‌ها در نقاشی نیز مانند تندیس‌سازی به تلفیق آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی پرداختند. آنها حتی گاه مضمون‌های اساطیری را با برداشتی واقع گرایانه به تصویر می‌کشیدند. آنان قواعد پرسپکتیو علمی را نمی‌دانستند ولی بدون به کار بردن آن، مسائلی چون کوچک‌نمایی نقش افراد و اشیاء و جَونمایی در فضا را با مهارت کامل حل می‌کردند. آنها مضامینی چون صحنه‌های اساطیری (داستانی)، زندگی روزمره، طبیعت بی‌جان (تصویر ۱۷)، صحنه‌های بازی، مناظر معماری، باغ‌های پُرگل وگیاه (تصویر ۱۸) و صحنه‌های طنز و درام را به‌تصویر می‌کشیدند. به طور کلی، اگر چه نقاشی رومی در زمره بهترین

---

۱ــ Profano

تجلیّات هنری جهان به‌شمار نمی‌آید، اما به لحاظ حفظ و تکمیل سنت‌های باستانی و انتقال آن به دنیای مسیحیت از اهمیتی خاص در تاریخ هنر غرب برخوردار است. بیشترین آثار نقاشی آن‌ها از شهرهای پُمپی[1] و هرکولانیوم[2] در کاوش‌های باستان‌شناسی سده هیجدهم میلادی کشف شده است.

● **موزاییک** : هنر موزاییک نوعی هنر معرّق با سنگ‌های الوان کوچک برای تزئین سطوح معماری است که ریشه آن به خاورمیانه می‌رسد. یونانی‌ها و سپس رومی‌ها از موزاییک برای زیباسازی کف بناها استفاده می‌کردند اما به‌تدریج انواع مضامین با کارکردی نقاشی گونه در دیگر بخش‌های ساختمان نیز به کار گرفته شد و اعتباری در حد نقاشی کسب کرد (تصویر ۱۹).

تصویر ۱۷ــ طبیعت بی‌جان، هرکولانیوم، حدود سال ۵۰ میلادی

تصویر ۱۸ــ منظره باغ، نقاشی دیواری (فرسکو[3]) از خانه‌ای در حومه شهر روم، ۵۹۰ در ۳۰۰ سانتی‌متر، ۲۰ پیش از میلاد، موزه ملی شهر رم

تصویر ۱۹ــ نقاشی موزاییک، حدود ۳۰۰ میلادی، پیازا (Piazza)

---

۱ــ Pompey

۲ــ Herculaneum

۳ــ (feresco) شیوه نقاشی بر روی دیوار گچی یا آهکی نم‌دار یا خشک است.

| جدول گاهنگاری روم باستان | | |
|---|---|---|
| دوره امپراتوری | ۲۷ پیش ازمیلاد تا ۳۵۹ میلادی | |
| دوره جمهوری | ۲۷ – ۵۱۰ پیش از میلاد | |
| اتروسک | ۳۰۰ – ۷۵۰ پیش از میلاد | 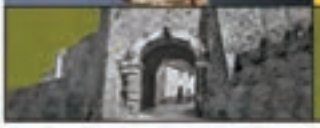 |

## ارزشیابی

۱ــ اتروسک‌ها تحت تأثیر چه تمدنی بودند؟

۲ــ معماری اتروسک دارای چه خصوصیاتی بود؟

۳ــ کدام گزینه از ابتکارات اقدام اتروسک در معماری است؟

الف) طاق گهواره‌ای ب) سقف شیروانی

ج) سرستون د) نقشه دایره

۴ــ تندیس‌های اتروسک‌ها با چه موادی ساخته می‌شدند و چه خصوصیاتی داشتند؟

۵ــ رومی‌ها با هنر یونان چه برخوردی داشتند؟

۶ــ معماری رومی دارای چه ویژگی‌هایی بود؟

۷ــ نقوش برجسته رومی دارای چه موضوع‌هایی بودند؟

۸ــ معبد سیبیل دارای چه ساختاری بود؟

۹ــ کدام نوع سازه از ابتکارهای مهم رومی‌ها در زمینه معماری بود؟

۱۰ــ مهمترین ویژگی تندیس سازی رومی‌ها چه بود؟

۱۱ــ نقاشی‌های رومی دارای چه خصوصیاتی بودند؟

۱۲ــ هنر موزاییک را شرح دهید.

# فصل ششم

# هنر هند

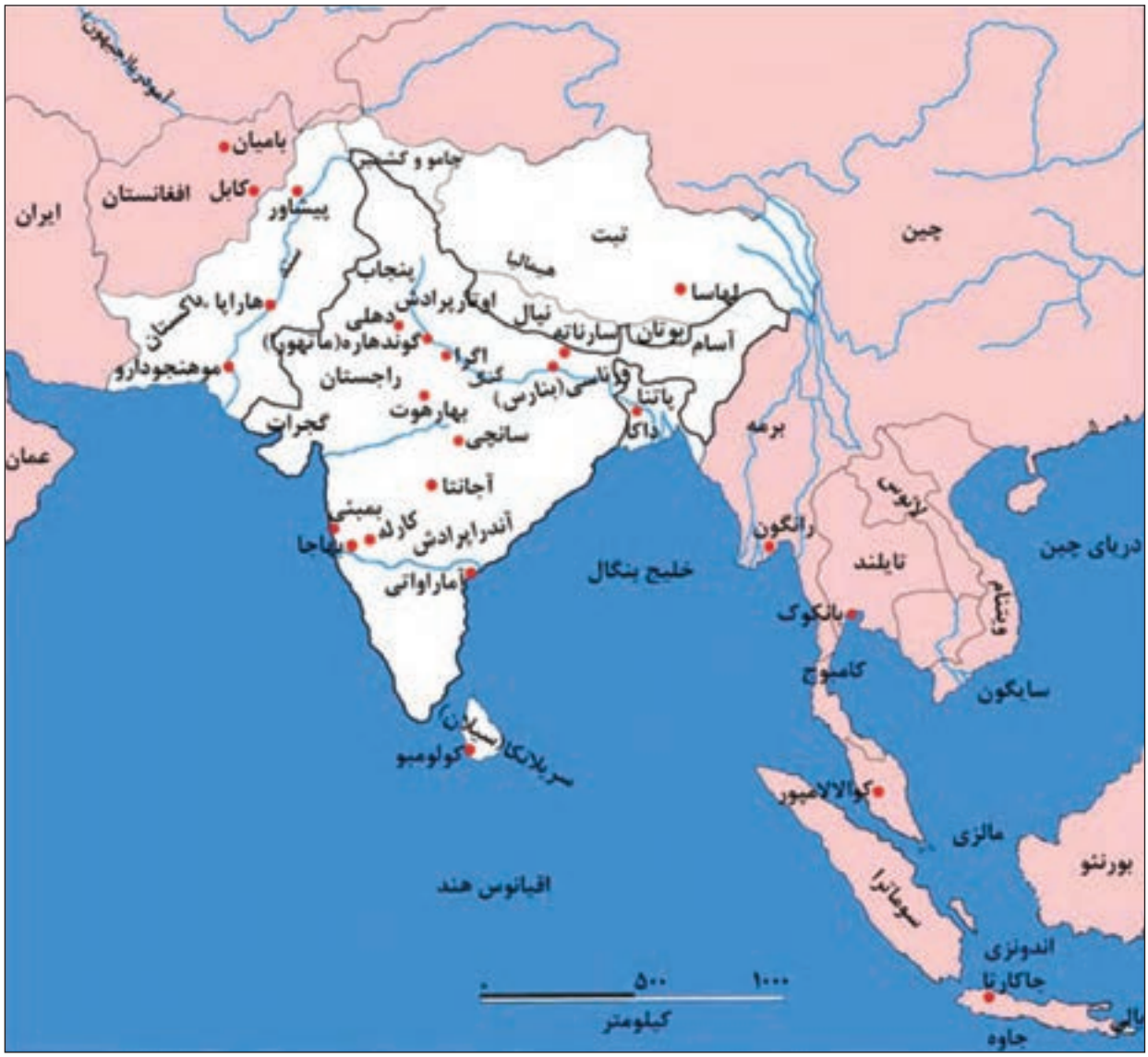


**هدف‌های رفتاری** : پس از پایان این فصل از دانش آموز انتظار می‌رود که بتواند :

۱ــ خصوصیات هنر هند را شرح دهد.

۲ــ ویژگی‌های پیکرک‌های دره سند را توضیح دهد.

۳ــ معماری استوپا را شرح دهد.
۴ــ معابد دوره شونگا و آندرا را توضیح دهد.
۵ ــ تفاوت تندیس‌های بودا در دوره کوشان را توضیح دهد.
۶ــ نقاشی‌های غارهای آجانتا را شرح دهد.
۷ــ هنر هند را در دوره‌های متأخر توضیح دهد.

## ۱ــ سرزمین هند

شبه قاره هند، سرزمینی پهناور و مثلثی شکلی در جنوب قارهٔ آسیا است که اقوام و نژادها با زبان‌ها و مذاهب مختلفی در آن زندگی می‌کنند. شمال آن‌را کوه‌های پُر برف هیمالیا فراگرفته و جنوب آن که مجاور اقیانوس هند است آب‌وهوایی گرم و مرطوب دارد. هند تنها در قرن بیستم دارای حکومتی یک پارچه شد و تا پیش از این تاریخ، سلسله‌های متعددی که گاه همزمان بودند، در مناطق شمال و جنوب هند حکومت کردند. در حدود ۱۵۰۰ پیش از میلاد مهاجمان هند و اروپایی از سمت شمال غرب وارد این سرزمین شدند و بر ساکنان بومی غلبه کردند. دین اسلام با ورود اعراب و مغولان در هند رواج یافت. هند با وجود تنوع قومی، نژادی و مذهبی از تمدنی یک دست و کهن برخوردار است که مشابه آن کمتر وجود دارد. آنچه بیش از همه سبب اتحاد آنها است، اعتقاد به مذهب برهمنی (هندو) و حفظ سنن آن است. تمدن هند، تمدنی تأثیرگذار بوده و کشورهای شرق دور : چین، ژاپن، کره، اندونزی و... تحت تأثیر آن بوده‌اند.

## ۲ــ خصوصیات هنر هند

هنر هند، هنری مذهبی و بر اساس نیازها و دستورالعمل‌های مذهب بودایی و برهمنی است و نمادهای مذهبی را در قالب تندیس، نقاشی و ساخت معابد متجلی می‌کند. هدف هنرمند هندی ساخت یک اثر زیبا نیست، بلکه تجسم حقایق مذهبی و معنوی برای مؤمنان است. اغلب تندیس‌ها، شخصیت‌های مذهبی را در شکلی انسان گونه نشان می‌دهند، تا برای نیایشگر قابل فهم باشند. حجم قابل توجهی از تندیس‌های بودا درحالت‌های مختلف ایستاده و نشسته و تندیس‌های ایزدان مرد و زن و رقص‌های مذهبی، چشمگیرترین جلوهٔ هنر هند است که در طول تاریخ هند، شیوهٔ بیان هنری آنها تقریباً ثابت بوده است.

## ۳ــ تمدن دره سند

حدود هزاره سوم پیش از میلاد و همزمان با تمدن‌های میانرودان، ایلام و مصر، جوامع عصر نوسنگی دره سند وارد عصر شهرنشینی شدند. محوطه‌های: **موهنجوــ دارو و هاراپا**[1] در کنار رود سند، مراحل شکل‌گیری تمدن هند را نشان می‌دهند. کاوش‌های باستان شناسی نشان داده که ساکنان دره سند در زمینه شهرسازی با خیابان‌های منظم، ساخت حمام‌های بزرگ، ساخت تندیس‌های سفالی، سنگی و فلزی و مُهر سازی توانا بوده‌اند.

کهن‌ترین نقش‌مایه‌های هنر هندی چون گاو کوهاندار، فیل، تمساح، کرگدن و ایزدان انسان ریخت، بر روی مُهرهایی از جنس سنگ صابون، دیده می‌شوند(تصویر۱).

برخی از نقوش این مهرها متأثر از هنر فلات ایران و میانرودان می‌باشد و نشان‌دهندهٔ ارتباط مردم دره سند با این سرزمین‌ها است. پیکرک‌های مکشوفه دره سند دارای شکل‌های نرم و خمدار و اندام گِرد و برجسته هستند و این شیوه باز نمایی در تندیس‌سازی‌های آینده هند استمرار یافت. یکی از قابل توجه‌ترین آنها نیم تنه مردی است که از موهنجودارو کشف شده است (تصویر۲).

**تصویر ۱ــ اثر مهر روی گچ با نقش گاو میش، حدود ۲۳۵۰ تا ۱۵۰۰ پیش از میلاد، موهنجوــ دارو، پاکستان**

**تصویر۲ــ نیم تنه مرد روحانی، سنگ صابون، موهنجودارو، ۲۰۰۰ تا۱۷۵۰پیش از میلاد، ارتفاع ۱۷/۵ سانتی‌متر، موزه ملی پاکستان، کراچی**

---

۱ــ موهنجودارو (Mohenjo – daro) و هاراپا (Harappa) در پاکستان امروزی واقع شده است.

## ۴ــ هنر هند در دورهٔ بودایی

اقوام آریایی پس از غلبه بر ساکنان دره سند، آنها را به‌سمت جنوب هند راندند. به‌تدریج مذهب آریایی‌ها، جایگزین آیین‌های بومی هند شد و با نام کیش برهمنی، حیات خود را آغاز کرد. مذهب و فرهنگ بومیان هندی نیز با فرهنگ این تازه واردان ادغام شد. هسته مرکزی اغلب مذاهب هندی اعتقاد به تناسخ و چرخهٔ حیات بود که روح می‌توانست بنا به اعمال گذشته خود به‌مدارج بالاتر، صعود یا پست‌تر، نزول کند. با ظهور بودا در سدهٔ ششم پیش از میلاد، دگرگونی‌های گسترده‌ای در مذاهب هند رخ داد. بودا برای رستگاری انسان دستورالعمل‌هایی صادر و راه رسیدن به آن را چشم‌پوشی از خواسته‌های نفسانی دانست. آیین بودا به سرعت در سراسر شبه قاره هند گسترش یافت و سبب شکل‌گیری هنر بودایی در قالب پیکره تراشی، نقاشی و معماری معابد شد. هنر هند به‌تناسب سلسله‌هایی که در این زمان بر هند حکومت کرده‌اند، به دوره‌هایی تقسیم‌بندی می‌شوند.

### ● دوره مئوریا[1] (۱۸۵ــ۳۲۲ پیش از میلاد)

دوره مئوریا یکی از درخشان‌ترین دوره‌های تاریخ هند است که در این دوره هنر هند در زمینه‌های مختلف شکوفا شد. ابتدا از هنر هخامنشی و سپس به دلیل حضور یونانی‌ها در افغانستان (در جوار هند) از هنر یونانی‌ها متأثر شد.

آثار به‌جای مانده از این دوره[2] نشان می‌دهد که معماری این زمان به‌ویژه ساخت تالارهای ستون‌دار متأثر از بناهای تخت جمشید بوده است. افزودن بر آن در این عصر فرامین حکومتی بر ستون سنگی، مسی و سنگ لوح‌ها نوشته می‌شد. یکی از این سرستون‌ها، متشکل از سر و سینه چهار شیر غرّان است و بر استوانه‌ای مدوّر و گل نیلوفر آبی وارونه‌ای ایستاده‌اند. ظرافت کنده‌کاری به‌ویژه تزیینات یال شیرها و طرح نیلوفر آن گواه ارتباط میان پیکرتراشان هندی و ایرانی است (تصویر۳).

آشوکا فرمانروای هنر پرور این دوره دین بودایی را پذیرفت و آن‌را رواج داد و در زمان او هنر بودایی هند شکل گرفت. او در شهرهای مختلف هند پرستش‌گاه‌هایی بنا نهاد که الگوی معماری هند شد. این پرستش‌گاه که استوپا[3] ( یادگار بودا) نام داشت، شامل یک گنبد توپر بر پایه‌ای گرد یا چهارگوش بود. در این پرستش‌گاه‌ها تصاویر ایزدان مختلف همراه با نقاشی گیاهی و جانوری که بر روی سنگ حجاری می‌شدند قرار داشت.

**تصویر ۳ ــ سر ستون، پاتنا (Patna)، هند، ماسه سنگ صیقل خورده، حدود ۲۶۱ تا ۲۳۲ پیش از میلاد**

---

۱ــ Maurya

۲ــ Patna

۳ــ Stup

## ● دوره‌های شونگا[1] و آندرا[2] (۱۸۵ پیش از میلاد تا ۳۲۰ میلادی)

سلسلهٔ شونگا در شمال مرکزی هند و سلسله آندرا در مرکز و جنوب هند حکومت می‌کردند. در دورهٔ آنها غارــ معبد ساخته می‌شد (تصویر ۴، ۵ و ۶). ورودی غارــ معبدها دارای تاق گهواره‌ای و پیرامون آن دارای تاقچه‌های تزیینی، پنجره‌های نورگیر و تعدادی بالکن است. فضای داخلی این غارــ معبدها تالار طویلی با دو ردیف ستون با سقف گهواره‌ای است و انتهای تالار که به مهراب (استوپایی کوچک) ختم می‌شود به شکل نیم دایره است. استوپای عظیم سانچی یکی از بزرگترین معابد بودایی هند در دوره شونگا است و از ماسه سنگ زرین محلی ساخته شده است. این استوپا نیم‌گنبدی است که بر روی صُفّه‌ای مدور بوده و دارای حصار و دروازه است. نمای دروازه‌ها صحنه‌هایی از رخدادهای زندگی بودا، زنان رقصنده، سواران بر روی اسب و فیل و غیره را که بر سنگ نقش شده‌اند، نشان می‌دهند.

تصویر ۴ــ تالار معبد چایتیا در بَهاجا، سده اول پیش از میلاد

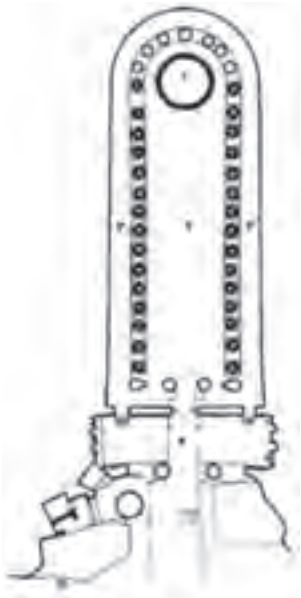

تصویر۵ــ پلان معبد چایتیا در کارله، اوایل سده دوم میلادی :
۱ــ استوپا، ۲ــ تالار، ۳ــ راهرو جانبی، ۴ــ هشتی

تصویر۶ ــ دروازه و استوپای بزرگ بودا، دهکده سانچی، سده اول پیش از میلاد تا سده اول میلادی

۱ــ Shunga

۲ــ Andhra

## ● دوره کوشان[1] (۳۲۰ــ۵۰ میلادی)

هم‌زمان با آغاز مسیحیت، اقوام کوشانی در هند قدرت را به‌دست گرفتند و عصر درخشان دیگری در هنر شکل گرفت. در این دوره تندیس‌های بودا با استفاده از سنت‌های بومی هند ساخته می‌شد[2].

این تندیس‌ها دارای شانه‌های پهن، کمر باریک، چهره لطیف و ردایی نازک بود. (تصویر ۷) از طرفی با نفوذ هنر یونان، سبک دیگری با تلفیق از سنت‌های هلنی یونان و هندی به‌وجود آمد که بر ویژگی‌های عاطفی و طبیعت‌گرایانه تأکید بیشتری داشت[3]. (تصویر ۸)

تصویر۷ــ تندیس بودای ایستاده، دوره کوشان، سده پنجم میلادی، سنگ ماسه قرمز، ارتفاع ۲۲۱ سانتی‌متر، سبک ماتهورا، موزه هند، کلکته

تصویر۸ــ بودای نشسته گاندهارا، سده سوم میلادی، بودای روزه‌گیر، سبک گاندهارا، پاکستان

## ● دوره گوپتا[4] (۶۴۷ــ۳۲۰ میلادی)

با فروپاشی دورهٔ کوشان، عصر درخشان دیگری در هنر با پادشاهی **گوپتا** از اوایل سدهٔ چهارم میلادی، شروع می‌شود که از آن به عنوان دوره کلاسیک هنر هند نام برده می‌شود. در این دوره، نقاشی، مجسمه‌سازی، رقص و موسیقی به‌اوج کمال رسیدند. مهم‌ترین نمونه‌های هنری این دوره، دیوارنگاره‌های **غارهای آجانتا**[5] است (تصویر۹). موضوع این نقاشی‌ها داستان زندگی بودا و صحنه‌های زندگی روزمره است. در یکی از نقاشی‌های[6] ارزشمند این غار، اعضای صورت بودا

---

۱ــ Kushan

۲ــ سبک ماتهورا (Mathura) منطقه‌ای نزدیک دهلی

۳ــ سبک گاندهارا (Gandhara) منطقه‌ای در دره کابل و پیشاور پاکستان (همانند قندهار) است.

۴ــ Gupta

۵ــ Ajanta

۶ــ بودیساتوا ،(Bodhisattva) بودای موعود ،وجودی که پس از تولدهای بی‌شمار به بودا تبدیل خواهد شد ،اما درنگ می‌کند که به دیگران برای رسیدن به رستگاری ،یاری کند.

بسیار ظریف نقاشی شده و نرمی حرکات و برجستگی جسمانی تندیس‌های دوره‌های گذشته را در خود دارد.

تصویر۹ــ دیوارنگاره بودیساتوا، غار شماره یک آجانتا، حدود ۶۰۰ تا ۶۴۲ میلادی

## ۵ــ هنر هند در دوره‌های متأخر (دورهٔ هندو)

با سقوط سلسلهٔ گوپتا در سده هفتم میلادی، سرزمین هند نه تنها به قلمروی از حکومت‌های محلی تبدیل شد بلکه مذهب هندو که ریشه کهنسالی داشت رونق و رواج تازه‌ای گرفت و دین بودا را در خود مستهلک و جایگزین آن شد. اساس مذهب هندو بر پایه ستایش از خدایان سه گانه، برهما (خدای خالق و آفرینندهٔ جهان)، ویشنو(نگهدارندهٔ جهان) و شیوا (نابود کننده و بازسازی‌کنندهٔ جهان) و شماری از خدایان دیگر است. در فاصله سدهٔ هفتم تا سیزدهم میلادی هنر هند در خدمت مذهب هندو بود و در طی این دوره، معابد باشکوهی همراه با تمثال‌هایی از مظاهر این خدایان به‌ویژه شیوا ساخته شدند. معابد آیین هندو اغلب دارای گنبدی عظیم و هرمی شکل هستند و نمای آنها دارای تزیینات فراوانی است (تصویر۱۰).

مهمترین دستاورد هنر هندو در این دوره در قالب تندیس‌های فلزی شیوا و قدیسان مربوط به او نمایان شد. تندیس شیوا در مقام رقصندهٔ کیهانی به‌گونه‌ای تجسم یافت که نابود کردن و بازسازی عالم را همزمان القا کند. شیوا بیشتر به حال رقص در میان حلقه آتش مجسم می‌شد و از شور و پویایی بسیار برخوردار بود (تصویر۱۱).

تصویر۱۰ــ معبد بریهادِس وارا در تانجور جنوب هند، حدود ۱۰۰۰ میلادی

تصویر۱۱ــ تندیس شیوا، مفرغی، سده ۱۱ و ۱۲ میلادی، ارتفاع ۸۲ سانتی‌متر، موزهٔ زوریخ

در سده پانزدهم میلادی، هنر این سرزمین در مسیر تازه‌ای قرار گرفت. مجسمه‌سازی و معماری شمال هند از تحول باز ماند و در عوض، هنر نقاشی جانی تازه گرفت.

**جدول دوره‌های هنر هند**

| دوره بعد از گوپتا ــ هنر هندو | دوره گوپتا | دوره کوشان | دوره‌های شونگا (۷۳ـ۱۸۵) و آندرا (۳۲۰ م ـ۳۲ پ) | دوره منوریا | دوره ودایی ــ ورود آریایی‌ها به هند | دوره سند، موهنجودار و هاراپا | پیش از تاریخ دوره نوسنگی |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱۵۲۶ ــ ۶۴۷ م | ۶۴۷ـ۳۲۰ م | ۳۲۰ـ۵۰ م | ۳۲۰ م ۱۸۵ پ.م | ۳۲۲ ــ ۱۸۵ پ.م | ۹۰۰ ــ ۱۵۰۰ پ.م | ۱۹۰۰ــ ۲۵۰۰ پ.م | ۲۵۰۰ــ ۵۰۰۰ پ.م |
| | 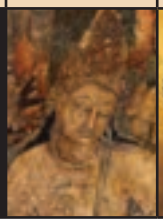 | 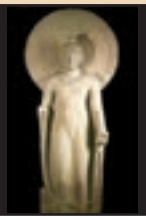 | | | | | |

## ارزشیابی

۱ــ تندیس‌های تمدن دره سند دارای چه خصوصیاتی است؟

۲ــ تمدن هند در کدام محوطه‌های دره سند شکل گرفته است؟

۳ــ کهن‌ترین نقش مایه‌های دره سند را نام ببرید ؟

۴ــ هنر هند دارای چه خصوصیاتی است؟

۵ــ هنر بودایی هند در چه دوره‌ای شکل گرفت؟

۶ــ استوپا چه گونه ساختمانی است؟

۷ــ چه هنری سبب تندیس‌سازی برای بودا شد؟

۸ــ در دوره کوشان هند، هنر یونان چه تأثیری بر تندیس‌های بودا گذاشت؟

۹ــ اساس هنر هندو بر چه پایه‌ای استوار است؟

۱۰ــ موضوع نقاشی‌های غار آجانتا چیست؟

۱۱ــ دیوارنگاره‌های غار آجانتا مربوط به کدام دوره است؟

الف) دوره مئوریا　　ب) دوره کوشان

ج) دوره گوپتا　　د) دوره‌های متأخر

۱۲ــ مهمترین دست آورد هنر هند در دوره‌های متأخر چه بود؟

# فصل هفتم

# هنر چین

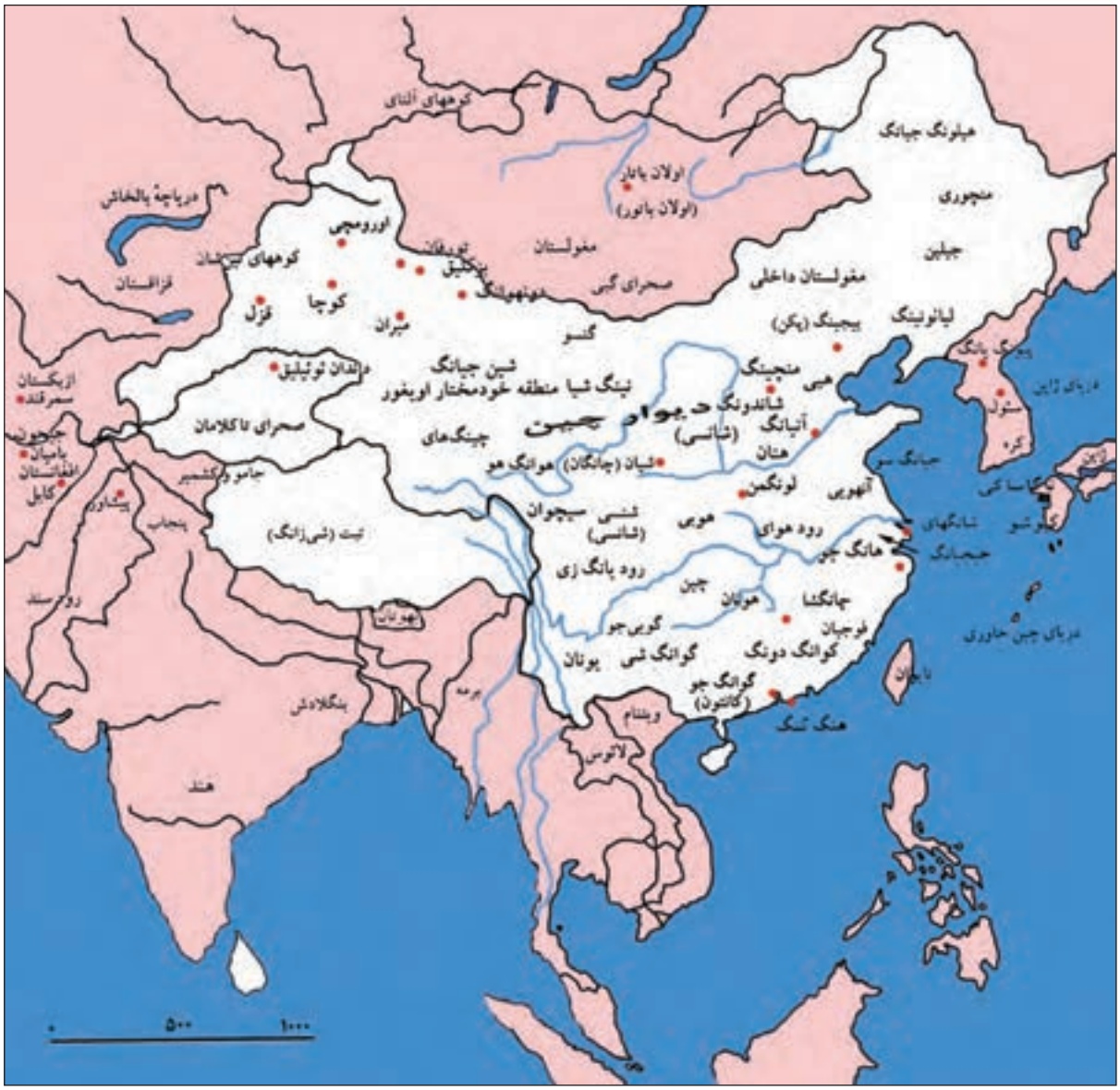


**هدف‌های رفتاری** : پس از پایان این فصل از دانش‌آموز انتظار می‌رود که بتواند :

۱ــ دوره‌های مهم هنر چین را توضیح دهد.

۲ــ رابطه خوشنویسی و نقاشی را در هنر چین بیان کند.

۳ــ اصول نقاشی را در دوره شش پادشاهی توضیح دهد.
۴ــ خصوصیات معماری چین را توضیح دهد.
۵ــ خصوصیات تندیس‌های مقبره امپراتور چین را توضیح دهد.
۶ــ تأثیر هنر بودایی را در پیکره‌سازی چین شرح دهد.
۷ــ هنرسفالگری و فلزکاری چین را شرح دهد.

## ۱ــ تاریخ و سیر هنر چین

چین در میان کشورهای شرق آسیا به‌دلیل قدمت تمدن، وسعت، تعداد جمعیت و تأثیر تمدنی بر کشورهای پیرامون خود (کره، ژاپن و ...)، دارای اهمیت است. نخستین دهکده‌های عصر نوسنگی در حدود هزاره هفتم پیش از میلاد در کنار رود زرد به‌وجود آمدند. چینی‌ها در حدود ۱۷۰۰ سال پیش از میلاد وارد مرحله شهرنشینی شدند و نخستین سلسله خود را به‌نام شانگ[۱] تأسیس کردند. در میان سلسله‌های متعدد چین، سلسله‌های شانگ، چو[۲]، چین[۳]، هان[۴]، سلسلهٔ موسوم به شش پادشاهی، تانگ[۵]، سونگ[۶]، یوآن[۷] (سلسله مغولی چین)، مینگ[۸] و چینگ[۹] در تعالی هنرهای چین سهم مهمتری دارند.

در دوره‌های **شانگ** و **چو** ساخت اشیای مفرغی شکوفا شد. در دورهٔ سلسله چین، که نام خود را به این سرزمین داده است، وحدت سیاسی و فرهنگی پدید آمد. در دورهٔ هان، ارتباط چین با جهان غرب (ایران و روم)، گسترش یافت و جاده ابریشم گشوده شد (تصویر ۱).

در دوره **تانگ**، بافت پارچه‌های ابریشمی و ساخت ظروف چینی به اوج خود رسید و ارتباط مسلمانان با چین شروع و ظروف چینی وارد بازارهای اسلامی شدند. در دوره سونگ نقاشی به اوج خود رسید. در قرن هشتم هجری ایرانی‌ها به‌واسطه مغول‌ها، با شیوه نقاشی چینی آشنا شدند و نکاتی را آموختند. در دورهٔ **مینگ** معماری چوبی[۱۰]، به‌وجود آمد. خوشنویسی و نقاشی همواره هنر درجه اول مردم چین بود، اما چینی‌ها در معماری، ساخت ظروف چینی و مفرغی، پارچه‌های ابریشمی، ساخت اشیایی از سنگ یشم و آثار لاکی هم بسیار توانا بودند. تاریخ، فرهنگ و هنر چین همواره از تداوم برخوردار بوده و حتی در زمان تسلط اقوام بیگانه نیز دچار گسست نشده است.

**تصویر ۱ــ نقاشی خیالی، از مراسم معرفی در کاخ امپراتور در دوره هان، سده ۱۷ میلادی**

۱ــ Shang
۲ــ Zhou
۳ــ Qin (China)
۴ــ Han
۵ــ Tang
۶ــ Sung
۷ــ Yuan
۸ــ Ming
۹ــ Qing
۱۰ــ Peking (Beijing)

# ۲ــ هنرهای چین

## ● خوشنویسی و نقاشی

مردم چین دارای شیوه نوشتار اندیشه نگار[۱] هستند که در طول تاریخ ثابت مانده و از این‌رو برای همه مردم چین و با وجود گویش‌های مختلف قابل فهم بوده است. خط چینی به جای الفبا، دارای هزاران شکل مستقل است و هر شکل، نقش یک واژه را ایفا می‌کند. این شیوهٔ نوشتار، نقش مهمی در تداوم سنت‌های فرهنگی و هنری چین داشته است. چینی‌ها نقاشی و خوشنویسی را هنری فقط در خور توجه بزرگان و دیگر مصنوعات را نوعی صنعت‌گری می‌دانستند. این دو هنر از بسیاری جنبه‌ها با یکدیگر پیوند داشتند. ابزار خوشنویسی (قلم مو، ابریشم یا کاغذ) به‌چیره دستی زیادی نیاز داشت. خوشنویسی اندیشه نگار چینی، ازکیفیت تصویری برخوردار و بیان اندیشه و احساس را ممکن می‌سازد و با نقاشی پیوند دارد (تصویر۲).

تصویر۲ــ نمونه ای از خوشنویسی دورهٔ تانگ

نقاشی سنتی چین، به‌لحاظ سرزندگی و ریتم خط و ضرباهنگ قلم مو، تأثیر زیادی از خوشنویسی گرفته و در اغلب نقاشی‌های چینی از خط نوشته به شکل امضاء، شعر یا اظهار نظر هنرمند استفاده شده است. چینی‌ها عقیده داشتند که تمامی رنگ‌ها در مرکّب، وجود دارد. نقّاش چینی با مهارت بسیار، تنوعی از رنگ‌سایه‌ها[۲] را در ذهن خود به‌دست می‌آورد و پیش از نقاشی کردن، ساعت‌ها به تفکر می‌نشست و تصویر مورد نظر را در ذهن خویش کامل می‌کرد و در مرحله اجرا آن‌را بسیار سریع به انجام می‌رساند. پس از آن، هیچ‌گونه تصحیح یا تغییری در تصویر ممکن نبود. نقاش باید دستی خطا ناپذیر و تسلطی بی‌چون و چرا بر قلم موی خود می‌داشت. منظره نگاری همواره در نقاشی چینی اهمیت داشته است. منظره طبیعی از زمان‌های کهن مورد توجه بوده است. نقاشان چین علاقه‌ای به‌قواعد پرسپکتیو نداشتند. منظره سازی‌های توماری، از ابتکارات چینی‌ها است. علاقه پیروان برخی آیین‌های چین به طبیعت، شرایط لازم برای پیدایش هنر منظره‌سازی را فراهم نمود. در دوره **هان**، کاغذ و ابریشم زمینهٔ مناسبی را برای رشد نقاشی فراهم کرد و تصویر کوه و آب به‌عنوان عناصر اصلی در منظره سازی مورد تأکید قرار گرفت. در دوره «**شش پادشاهی**» اصولی برای نقاشی وضع شد که در آن سرزندگی، یک دستی قلم مو، وضوح اشیاء و مناسبت رنگ با نقش مورد تأکید قرار می‌گرفت. در دوره تانگ و تحت تأثیر نقاشی‌های بودائیان هند، نقاشی دیواری به‌ویژه در غارهای بودایی شمال غربی چین شکوفا و حالات و زندگی بودا بر بدنه غارها نقاشی شد (تصویر۳).

تصویر۳ــ بودیساتوا[۳]، نقاشی داخل غارهای دون‌هوانگ[۴] در شمال غربی چین، دوره تانگ

منظره‌سازی در دوره **سونگ**، به اوج خود رسید و هنرمندان سونگ فضای

---

۱ــ اندیشه نگار : نوعی خط نوشته است که در آن اشکال تصویری طبیعی به اشکال قراردادی تبدیل شده است.

۲ــ (tonalite) درجات تیرگی و روشنی رنگ را رنگ سایه یا تُن می‌نامند.

۳ــ Bodisatva

۴ــ Don Huang

تصویری خاصی به‌وجود آوردند که به‌عنوان سر مشقی تا سده بیستم ادامه یافت. نقاشان مکتب سونگ از تمام امکانات قلم و مرکب بهره می‌گرفتند و با حداقل وسایل، جوهرهٔ طبیعت را در آثار خود منعکس می‌کردند. آنها طبیعت را چون جهانی بی‌انتها، پرشکوه تصویر نموده و برای فضاهای پُر و خالی ارزشی برابر قائل بودند (تصاویر۴ تا ۶). در نقّاشی چینی انواع مضمون‌های دینی و دنیوی مورد توجه بود. آیین بودایی نیز موضوع‌های جدیدی را در اختیار هنرمندان قرار داد و سبب رواج نقاشی دیواری گردید. در سال ۱۲۶۰ میلادی، سلسله سونگ توسط مغولان فرو پاشید و مغول‌ها سلسله **یوان** را تأسیس کردند. در این دوره نیز نقاشی دارای اهمیت ویژه بود و نقاشان آثار ارزشمندی خلق کردند.

**تصویر۴ــ منظره در مهتاب اثر مایوآن[1]، دورهٔ‌سونگ، حدود ۱۲۰۰ میلادی، طومار آویختنی، جوهر و رنگ روی ابریشم، ۷/۱۴۹ در ۲/۷۸ سانتی متر، موزه کاخ ملی، تایوان**

**تصویر ۵ــ مسافران در میان کوه و آبراه‌ها، اثر فان کوان[2]، حدود ۹۹۰ ــ ۱۰۳۰ میلادی مرکب بر روی ابریشم، دوره سونگ، کاخ ــ موزه ملی تای بی**

**تصویر۶ــ دانشور غرقه ماه، اثر مایوآن، طومار آویختنی، مرکب و رنگ روی ابریشم، دوره سونگ، موزه هنر موآ، آتامی[3]**

در دوره مینگ، گرایشی به رنگ‌آمیزی متنوع به‌ویژه رنگ‌های سبز و آبی در منظره نگاری‌ها، ظرافت‌کاری و تزیین و کپی‌برداری از سبک‌های گذشته رخ نمود (تصویر۷). در دوره چینگ سبک دوره مینگ رو به شکوفایی نهاد و تا سده نوزدهم از نوآوری باز نماند.

---

۱ــMa ــ Yuan

۲ ــfan ــ Kuan

۳ــ Moa, Atami

**تصویر ۷ــ بخشی از یک منظره به سبک آبی و سبز، اثر چین ینگ (Qin Ying)، دوره مینگ، گالری هنر فریر در واشنگتن آمریکا**

## ● معماری

در چین به‌دلیل شرایط آب‌وهوایی مرطوب، ساخت بناها با مواد و مصالحی چون سنگ و آجر مورد توجه نبود و چوب مهمترین مصالح معماری به شمار می‌آمد. اما این بدان معنا نیست که چینی‌ها در ساخت بناهای یادمانی ناتوان بودند، چنانچه دیوار چین که اکنون جزء عجایب هفتگانه است، نمونه‌ای از توانایی چینی‌ها در خلق آثار معماری است (تصویر۸).

**تصویر ۸ــ دیوار چین، برروی کوههای شمالی چین برای جلوگیری از تهاجم بیگانگان ، تاریخ ساخت از حدود ۲۵۰ پیش از میلاد تا سده ۱۵ میلادی**

چینی‌ها معابد بودایی، کاخ‌ها و خانه‌ها را به‌صورت یک تا چند طبقه و اغلب با چوب می‌ساختند که شکل کلی آنها تقریباً مشابه هستند (تصویر۹). در این معماری سقف شیروانی مانند ساختمان، با سفال پوشیده می‌شد و رخْ بام[1] پیرامون آن به‌شکل ایوانی که دارای لبه خمیده به‌سمت بالا است، ساخته می‌شد و عملکرد آن کنترل باران و ایجاد سایه بود. در ساختمان‌های چند طبقه، طبقات بر روی ستون‌های چوبی قرار می‌گرفت و نمای بنا شکل چترهای مطبق به‌خود می‌گرفت. غیر از معابد یاد شده، چینی‌ها بناهای رفیعی به‌نام پاگودا (بنای یادبود بودا) دارند که گاه ارتفاع آنها به ۱۳ طبقه هم می‌رسند.

در معماری کاخ و خانه‌های اعیانی، باغ سازی، ایجاد آبراهه و ساخت پل‌های زیبا مورد توجه بود و نمونهٔ برجستهٔ معماری چوبی چین، مجموعه کاخ‌های شهر پکن (شهرممنوعه) است که در دورهٔ مینگ ساخته شده‌اند (تصویر۱۰).

**تصویر۹ــ پاگودای، کای فنگ، ۱۰۴۹ میلادی، چین**

---

۱ــ رخْ بام به معنی لبهٔ بام یا آبچکان می‌باشد.

تصویر ۱۰ــ نمایی از بناهای شهر ممنوعه در پکن، دوره مینگ

## ● تندیس سازی

ساخت تندیس‌های جانوری و انسانی از جنس گِل پخته، چوب، سنگ و فلز همواره مورد توجه هنرمندان بود. اغلب این تندیس‌ها بیان‌گر شغل آنها در خانه فرد متوفی بود که به‌همراه او در درون قبور قرار داده می‌شدند (تصویر۱۱).

تندیس‌های سفالی کشف شده از مقبره امپراتور چین، توانایی چینی‌ها را در ساخت تندیس‌های بزرگ سفالی نشان می‌دهد. در این مقبره تندیس سربازان و اسب‌هایشان که نمایندهٔ سپاهیان امپراتور بودند،کشف شد (تصویر۱۲).

تصویر۱۱ــ تندیس زن خدمتکار از گِل‌پخته ، دوره‌هان، موزهٔ هانیان گلینگ (Hanyan Gling)

تصویر۱۲ــ بخشی از سربازان محافظ مقبره امپراتور چین شی هوانگدی (Qin Shi Huangdi) و تندیس سرباز و اسب، سال ۲۱۰ پیش از میلاد، مکشوف در خیان یان، ازجنس گِل پخته، اندازه طبیعی

این تندیس‌ها بسیار واقع‌گرا ساخته شده‌اند و در بازنمایی جزئیات و تجهیزات سربازان بسیار دقت شده است. ورود آیین بودا به چین، تندیس‌سازی را تحت تأثیر قرار داد. در دورهٔ تانگ موج تازه‌ای از هنر هندی (عصر گوپتای هند) به‌چین رسید و سبب نوعی شکل‌سازی کامل و پراحساس در تندیس‌ها شد. در دوره سونگ ساخت تندیس‌های سفالی و چوبی خدایان بودایی

مورد توجه قرار گرفت. فضای متفکّرانهٔ عصر سونگ بر روی تندیس‌سازی مؤثّر بود و سبب شد پیکره‌ها ظریف‌تر، متفکرتر و آرام‌تر ساخته می‌شوند (تصویر۱۳).

تصویر۱۳ــ بودای نشسته، سفال لعاب دار، دوره سونگ، موزه بریتانیا

## ● سفال‌گری

چینی‌ها در ساخت سفال به‌ویژه سفال‌های لعابدار بسیار توانا بودند. نخستین ظروف سفالی منقوش که دارای نقش‌های هندسی هستند در هزاره پنجم پیش از میلاد (دوره نوسنگی) ظاهر می‌شوند. عالی‌ترین ظروف سفالی چین ظروف موسوم به چینی هستند. ساخت آنها از ابتکارات سفال‌گران چین است که در عصر سلسله‌های تانگ، سونگ و مینگ به اوج خود رسید. در میان آنها چینی‌های موسوم به آبی و سفید (تصویر۱۴) مشهور هستند. این گونه ظروف، از دورهٔ تانگ به این سو به بسیاری از نقاط جهان از جمله به ایران صادر می‌شد و سبب تحرّک سفال‌گری دوره اسلامی ایران شد.

## ● فلزکاری

ساخت اشیای فلزی به‌خصوص اشیای مفرغی در چین بسیار پررونق بود. هنرمندان بر روی ظروف منظره، نوشته، اژدها، انواع جانوران و موجودات خیالی را نقش می‌کردند و از آنها در مراسم عروسی و عزا استفاده می‌کردند (تصاویر۱۵ و ۱۶).

تصویر۱۴ــ چینی‌های چند رنگ با نقوش گیاهی، سده ۱۵ و ۱۶ میلادی، موزهٔ بیجینگ، چین

تصویر ۱۵ــ بخور سوز، با در پوشی به شکل کوه، دوره هان، حدود ۱۱۳ پیش از میلاد، موزه ایالتی هِبی (Habi)

تصویر۱۶ــ ظروف مراسمی حدود ۱۰۰۰ پیش از میلاد، دوره چو، موزه‌های چین

جدول سلسله‌های مهم چین

| ۱۹۱۲ـ ۱۶۴۴م | ۱۶۴۴ـ ۱۳۶۸م | ۱۳۶۸ـ ۱۲۷۹ م | ۱۲۷۹ـ ۹۰۷ م | ۹۰۷ـ۶۱۸ م | ۶۱۸ـ۲۲۰ م | ۲۲۰ م ـ ۲۰۶ پ.م | ۲۰۶ ـ ۲۲۱ پ.م | ۲۵۶ ـ ۱۰۴۵ پ.م | ۱۰۴۵ ـ ۱۷۶۶ پ.م |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| چینگ | مینگ | یوان (مغول) | سونگ | تانگ | شش پادشاهی | هان | چین | چو | شانگ |

## ارزشیابی

۱ـ چه عاملی سبب وحدت و تداوم هنر چین است؟

۲ـ چه سلسله‌هایی در هنر چین دارای اهمیت هستند؟

۳ـ چه ارتباطی بین خوشنویسی و نقاشی چینی وجود دارد؟

۴ـ در منظره نگاری چین چه عناصری اهمیت دارند؟

۵ـ چگونه نقاش چینی در هنر خود از ذهن و تفکر بهره می‌گیرد؟

۶ـ در دوره شش پادشاهی چه اصولی در نقاشی در نظر گرفته شد؟

۷ـ هنر بودایی چه تأثیری در تندیس‌سازی و نقاشی چین داشت؟

۸ـ توضیحات زیر هر کدام مربوط به کدام مکتب هنری چین است؟

الف) اوج منظره‌سازی، جهان بی‌انتها و فضاهای پر و خالی

ب) گرایش به رنگ آمیزی متنوع در منظره‌سازی

۹ـ معماری چین دارای چه خصوصیاتی است؟

۱۰ـ تندیس سربازان سفالی مقبره امپراتور سلسله چین دارای چه ویژگی‌هایی است؟

۱۱ـ هنر سفال‌گری و فلز کاری چین دارای چه خصوصیاتی است؟

# فصل هشتم

# هنر ژاپن

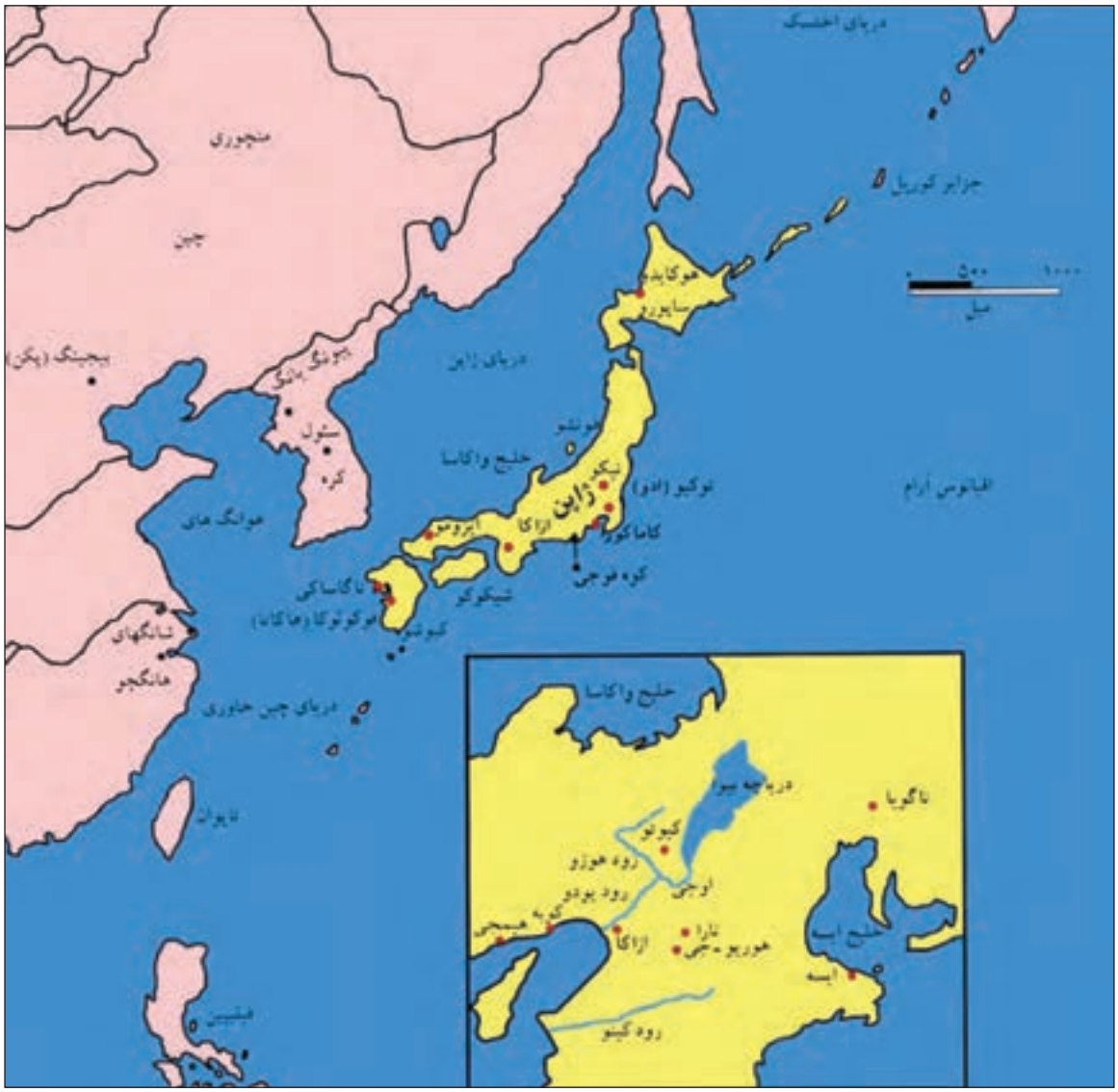


**هدف‌های رفتاری** : پس از پایان این فصل از دانش آموز انتظار می‌رود که بتواند :

۱ــ ویژگی‌های هنر ژاپن را بیان کند.

۲ــ خصوصیات تندیس‌های ژاپنی را توضیح دهد.

۳ــ ساختار معابد ژاپنی را شرح دهد.
۴ــ ویژگی‌های نقاشی ژاپنی را توضیح دهد.
۵ــ خصوصیات نقاشی ژاپنی را در سده‌های ۱۵ و ۱۶ میلادی شرح دهد.
۶ــ هنر باسمه‌سازی ژاپن را شرح دهد.

## ۱ ــ تاریخ و ویژگی هنرهای ژاپن

ژاپن کشوری کوچک، مرکب از چهار جزیره بزرگ و تعدادی جزیره کوچک است که در شرق چین و کره قرار دارد. ساکنان ژاپن از حدود هزاره هفتم پیش از میلاد، وارد دورهٔ نوسنگی(عهد کشاورزی) شدند. از این دوره ظروف سفالی و زیورهایی از سنگ بلور به‌دست آمده است. ژاپنی‌ها در حدود ۴۰۰ سال پیش از میلاد وارد دوره شهرنشینی شدند. با وجود آن‌که ژاپن در مقابل ورود بیگانه به کشور سخت‌گیر بود، اما تمدّن‌های چین، کره و دین بودا در شکل‌گیری و تکامل فرهنگ و هنر ژاپن نقش اساسی داشتند. مواد و شیوه‌های مورد استفاده هنرمندان، حتی مضمون‌ها نیز ریشه چینی داشتند. ژاپنی‌ها در سده‌های ۵ تا ۷ میلادی از طریق جاده ابریشم با مصنوعات هنری آسیای غربی (آسیای مرکزی، شمال هندوستان و ایران) نیز آشنا شدند. برای مثال از نقوش دوره ساسانی در پارچه‌های ژاپنی نیز تقلید می‌شد. هنوز هم در یکی از خزانه‌های سلطنتی تعداد قابل توجهی از اشیای دوره ساسانی نگهداری می‌شود. هنرمندان ژاپنی در کنار باورهای مذهب باستانی خویش، شینتو[۱]، از آیین بودا و تائو چینی نیز بهره می‌گرفتند. خصوصیات هنر ژاپن نشان می‌دهد که اغلب این تقلیدها آگاهانه بوده و هنرمندان ژاپن دست آوردهای بیگانه را به‌خوبی با سنت‌های خود سازگار کرده و عناصری را به آن افزوده‌اند.

ژاپنی‌ها مانند چینی ها شیفته طبیعت‌اند، ولی نگاه آنها به طبیعت با احساساتی‌گری آمیخته است. به‌طور کلی، در هنر ژاپنی حساسیت به بافت، تأکید بر نکات فنی، علاقه به‌رنگ‌های درخشان، ترکیب‌بندی گیرا و کوشش برای جلوهٔ تزئینی، بیشتر دیده می‌شود.

هنر اصلی ژاپنی‌ها نیز مانند چینی‌ها، نقاشی و خوشنویسی است، اما آنها در ساخت سفالینه‌های لعاب‌دار، اشیای چوبی، باسمه کاری، بافندگی و ساخت اشیاء و تندیس‌های فلزی و چوبی و تزئینات درون و بیرون بناها نیز توانا هستند.

---

۱ــ Shinto آیین باستانی پرستش خورشید در ژاپن که بعدها با مذهب بودایی و ذِن آمیخته شد.

## ۲ــ تندیس سازی

تصویر ۱ــ هانیوا به شکل جنگاور جوشن پوش، گِل مجسمه‌سازی، سده ۳ تا ۶ میلادی، مجموعه نِگیشی، ساینامای

جزایر ژاپن به دلیل آتشفشانی بودن آنها، سنگ مناسب برای حجاری و کنده کاری ندارند، لذا برای تندیس‌سازی، از گِل رُس و چوب و فلز استفاده می‌کردند. نخستین تندیس‌های سفالی مربوط به هزارهٔ چهارم پیش از میلاد، مربوط به‌دوران نوسنگی، غالباً طرحی حصیرگونه و درهم بافته دارند. فن مفرغ‌کاری در سده اول میلادی از چین به ژاپن رسید. بر روی زنگوله‌های مفرغین مربوط به این دوره خطوط و تصاویر ساده حک شده و یا نقوش کم برجسته دیده می‌شود. سپس در سده‌های۴ تا ۷ میلادی، پیرامون مقبره‌ها استوانه‌های گلینی بود که در بالای آنها تندیس‌های **هانیوا**[۱] به شکل انسان، جانور و یا پرنده قرار می‌گرفت (تصویر۱).

تا پیش از ورود آئین بودایی از طریق کره در سال ۵۵۲ میلادی، تندیس سازی در ژاپن به‌طور جدی مطرح نبود. صنعتگران کره‌ای همراه با راهبان بودایی به ژاپن رفتند و طرز ساختن تندیس‌های بودایی را به ژاپنی‌ها یاد دادند. اولین تندیس‌های بودا که در سده‌های۶ و ۷ میلادی ساخته شدند، برگرفته از هنر یونانی ــ بودایی سده‌های ۱ تا ۳ میلادی گندهارا (قندهار) هستند و سبُکی واقع گرایانه دارند. برخی از آثار این دوره، در زمره نفیس‌ترین و اثرگذارترین تندیس‌های مذهبی جهان به‌شمار می‌آیند (تصاویر۲ و ۳).

تصویر۲ــ تندیس بودا، معبد تودای ــ جی[۲] در نارا، چوب، ارتفاع ۹۸/۷ سانتی‌متر، سدهٔ ۸ میلادی

تصویر ۳ــ تندیس بزرگ بودای نشسته، معبد تودای ــ جی در نارا، مفرغ، ارتفاع حدود ۱۵ متر، ۷۵۲ میلادی

۱ــ Haniva

۲ــ Todai_ji

## ۳ــ معماری

با توجه به منشأ آتشفشانی جزایر ژاپن و عدم وجود سنگ‌های مناسب، مردم این سرزمین، بناهای خود را از چوب‌های مناسب و مقاوم در برابر زلزله می‌ساختند. ژاپنی‌ها در معماری هم از الگوهای چینی پیروی می‌کردند، بناهای آنها از یک تا چند طبقه متغیر و اغلب دارای شکل‌های مربع مستطیل با سقف‌های شیب‌دار سفالی هستند و رخ بام‌ها بر ستون‌های چوبی تکیه دارند و شکل ایوان را در نمای ساختمان به‌خود می‌گیرند و لبه آنها نیز مانند بناهای چینی به‌سمت بالا خمیده هستند. یکی از معابد مهم ژاپن در شهر اوجی دارای تالار مشهوری به نام ققنوس است (تصاویر ۴ و ۵).

معابد چند طبقهٔ آنها نیز به تقلید معابد چینی ساخته شده‌اند (تصویر۶).

تصویر ۴ــ معبد بیودو دارای تالار هو ــ ئو ــ دو (ققنوس) ــ این ، سده ۱۱ میلادی در شهر اوجی، کیوتو[1]

تصویر ۵ــ ققنوس مفرغی، سدهٔ ۱۱ میلادی، نماد معبد بیودو ــ این

تصویر ۶ــ معبد هوریوجی[2]، سدهٔ ۸ میلادی، نارا

---

۱ــ Kyoto

۲ــ Horyu.ji

## ۴ ــ نقاشی

هنر نقاشی در ژاپن از زمانی متداول شد که راهبان بودایی و صنعتگران کره‌ای و چینی در آنجا اقامت کردند. نقاشی دیواری و طوماری با مضمون‌های بودایی که ریشه در هنر هند داشت، رواج یافت.

قطع رابطه ژاپن با چین در اواخر سده نهم میلادی، زمینه‌ای برای رشد نقاشی بومی فراهم ساخت. در سدهٔ ۱۲ میلادی، نوعی نقاشی طوماری با سبک خالص ژاپنی به نام **یاماتوــ ئه**[۱] شکل گرفت که به لحاظ شیوه و موضوع با نقاشی‌های مشابه چینی تفاوت دارد. اگر چینی‌ها نقاشی طوماری را عمدتاً برای منظره نگاری به‌کار می‌بردند، ژاپنی‌ها آن را به‌خدمت رویدادهای زندگی گرفتند. قلم‌گیری‌های سریع و نازک، رنگ‌های تخت و غالباً درخشان و تجسّم فضا از زاویهٔ دید بالا از ویژگی‌های این سبک است (تصویر۷).

برتری یافتن آئین ذِن[۲] بر آیین‌های شینتو و بودایی در قرن چهاردهم میلادی بر نقاشی ژاپنی اثر گذار بود و راهبان ذِن نمونه‌های منظره نگاری آب مرکّبی دوره سونگ را از چین به‌ژاپن آوردند و منظره نگاری چینی مورد توجه قرار گرفت (تصویر۸).

تصویر۷ــ بخشی از پرده نگاره شش لته، سدهٔ ۱۸ میلادی

تصویر ۸ــ منظره اثر کانو ــ موتو نوبو[۳]در سده شانزدهم میلادی، مجموعه توکای ــ ان[۴]، کیوتو

---

۱ــ Yamato ــ e

۲ــ آیین ذن، التقاتی از آیین بودا و آیین تائو است که از اصول آن هماهنگی با طبیعت همراه با تفکر است.

۳ــ Kano ــ Motonobu

۴ــ Tokai ــ an

در سده‌های ۱۵ و ۱۶ میلادی نقاشان ژاپن به پیروی از نقاشان چینی بر خط‌های شکل ساز تأکید می‌کردند، ولی از مضمون‌ها و نقش‌های بومی سرزمین خود نیز بهره می‌گرفتند و منظره‌ها، گل‌ها و پرندگان سرزمین خود را نقاشی می‌کردند (تصاویر۹ و ۱۰).

تصویر ۹ــ گل داودی در کوهستان، اثر نوگوچی یوکویو، ۱۸۸۶ میلادی

تصویر ۱۰ ــ گل و پرنده، نقاشی آبرنگ روی کاغذ، سدهٔ ۱۹ میلادی

از اواخر سده هفدهم میلادی، هنر باسمه‌سازی[1] در ژاپن رونق گرفت این هنر معرّف زنده‌ترین هنر بومی و مردمی است، زیرا برخلاف هنر اشرافی، براساس موضوعات زندگی روزمره مردم شکل گرفت. باسمه‌های رنگی تأثیری عمیق بر هنر اروپایی اواخر سده ۱۹ میلادی گذاشتند. هکوسای[2] و اوتامارو[3] با باسمه‌ها و طراحی‌هایشان از چشم‌اندازهای ژاپنی، به عنوان استادان بزرگ تاریخ هنر شناخته شده‌اند (تصاویر۱۱ و ۱۲). ژاپن در این سده دروازه‌های خود را بر روی جهان غرب باز کرد و آماده پذیرش فرهنگ غرب شد و به‌تدریج از شیوه‌های سنتی دور شد و مکاتب

تصویر۱۱ــ هنر باسمه، کوه فوجی یاما، اثر هکوسای

---

۱ــ باسمه نوعی چاپ دستی ساده است که ابتدا تصویر روی چوب و یا ماده دیگری کنده می‌شود، سپس مانند مهر به جوهر آغشته شده و به روی سطح دیگری منتقل می‌شود.

۲ــ Hokusi

۳ــ Utamaro

نقاشی غرب مورد توجه قرار گرفت. بعد از جنگ جهانی دوم، برخی از نقاشان با بهره‌گیری از سنت‌های گذشته و تلفیق آن با شیوه‌های هنر غرب به‌نتایج تازه دست یافتند. از نیمه دوم سده بیستم نقاشان و تصویرگران ژاپنی با نوآوری‌های فنی و سادگی صوری و ظرافت بیان و حفظ هویت فرهنگی، جایگاه مهمی را در هنرهای بصری جهان به‌دست آورده‌اند (تصویر ۱۳).

تصویر ۱۲ــ نیم تنه بانوی زیبا، اثر اوتامارو، باسمه رنگی، سده نوزدهم، موزه هنر کلیولند

تصویر ۱۳ــ پوستر برای مدرسه هنرهای نمایشی آسیایی، سال ۱۹۸۱

## دوره‌های هنر ژاپن

| دوره مدرن | دوره نوین | | دوره فئودالی | | دوره باستان | | | | | دوره پیش از تاریخ |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| میجی | ادو | آزوچی ـ موموياما | موروماچی | کاماکورا | هی‌آن | نارا | آسوکا | کوفون | یایویی | جومون |
| ۱۹۱۲ـ۱۸۶۸ م | ۱۸۶۸ـ۱۶۰۳ م | ۱۶۰۳ـ۱۵۷۳ م | ۱۵۷۳ـ۱۳۳۳ م | ۱۳۳۳ـ۱۱۸۵ م | ۱۱۸۵ـ۷۹۴ م | ۷۹۴ـ۷۱۰ م | ۶۴۵ـ۵۵۲ م | ۲۰۰ـ۲ م | ۲۰۰ پ.م ـ ۲۰۰ م | ۵۰۰ـ۱۴۰۰۰ پ.م |

## ارزشیابی

۱ــ ژاپنی‌ها چگونه به طبیعت نگاه می‌کردند؟

۲ــ پیرامون مقبره‌ها، استوانه‌های گلینی بود که در بالای آنها تندیس‌های.....
به شکل انسان، جانور و یا پرنده قرار می‌گرفت.

۳ــ اولین تندیس‌های بودا دارای چه خصوصیاتی بود؟

۴ــ معابد ژاپنی دارای چگونه ساختاری بود؟

۵ــ سبک یاماتو ــ ئه دارای چه ویژگی‌هایی است ؟

۶ــ هنر باسمه سازی معرف چه ویژگی‌هایی است؟

۷ــ دو هنرمند معروف از هنر باسمه‌سازی را نام ببرید.

۸ــ عبارت‌های مرتبط را با یک خط به یکدیگر متصل کنید :

| | |
|---|---|
| هانیوا | فقنوس |
| باسمه‌سازی | هنر چاپ پارچه |
| هنرمند باسمه‌ساز | تندیس بر پایهٔ استوانه‌ای گِلی |
| تالار معبد | هکوسای |

## فصل نهم

# هنر قاره آمریکا، از آغاز تا سدهٔ ۱۶ میلادی

**هدف‌های رفتاری** : پس از پایان این فصل از دانش‌آموز انتظار می‌رود که بتواند :

۱ــ اقوام بومی قاره آمریکا را نام ببرد.

۲ــ خصوصیات هنر اقوام بومی آمریکا را شرح دهد.

ساکنان بومی قاره آمریکا (آمریکای شمالی، مرکزی و جنوبی) مردمانی سرخ‌پوست بودند که از گذشته‌های دور از شرق قاره آسیا به این قاره مهاجرت کردند. آنها کم‌کم در مناطق مختلف آن قاره مستقر شدند و فرهنگ و تمدن ویژه‌ای را در آمریکای مرکزی (مکزیک، جزایر کارائیب، پرو و ...) به‌وجود آوردند. اقوام بدوی آمریکا همانند جوامع آسیا مراحل تکامل تمدن را از دوره پارینه سنگی تا دوره شهرنشینی سپری کردند. اما در سده پانزدهم میلادی با هجوم سپاهیان اسپانیایی که سلاح گرم داشتند، جریان طبیعی رشد فرهنگ و تمدن آنها از حرکت بازماند. سپس فرهنگ اروپایی بر بومیان تحمیل و سبب نابودی فرهنگ‌های اقوام بومی قارهٔ آمریکا شد. در طول یک صد سال اخیر، به‌دلیل مطالعات و کاوش‌های باستان‌شناسی آثار ارزشمندی از سفالگری، تندیس‌سازی و معماری و دیگر هنرهای آنها آشکار شد و روز به روز بر اهمیت هنر آنها افزوده می‌شود.

اینک به شکل خلاصه چند تمدن مهم پیشاکلمبی امریکا که از حدود ۱۲۰۰ پیش از میلاد تا سدهٔ ۱۶ میلادی در این قاره به شکوفایی رسیده و از آنها بناهای شهری، معابد هرمی شکل، پیکره‌ها و حجاری‌های وابسته به معابد باقی‌مانده است، معرفی می‌شوند :

## ۱ــ اولمک[۱]

تصویر۱ــ چهره انسان، اولمک

**اولمک‌ها** در جنوب شرق مکزیک زندگی می‌کردند و نخستین اقوامی بودند که در حدود ۱۲۰۰ پیش از میلاد وارد تمدن شهری شدند. آنها از پایه‌گذاران تمدن‌های آمریکای مرکزی محسوب می‌شوند. اولمک‌ها در ساخت بناهای مذهبی و پیکره‌های بزرگ یادمانی به‌ویژه سردیس‌ها توانا بودند ( تصویر۱). از آثار مکشوف چنین استنباط می‌شود که اولمک‌ها در دانش نجوم بسیار پیشرفته و تقویم‌های دقیقی داشته‌اند.

## ۲ــ مایا[۲]

تصویر ۲ــ ظرف سفالی به شکل ماهی، اولمک، مکزیک

**مایاها** در شرق آمریکای مرکزی می‌زیستند و در حدود ۱۰۰ پیش از میلاد وارد مرحله شهرنشینی شدند و کم‌کم به اوج زندگی شهرنشینی خود رسیدند. آنها در ساخت بناهای شگفت‌انگیز، یادمان‌های سنگی، سفالگری، فلزکاری و نساجی توانا بودند. آنان در همه جا بر دیواره بناها نقش برجسته‌های نمادین می‌ساختند. خصوصیات بارز این نقش برجسته‌ها انبوهی و فشردگی صورت‌های شبه انسان و حیوان و شکل مکعب گونه آنها است. معمولاً پیکره‌ها با لباس مذهبی یا آئینی در میان علایم یا حروف رمزی نمایش داده می‌شوند (تصویر۲). در حدود ۹۰۰ میلادی بسیاری از شهرهای مایا متروک شد و

۱ــ Olmac

۲ــ Maya

**تصویر۳ــ سرخدای مرگ، بخشی از سنگ محراب، کوپان، هندوراس، حدود سال‌های ۵۰۰ تا ۶۰۰ میلادی، ۳۷ در ۱۰۴ سانتی‌متر، موزه مردم‌شناسی، لندن**

آنها به‌همراه قوم تولتک پایتخت خود را به یوکاتان[1] (شرق مکزیک)انتقال دادند و در این محل سنت‌های هنری آنها درهم آمیخت و در حدود سده ۱۱ میلادی، معبد بزرگ هرمی شکلی را در چیچن ایتسا برپا کردند که امروزه جزء یکی از عجایب هفتگانه جهان است ( تصویر۳ و ۴).

**تصویر۴ــ معبد چیچن ایتسا (Chichen–Itza)، یوکاتان، سده ۱۱ میلادی**

## ۳ــ تئوتیوآکان[2]

همزمان با تمدن مایا، در شمال شهر مکزیکو، تمدن دیگری به نام **تئوتیوآکان** شکل گرفت. هنر این قوم بیشتر جنبهٔ مذهبی داشت. سازندگان معابد مردمی کشاورز بودند که سبک هنری مشخصی در نخستین سده‌های عصر مسیحیت آفریدند. اینان خدایانی که مظاهر طبیعت ماه و خورشید و ... بودند، را می‌پرستیدند و پیکره‌های زیادی با چهره انسانی می‌ساختند (تصویر۵ و ۶).

**تصویر۵ ــ ظرف سفالی به شکل مرد تک چشم، پِرو، حدود سال‌های ۲۵۰ تا ۵۵۰ میلادی، ارتفاع ۲۹ سانتی‌متر، موزه هنر شیکاگو**

۱ــ Yucatan

۲ــ Teotihvacan

تصویر ۶ــ بخشی از شهر بزرگ تئوتیوآکان

## ۴ــ تولتک[۱]

تصویر ۷ــ تندیس ایستاده، تولتک، مکزیکوسیتی

در پایان سده هشتم میلادی تمدن تئوتیو آکان نابود شد و جای خود را در دره مکزیک به قوم مهاجم قبایل **تولتک** داد. هنر تولتک هندسی و خشک است ( تصویر۷).

## ۵ــ آزتک[۲]

آزتک‌ها، آخرین قومی بودند که پیش از تسلط یافتن اسپانیا، مکزیک را مقرّ فرمانروایی خویش قرار دادند. طبیعت سخت (طوفان‌ها و زلزله‌ها) آزتک‌ها را به قومی سرسخت و جنگجو تبدیل کرده بود. این سرسختی طبیعت در سیمای خدایان آنها که طالب قربانی‌های خونین بودند انعکاس یافت. از این‌رو انجام قربانی در مکان‌های مذهبی، از ویژگی‌های قوم آزتک است. روحیه خشن آنها در تندیس‌های عظیم و رعب آور انعکاس یافته است (تصویر ۸).

## ۶ــ اینکا[۳]

**اینکاها** از اقوام آمریکای جنوبی بودند که در سده‌های ۱۵ و ۱۶ میلادی حکومت قدرتمندی در پِرو و اکوادُر به‌وجود آوردند که توسط اسپانیایی‌ها به نابودی کشیده شد. آنها به‌لحاظ مهارت در

---

۱ــ Toltec

۲ــ Aztec

۳ــ Inca

مهندسی ساختمان و شیوه معماری خشک (بدون ملات) شهرت دارند. معماری شکوهمند اینکا در مراکز عمده‌ای چون **کوزکو**[1] و **ماچوپیچکو**[2] مشهور است. معابد هرمی شکل و مرتفع آنها از پاره‌ای جهات به اهرام مصر و زیگورات‌های بین‌النهرین شباهت دارند. در سده‌های ۱۹و۲۰ میلادی، آشنایی هنرمندان معاصر با هنر و تمدن گذشته اینکاها سبب گردید که هنر این قوم مورد توجه قرار گیرد (تصویر ۹).

تصویر۸ــ هنر آزتک، تندیس سنگی تلالوک، خدای باران آزتک، سده‌های ۱۴ــ۱۵ میلادی، ارتفاع ۴۰ سانتی‌متر، موزه مردم‌شناسی، برلین.

تصویر ۹ــ شهر ماچوپیچکو، تمدن اینکارو، حدود ۱۵۰۰ میلادی

| اینکا | تئوتیو آکان | مایا | اولمک |
|---|---|---|---|
| ۱۴۰۰ تا ۱۶۰۰ میلادی | ۷۵۰ ــ ۵۰ میلادی | ۱۰۰ پ.م تا ۹۰۰ م | ۱۲۰۰ــ۴۰۰ پیش از میلاد |
| | | | |

## ارزشیابی

۱ــ خصوصیات هنر قوم مایا چیست؟

۲ــ ویژگی‌های هنر قوم تولتک را بیان کنید.

۳ــ تندیس سازی قوم آزتک دارای چه خصوصیاتی است؟

۴ــ معماری اینکاها به چه دلیل شهرت دارد؟ توضیح دهید.

---

۱ــ Cuzco

۲ــ Machu picchu

# فصل دهم

# هنر اسلامی

**هدف‌های رفتاری** : پس از پایان این فصل از دانش‌آموز انتظار می‌رود که بتواند :

۱ــ ویژگی‌های هنر اسلامی را شرح دهد.

۲ــ الگوی اولیه معماری اسلامی را شرح دهد.

۳ــ بناهای دوران اسلامی را نام ببرد.

۴ــ اهمیت و کاربرد خوشنویسی در دورهٔ اسلامی را بیان کند.

۵ــ علل مصورسازی کتب را بیان کند.

۶ــ ویژگی‌های نگارگری ایرانی در دورهٔ اسلامی را شرح دهد.

۷ــ علل شکوفایی سفالگری دوره اسلامی را توضیح دهد.
۸ــ تزیینات فلزکاری را شرح دهد.
۹ــ شیشه‌گری دوره اسلامی را بیان کند.
۱۰ــ پارچه‌بافی دوره اسلامی را توضیح دهد.
۱۱ــ مراکز هنر قالی بافی جهان اسلام را نام ببرد.

## شکل‌گیری هنر اسلامی

تصویر ۱ــ یک صفحه قرآن به خط کوفی تحریری، ایران، سده سوم هجری (۹ میلادی)، موزه ملی ایران

با هجرت رسول اکرم (ص) در سال اول هجری برابر با سال۶۲۲ میلادی به شهر مدینه و تأسیس حکومت اسلامی در آن شهر، اساس هنر و تمدن اسلامی شکل گرفت. آنچه بیش از همه در شکل‌گیری هنر اسلامی نقش داشت، قرآن بود. انتشار قرآن به زبان عربی و رواج آن در تمام سرزمین‌هایی که دیانت اسلام را پذیرفتند، سبب پیوند و اتحاد بین ملل مختلف ساکن در این سرزمین‌ها شد و قرآن عامل خلق آثار هنری گردید (تصویر۱).

دیانت اسلام در مقایسه با سایر ادیان جهان (مانند مسیحیت و بودایی) تأثیری بسیار قاطع بر کلیه فعالیت‌های ملت‌هایی که اسلام را پذیرفته بودند، داشت. اسلام از میان اعرابی بدوی برخاسته بود که شیوهٔ زندگی ساده‌ای داشتند و هنرهای بصری آنها در مقایسه با دیگر ملل هم عصر آنها ابتدایی بود. اعراب پس از پذیرش اسلام با سرعت غیرقابل باوری بر تمامی خاورمیانه[1] و شمال آفریقا و بخشی از اسپانیا حاکم شدند. در آناتولی با مقاومت امپراتوری بیزانس (روم شرقی) روبرو شدند، اما سرانجام ترکان عثمانی با فتح قسطنطنیه به حکومت بیزانس نیز خاتمه دادند.

مسلمانان در اندک زمانی پس از گذشت یک قرن هنر و تمدنی را سبب شدند که جهان هرگز مشابه آن‌را به خود ندیده بود. ملت‌های تازه مسلمان در تجارب هنری، خود را با اهداف جامعه جدید هماهنگ کردند. دورهٔ آمیختگی و تلفیق شیوه‌های هنری و هنر اسلامی در تمامی زمینه‌ها با زبان واحدی درخشش خود را آغاز کرد.

در میان سرزمین‌های اسلامی، برخی ملت‌ها به‌دلیل داشتن سنت‌های هنری کهن، سهم بیشتری در تعالی و شکوه هنر اسلامی به‌عهده داشتند. ایرانی‌ها نقش اول را در شکوفایی هنر اسلامی به‌عهده گرفتند و انواع هنرهای ایرانی در مصر، ترکیه و خاورمیانه، هند و آسیای مرکزی مورد اقتباس قرار گرفت. هنر شمال افریقا (مراکش) و مصر نیز بر هنر اسلامی تأثیر چشمگیری داشت.

---

۱ــ ایران، عراق، سوریه، آسیای مرکزی

## ● ویژگی‌های هنر اسلامی

تصویر ۲ــ خانه خدا (کعبه)، قبله گاه مسلمین جهان، مکه معظمه

هنر اسلامی پدیده‌ای است که از بطن اسلام متولد شده و تنها با درک دیانت اسلام قابل شناخت است. هنر اسلامی هنری مذهبی و در خدمت نیازهای جامعه و چشم گیرترین جلوه آن هماهنگی اجزای سازنده آن در جزء و کل است. هنر اسلامی با تمام قلمرو وسیع خود پیوسته با روح اسلام سازگاری داشته و بیش از همه در معماری مکان‌های مقدس جلوه‌گر شده است (تصاویر۳ــ۲).

در نظام فکری مسلمانان، همه دست ساخته‌ها و مشاغل، شکلی از هنر هستند و به‌ساخته‌ای خاص و یا به‌کار مشخصی هنر گفته نمی‌شود. در نگاه اسلام زیبایی تجلی حقیقت کلّی و جهانی است و هر دست ساخته‌ای به‌میزانی که صفتی از صفات الهی را آشکار سازد، از کمال و زیبایی برخوردار می‌شود. از دیگر ویژگی‌های هنر اسلامی توجه به نیازهای انسان و بهره‌گیری از مصالح بومی است. تقارن، همچنین استفاده گسترده از نقوش هندسی و گیاهی در تزیینات، پرهیز از طبیعت پردازی و واقع‌گرایی دیده می‌شود (تصویر ۴).

تصویر ۳ــ قبة الصخره، سال ۷۱ هجری، تزیینات سدهٔ ۱۱ هجری، (۱۷ میلادی) فلسطین

تصویر ۴ــ مسجد امام، دوره صفوی، اصفهان

هنر اسلامی تنها به‌معماری و نقاشی محدود نمی‌شود بلکه هنرهای دیگر مانند خوشنویسی، کتاب آرایی، نگارگری، سفالگری، فلز کاری، پارچه‌بافی، شیشه‌گری، قالی بافی، درودگری (نجاری) و ... را نیز در بر می‌گیرد.

# ۱ــ معماری اسلامی

بناهای اسلامی در سرزمین‌های مختلف با توجه به‌شرایط آب و هوایی ــ گرمسیر یا سردسیرــ دارای تفاوت‌های ساختاری و ظاهری هستند اما از نظر کارکرد، مشابه‌اند. معماری مساجد در شهرهای اسلامی نقش اول را دارند و نماد این شهرها تلقی می‌شوند. الگوی اولیه مساجد اسلامی، مسجدالنبی در شهر مدینه است که توسط رسول اکرم (ص) بنا شد. این مسجد دارای طرحی مستطیل شکل شامل حیاط بزرگ و یک سقف سرپوشیده (شبستان) در جهت قبله و تعدادی اتاق در پیرامون حیاط بود. این طرح که به مساجد شبستانی (یا مساجد اولیه اسلامی) شهرت دارد، در تمام سرزمین‌های اسلامی مورد اقتباس قرار گرفت (تصویر۵). در سده‌های اول تا چهارم هجری در اغلب شهرهای جهان اسلام مساجد اغلب به طرح شبستانی ساخته می‌شدند ولی از سده پنجم هجری به بعد به‌تدریج اشکال متنوع تری از مساجد در سرزمین‌های اسلامی ساخته شدند که ساختار آنها بیشتر تابع شرایط اقلیمی و سنت‌های محلی بودند (تصاویر ۶ و۷ و ۸ و ۹ و ۱۰).

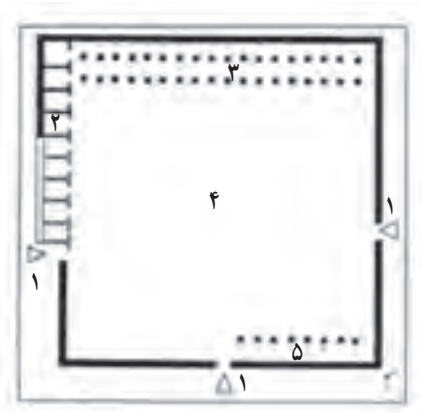


تصویر۵ــ نقشهٔ مسجد حضرت رسول در مدینه، اول هجری
۱ـ ورودی‌ها، ۲ـ اتاق‌های بخش مسکونی، ۳ـ فضای سرپوشیده رو به قبله، ۴ـ حیاط یا میانسر، ۵ـ صفه جهت اقامت یاران و مستمندان

تصویر ۶ــ کاخ الحمرا، گرانادا، اسپانیا،سده ۸ هجری (۱۴ میلادی)

تصویر ۷ــ تاج محل، آرامگاه ممتاز محل همسر شاه جهان، آگرا، هند، اواسط سده ۱۱ هجری (سده ۱۸ میلادی)

تصویر۸ــ منار مسجد سامِرا، سده سوم هجری، عراق

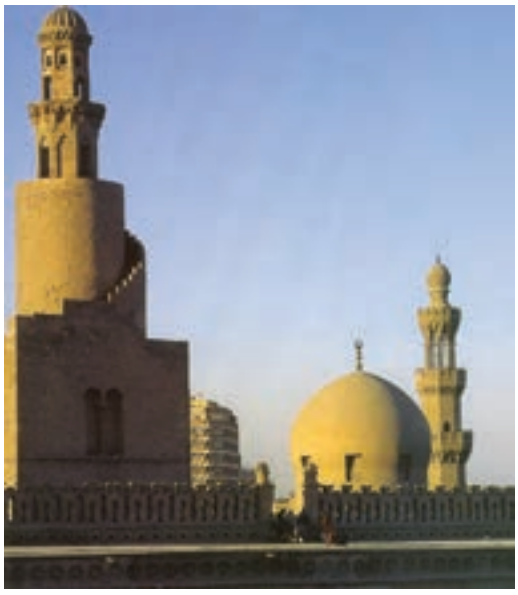

تصویر ۹ــ مسجد ابن طولون در قاهره ساخته شده در ۲۵۹ هجری

تصویر ۱۰ــ ماکت، سبک معماری مساجد عثمانی

در ایران به‌دلیل سنت‌های معماری پیش از اسلام و شرایط اقلیمی، شبستان‌ها گنبددار شدند و چهار ایوان بزرگ نیز در چهار سمت حیاط ایجاد شد. اینگونه مساجد به‌مساجد چهار ایوانی شهرت دارند. زیبایی مساجد اغلب در تزیینات آن جلوه گر شده است. خوشنویسی، کاشیکاری، آجرکاری و گچبری با نقش مایه‌های گیاهی و هندسی از مهمترین آرایه‌های مساجد هستند. دومین گروه از بناهای اسلامی مقابر هستندکه برای بزرگان دین، علم و سیاست ساخته شده‌اند که اغلب گنبددار و از نظر تزیینات بسیار غنی هستند. طرح مدارس همانند مساجد هستند، اما اغلب آنها فاقد گنبد و شبستان هستند. سایر بناها تابع شرایط اقلیمی، سنت‌های قومی و محلی هستند (تصویر ۱۱).

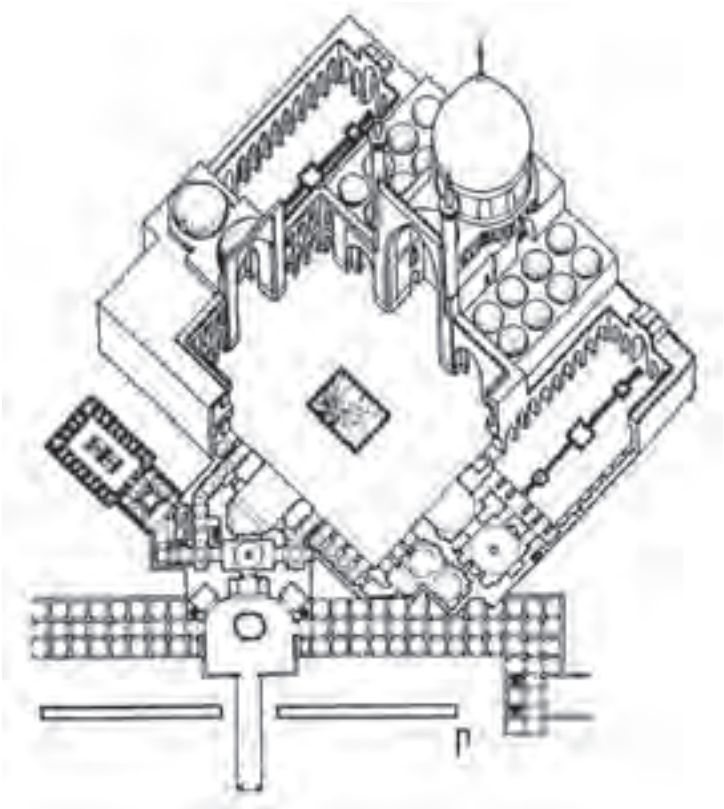

تصویر ۱۱ــ نمایش سه بعدی مسجد چهار ایوانی (مسجد امام اصفهان)

## ۲ــ خوشنویسی

خوشنویسی ممتازترین و شریف‌ترین هنر اسلامی است. قرآن کریم نقش اول را در تعالی این هنر به‌عهده داشت، زیرا قرآن باید با خطی نوشته می‌شد که شایسته آن باشد، کاتبان وحی با سعی و تلاش خوشنویسی را به هنر درجه اول تبدیل کردند (تصویر ۱۲).

یکی از ویژگی هنرهای اسلامی استفاده از خط در همه دست ساخته‌ها است. هنرمندان عبارات مذهبی و غیر مذهبی را با زیبایی هرچه تمامتر روی آثار مختلف می‌نوشتند. یکی از جذابیت‌های خوشنویسی مسلمانان تنوع خطوط آنها است. خط‌های کوفی، نسخ، ثُلث و نستعلیق بیشترین رواج را داشت و خوشنویسان ایرانی در طراحی و تنوع خطوط سهم بیشتری داشتند (تصاویر۱۳ تا ۱۴).

تصویر ۱۲ــ یک صفحه قرآن به خط کوفی مغربی(مراکشی)، روی پوست، سوره بقره، آیه۷۴، خط علی بن وزّاق سده پنجم هجری، موزه قیروان، تونس

تصویر۱۳ــ یک صفحه قرآن به خط ثلث، خط احمد بن سهروردی، اوایل سده هشتم هجری (دوره ایلخانی)، موزه ملی ایران

تصویر ۱۴ــ یک قطعه خط نستعلیق، خط مالک دیلمی، دوره صفوی

## ۳ــ کتاب آرایی

تأکید قرآن بر خواندن و نوشتن سبب توجه مردم به کتاب و کتاب آرایی شد. در نزد مسلمانان، کتاب تنها وسیله انتقال اندیشه نبود، بلکه نشر کتاب سبب شکل‌گیری هنر جلد سازی، کاغذسازی، تذهیب، خوشنویسی، نگارگری و آرایش صفحات شد (تصویر۱۵). بسیاری از کتاب‌ها دارای سرلوح، جدول، نقش‌های رنگین و زرّین، و تزیینات گوناگون بودند. جلدسازان نیز برای کتاب‌ها جلدهای نفیسی چون ضربی(تصویر۱۶)، سوخت و روغنی(لاکی) می‌ساختند. در سده نهم هجری

(پانزدهم میلادی) جلدهای ایرانی به اروپا رسید و جلد سازی اروپا را تحت تأثیر قرار داد و جلدهایی با نقش‌های ایرانی ساخته شد.

تصویر۱۵ــ صفحه آرایی کتاب، یزد، سده نهم هجری

تصویر ۱۶ــ جلد ضربی. ایران، جلد کتاب مهر و مشتری، سده نهم هجری. موزه توپ کاپی، استانبول

## ۴ــ نگارگری (نقاشی)

در اواخر سدهٔ دوم هجری نهضت ترجمه با مرکزیت بغداد شکل گرفت و کتاب‌های زیادی از پهلوی ساسانی، یونانی، مصری و هندی به عربی ترجمه شد. در میان آنها کتاب‌های مصور علمی چون گیاه‌شناسی، جانورشناسی، ستاره‌شناسی که مصوّر بودند نیز وجود داشت. این کتاب‌های مصوّر عامل توجهٔ مسلمانان به تصویرسازی کتاب شد متأسفانه تا سده ششم هجری غیر از قرآن به‌ندرت کتابی باقی‌مانده است. اما کتاب‌های باقی مانده از اوایل سدهٔ هفتم هجری به بعد نشانگر توجه به مصوّرسازی کتاب‌های علمی در پایتخت‌های جهان اسلام (قاهره، بغداد، دمشق، تبریز، شیراز، هرات و ...) است (تصویر ۱۷).

از اواخر دوره سلجوقی به بعد، تصویر سازی کتاب (نگارگری) در ایران مورد اقبال بیشتری قرار گرفت. ادبیات ایران به‌دلیل جذابیت‌های داستانی، نقش مهمی در رواج نگارگری داشت و کم‌کم مصوّر سازی کتاب‌های ادبی مورد توجه قرار گرفت. کتاب‌های شاهنامه فردوسی، پنج گنج نظامی، بوستان و گلستان سعدی، کلیله و دمنه و بعضی از کتاب‌های تاریخی، علمی و مذهبی به زمینهٔ

تصویر۱۷ــ صورت فلکی قنطورس، کتاب عجایب المخلوقات قزوینی، مکتب بغداد، سده هشتم هجری

هنرنمایی نگارگران تبدیل شد و در پی این علاقمندی مکاتب نگارگری سلجوقی، ایلخانی (مکتب اول تبریز و شیراز)، تیموری (هرات، شیراز)، صفوی (مکتب دوم تبریز، قزوین، اصفهان) و زند و قاجار به‌وجود آمد. نگاره‌های عهد سلجوقی کوچک اندازه و تزیینی بودند و در وسط صفحه‌ها نقش می‌شدند (تصویر۱۸).

در دوره‌های پس از سلجوقی کم‌کم در نگارگری ایرانی مضامین اجتماعی و زندگی روزمره مردم وارد شد. نمایش جزئیات، تقارن عناصر، هماهنگی خط و نقاشی و استفادهٔ علمی از رنگ مانند به‌کارگیری رنگ آبی برای آسمان، قرمز و نارنجی برای زمینه رواج یافت. همچنین تنوع در طراحی پیکرها به طبیعت‌گرایی در طراحی حیوانات، درختان، گل و بوته‌ها اوج گرفت. در دورهٔ صفوی نیز شاهد رواج تک چهره‌سازی توسط هنرمندانی همچون رضا عباسی هستیم (تصویر ۱۹ تا ۲۱).

تصویر ۱۸ــ منظومه ورقه و گلشاه، مکتب سلجوقی، اوایل سده هفتم هجری، موزه توپ‌کاپی، استانبول

تصویر ۱۹ــ فرار یوسف از نزد زلیخا، مکتب هرات، بوستان سعدی، اثر بهزاد، سدهٔ ۹ هجری

تصویر ۲۰ــ بازی گوی و چوگان، مکتب تبریز، کتاب گوی و چوگان، منسوب به مظفر علی، اوایل سده دهم هجری

تصویر ۲۱ــ مکتب اصفهان ، یک قطعه نقاشی، جوان نشسته، اثر آقا رضا

برخی از هنرمندان دوره صفوی در دربار عثمانی (ترکیه) و مغولی هند حضور یافتند. در این زمان مصور سازی کتاب به تقلید از کتاب‌های مصور ایرانی مورد توجه قرار گرفت و آثار با ارزشی در زمینه‌های مختلف مصور شد. هنرمندان ایرانی در شکل‌گیری مکتب نگارگری عثمانی و مغولی هند، نقش مهمی داشتند (تصاویر ۲۲ و ۲۳).

تصویر ۲۲ــ مکتب مغولی هند، دختری با شاخه گل، از یک مرقع، اندازه ۱۴/۴ در ۹/۷ سانتی متر، سده یازدهم، مجموعه خلیلی، لندن

تصویر ۲۳ــ مکتب عثمانی ،اثر محمد امیر شاه، کلاس درس در مدرسه غضنفر آقا در استانبول ، سده یازدهم هجری

## ۵ــ سفالگری

با شروع دوره اسلامی، هنر سفالگری، به ویژه ساخت سفالینه‌های لعاب دار رونق گرفت. شهرهای مصر، سوریه، عراق و ایران به‌مراکز تولید ظروف سفالی تبدیل شدند. تحریم استفاده از ظروف طلا و نقره و ورود ظروف چینی ساخت کشور چین به‌سرزمین‌های اسلامی نیز سبب تحرّک این هنر شد. سفال‌سازان برای بهبود کار خویش بسیار تلاش کردند و ظروفی را با لعاب‌ها و نقش‌های بس‌زیبا خلق کنند که تا امروز همتا ندارد. سفالینه‌های لعابی، مینایی و زرین فام شهرهای نیشابور، کاشان، ری و ... بی‌رقیب بود (تصاویر۲۴ تا ۲۶).

تصویر ۲۴ــ بشقاب با نقش پرنده، سوریه یا مصر، سده هفتم هجری، موزه ارمیتاژ

تصویر ۲۵ ــ بشقاب سفالی، خط نوشته کوفی ایران، نیشابور، سده ۳ یا ۴ هجری

تصویر ۲۶ــ بشقاب سده دهم هجری، آزنیک، ترکیه

## ۶ــ فلز کاری

تولید اشیای فلزی در اغلب شهرهای جهان اسلام رواج داشت. دست آفریده‌های فلزی شهرهای ایران، مصر، سوریه و ترکیه از شهرت زیادی برخوردار هستند. هنرمندان مسلمان توجه خاصی به تنوع شکل و تزیین اشیاء داشتند. در میان اشیای فلزی، ساخت ظروف و لوازم خانگی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بودند. به‌دلیل تحریم استفاده از طلا و نقره، آثار فلزی اغلب با مفرغ، برنج و مس ساخته می‌شدند. زیبایی اشیای فلزی تنها در تنوع شکل آنها نیست بلکه تزیینات آنها چشمگیر است. فلزکاران انواع نقش‌های هندسی، گیاهی، برج‌های دوازده‌گانه، صحنه‌های رزم، بزم و شکار را به‌روش قلمزنی ایجاد می‌کردند. علاوه بر این گاهی با نوشته، سیاه قلمکاری، میناکاری، ترصیع و زراندود زیبایی آنها را صد چندان می‌کردند (تصاویر۲۷ و ۲۸).

تصویر ۲۷ــ بخور سوز مفرغی، ایران. سده پنجم هجری، موزه ارمیتاژ

تصویر ۲۸ــ قلمدان برنجی، ساخت موصل، سده هفتم هجری. موزه ارمیتاژ

## ۷ــ شیشه گری

شیشه‌گری نیز از فنون و هنرهای دورهٔ اسلامی است که به‌ویژه در دورهٔ سلجوقی با الگوبرداری از شیشه‌گری دورهٔ ساسانی و مراکز شیشه‌گری در سوریه و سایر کشورهای حوزهٔ مدیترانهٔ شرقی شکوفا بوده است. ظروف شیشه‌ای در اشکال و با تزیینات گوناگون و رنگ‌های متنوع ساخته می‌شد و مراکزی چون گرگان، نیشابور، ری و بندر سیراف در استان هرمزگان در ایران و برخی شهرها درکشورهای میانرودان (عراق امروزی)، سوریه و مصر از مراکز مهم و عمدهٔ شیشه‌گری کشورهای اسلامی بودند (تصاویر۲۹ و ۳۰).

تصویر ۲۹ــ تنگ شیشه‌ای، ایران، نیشابور، سده ۶ هجری

تصویر ۳۰ــ قندیل (چراغ سقفی) ، سده ۸ هجری ، دوره مملوک، موزه هنر متروپولیتن نیویورک

## ۸ــ پارچه بافی

پارچه بافی پیشرفته‌ترین هنر و صنعت مسلمانان بود. زیبایی پارچه‌های مسلمانان در رنگ‌های متنوع، درخشان و نقش‌های دلنشین آنها بود. طرح‌ها و نقوش پارچه‌های اسلامی همواره مورد تقلید اروپای قرون وسطی بود. پارچه‌ها با انواع نقش مایه‌های هندسی، گیاهی، جانوری و حتی صحنه‌های مجالس کتاب‌های ادبی و خط نوشته آراسته می‌شدند. شهرهایی در مصر، ایران، آسیای مرکزی (تصویر۳۱) و ترکیه سرآمد این فن بودند. پارچه‌های زربفت، مخمل و قلمکارهای عهد صفوی در جهان همتا ندارند (تصویر ۳۲).

تصویر ۳۱ــ پارچه، ابریشم ــ کتان، آسیای مرکزی (ازبکستان)، سده ۱۹ هجری

تصویر ۳۲ــ پارچه مخمل و زربفت، سده ۱۱، دوره صفوی، موزه توپ‌کاپی

## ۹ــ قالی بافی

در برخی از سرزمین‌های اسلامی مانند ایران، افغانستان، ترکمنستان و ترکیه قالی‌بافی هنر پر ارجی محسوب می‌شود. اما قالی‌های ایرانی از جایگاه ویژه‌ای در جهان برخوردار است. زیبایی قالی‌های دوره اسلامی در نقش‌های متنوع و رنگ‌های زیبا و موزون آنها است. بعضی از قالی‌های عهد صفوی جزء شاهکارهای هنری جهان محسوب می‌شوند. یکی از معروف‌ترین آنها قالی اردبیل کار مقصود کاشانی از سده دهم هجری است (تصویر۳۳).

تصویر ۳۳ــ ترنج قالی اردبیل، بافنده : مقصود کاشانی

## مطالعه آزاد

**جدول سلسله‌های دوره اسلامی ایران**

| قاجار | زند و افشار | صفوی | تیموری | ایلخانی | سلجوقی | آل زیار | آل بویه | سامانی | حکام بنی امیه و بنی‌عباس در ایران |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱۳۴۵ـ ۱۲۱۰ | ۱۲۰۹ـ ۱۱۴۸ | ۱۱۳۵ـ ۹۰۶ | ۹۰۳ـ ۷۷۱ | ۷۳۶ـ ۶۵۴ | ۵۹۰ـ ۴۲۹ | ۴۶۲ـ ۳۱۵ | ۴۴۰ـ ۳۲۰ | ۳۸۹ـ ۲۶۱ | ۲۶۱ـ۴۰ هجری قمری |

**جدول سلسله‌های اسلامی مصر**

| دوره جمهوری | سلسله محمد علی پاشا | عثمانی | مملوک | ایوبی | خلفای فاطمی | ابن طولون | حکام بنی‌امیه و بنی‌عباس |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۲۰۱۳ـ۱۹۵۳ میلادی | ۱۳۷۲ـ۱۲۱۲ هجری (۱۹۵۳ـ ۱۷۹۸ میلادی) | ۱۲۱۲ـ۹۲۲ هجری قمری | ۹۲۲ـ۶۴۸ هجری قمری | ۶۴۸ـ۵۶۴ هجری قمری | ۵۶۷ـ۲۹۷ هجری قمری | ۲۹۲ـ۲۵۴ | ۲۵۴ـ۴۰ هجری قمری |

**جدول سلسله‌های اسلامی اندلس (اسپانیا)**

| بنی نصر یا بنی احمر | موحدون | مرابطون | ملوک‌الطوایف | امویان اندلس |
|---|---|---|---|---|
| ۸۹۸ـ۶۳۵ هجری قمری | ۶۴۶ـ۵۴۱ هجری قمری | ۵۲۴ـ۴۷۹ هجری قمری | ۴۹۷ـ۴۲۲ هجری قمری | ۴۲۲ـ۱۳۸ هجری قمری |

**جدول سلسله‌های مهم حاکم بر آسیای صغیر (ترکیه)**

| جمهوری | عثمانی | سلاجقه رم |
|---|---|---|
| ۲۰۱۳ـ۱۹۲۳ میلادی | ۱۳۴۲ـ۷۰۰ هجری قمری | ۷۰۰ـ۴۷۰ هجری قمری |

## ارزشیابی

۱ــ عامل پیوند دهنده جهان اسلام چه بود؟

۲ــ هنر اسلامی دارای چه ویژگی‌هایی است؟

۳ــ مسجد النبی دارای چه ساختاری بود؟

۴ــ ساخت چه بناهایی مورد توجه مسلمانان بود؟ چند نمونه مشهور را نام ببرید.

۵ــ اهمیت خوشنویسی در دوره اسلامی چه بود و چه کاربردی داشت؟

۶ــ چه عاملی سبب مصورسازی کتاب شد؟

۷ــ آغاز نگارگری در دورهٔ اسلامی چگونه بود و در دوره‌های بعدی چه ویژگی‌هایی پیدا کرد؟

۸ــ چه عاملی باعث تحرک سفال‌گری شد؟

۹ــ اشیای فلزی دوره اسلامی دارای چه تزییناتی بودند؟ و بیشتر جنس فلزات آنها چه بود؟

۱۰ــ چه شهرهایی مراکز عمده تولید اشیای شیشه‌ای در دوره اسلامی بودند؟

۱۱ــ جاهای خالی در جدول زیر را متناسب با عنوان آن پر کنید.

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| **هنر پارچه‌بافی** | ویژگی : پیشرفته‌ترین هنر مسلمانان و مورد تقلید اروپا | مناطق مهم : | طرح و نقش : | رنگ‌ها : متنوع و درخشان | اثر شاخص : مخمل، زربفت و قلمکار |
| **هنر معماری** | ویژگی : | در ایران : چهار ایوانی | تزئینات : | ویژگی مقابر : | الگوی اولیه : مسجدالنبی |
| **هنر سفالگری** | ویژگی : | علت تحرک : | کشورها : | انواع : | شهرهای بی‌رقیب : |
| **هنر خوشنویسی** | جایگاه : | کاربرد : همهٔ دست‌ساخته‌ها | انواع : | بیشترین سهم : ایرانیان | اثر شاخص : قرآن کریم |
| **هنر نگارگری** | آغاز : مصورسازی کتاب‌های علمی | کاربرد : | گسترش : عثمانی و مغولی هند | مضامین : | رضا عباسی : |

۱۲ــ چه عواملی در زیبایی هنر قالی بافی نقش دارند؟

# فصل یازدهم

## صدر مسیحیت و بیزانس

**هدف‌های رفتاری** : پس از پایان این فصل از دانش‌آموز انتظار می‌رود که بتواند :

۱ــ سنت‌های هنری شکل دهندهٔ هنر مسیحی را نام ببرد.

۲ــ هنر صدر مسیحیت را شرح دهد.

۳ــ مقبره‌های صدر مسیحیت را شرح دهد.

۴ــ شکل نخستین ساختمان کلیسا ( بازیلیکا) را شرح دهد.

۵ــ ویژگی هنر بیزانس را شرح دهد.

۶ــ دوره‌های مختلف هنر بیزانس را نام ببرد.

۷ــ خصوصیات کلیساهای نخستین عصر طلایی را توضیح دهد.

۸ــ ویژگی شمایل نگاری عصر دوم طلایی هنر بیزانس را با ذکر مثال شرح دهد.

۹ــ ویژگی نقاشی عصر سوم طلایی را توضیح دهد.

# هنر مسیحی

ظهور دیانت مسیح و رواج تدریجی آن در بخش‌هایی از خاورمیانه و اروپا سبب شکل‌گیری سبک‌های هنری مختلفی شد. هنر مسیحی، هنری مذهبی و مرکز ثقل آن کلیسا است و نمود این هنر بیش از هر چیز در کلیساها به ویژه در اروپا تجلی یافته است. با رواج این آیین در سرزمین‌های یونانی و رومی، به‌تدریج یونانی‌ها و رومی‌ها نقش رهبری دیانت مسیح را به‌عهده گرفتند و هنری را پایه‌گذاری کردند که در آن سنت‌های هنری یونانی، رومی و عناصری از میراث‌های شرقی (ایران، سوریه، آناتولی و میانرودان) با هم ادغام شد و در شکل معماری کلیساها و هنرهای وابسته آن به‌ویژه شمایل نگاری[1] تجلی یافت.

## ۱ــ هنر صدر مسیحیت

هنر صدر مسیحیت به دورهٔ شکل‌گیری هنر مسیحی در فاصله سده‌های سوم تا ششم میلادی در مناطقی که جز قلمرو امپراتوری روم بودند، گفته می‌شود. بعد از گذشت دویست سال از تاریخ ظهور دیانت مسیح، پیروان آن در روم و سرزمین‌های تابع آن (فلسطین، سوریه، آناتولی، مصر، یونان و...) پرشمار شده بودند. رومی‌ها از همان آغاز با این دین تازه مخالف بودند و مخالفت آنها تا زمان امپراتوری کنستانتین[2] که دیانت مسیح را پذیرفت، ادامه داشت.

از سدهٔ سوم میلادی به بعد مقبره‌هایی به شکل اتاق‌هایی که توسط مسیحیان در داخل زمین کنده شده، به‌دست آمده است. در داخل اتاق‌ها، تاقچه‌هایی برای قرار دادن تابوت‌های سنگی ایجاد می‌کردند و فضای دیگری را نیز به نمازخانه اختصاص می‌دادند. این مقبره‌ها به مقابر دخمه‌ای یا کاتاکومب[3] شهرت دارند. نخستین آثار تصویری مسیحی که بیانگر اعتقادات آنها بود، در همین مقبره‌ها و نمازخانه‌ها یافت شده‌اند. این نقاشی‌ها از لحاظ طرح و اجرا نسبت به‌نقاشی‌های رومی ضعیف‌تر هستند (تصویر ۱). در این نقاشی‌ها صحنه‌هایی از زندگی حضرت مسیح (ع) همچون مادرش حضرت مریم، مسیح کودک و... و نقش‌های نمادین (مسیحی) چون چوپان نیکوکار، طاوس (نشانه جاودانگی)، کبوتر (نماد روح) و لنگر (نشانه امید)، نشان داده می‌شد.

در سال ۳۲۳ میلادی کنستانتین (قسطنطین) امپراتور روم که مسیحی شده بود، پایتخت خود را از شهر روم به شهر یونانی بیزانس (شهر استانبول کنونی) انتقال داد. از این تاریخ به بعد این شهر به‌نام کنستانتینوپل[4] (قسطنطنیه) معروف شد و باعث اعتبار ایالات شرقی گردید و شهر بیزانس به‌عنوان مرکز و مظهر ایمان کشور روم به‌ایفای نقش پرداخت. کنستانتین همه منابع خود را در جهت رونق دیانت مسیح به‌کار گرفت و در مدت کوتاهی تعداد قابل‌توجهی کلیسا را در شهرهای مختلف بر پا کرد. او نوعی ساختمان که در معماری رومی باسیلیکا (به‌معنی تالار دراز) نام داشت را برای کلیسا مناسب

---

۱ــ شمایل نگاری نوعی نقاشی از شخصیت‌های مذهبی است.

۲ــ Constantine

۳ــ Catacomb

۴ــ Constantinople

یافت. وی با اندک تغییری در نقشهٔ آن نخستین نمونه کلیسا را به‌نام سان پی‌یترو[1] در شهر روم بنا کرد. به این ترتیب معماری کلیسا شکل گرفت و این ساختمان به‌عنوان الگوی کلیساهای بعدی در اروپای غربی پذیرفته شد (تصویر۲).

تصویر ۱ــ نقاشی دیواری دو روحانی، مقبرهٔ دخمه‌ای، سدهٔ ۵ میلادی، ناپل، ایتالیا

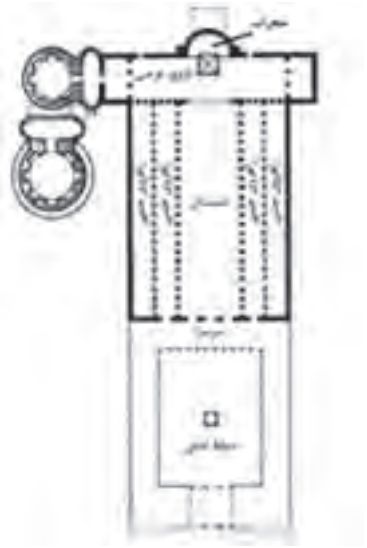

تصویر ۲ ــ نقشه کلیسای سان پی یترو در شهر روم

## ۲ــ هنر بیزانس(هنر مسیحی روم شرقی)

هنر بیزانس هنری مذهبی، رمزگرا و رسمی است، که ریشه در شرق دارد. شکل‌گیری هنر بیزانس با اقدامات ژوستی نین[2] در سده ششم میلادی همراه است. اگرچه مقدمات آن از زمان کنستانتین شروع شده بود، اما پس از مرگ او به‌دلیل اختلاف بر سر رهبری جهان مسیحیت، امپراتوری روم به دو شاخه روم شرقی (بیزانس) و روم غربی تقسیم شد. در سده ششم میلادی روم غربی در اثر هجوم اقوام اروپای شمالی از هم پاشید، اما بیزانس از این حملات در امان ماند و در زمان ژوستی نین به‌اوج قدرت رسید. وی نه تنها در روم شرقی قدرت خود را استحکام بخشید، بلکه بر بخش‌هایی از ایتالیا نیز مسلط شد و شهر راونا[3] را به‌عنوان مرکز قدرت خود در روم غربی انتخاب کرد. هنر بیزانس تنها محدود به‌روم شرقی نبود بلکه همواره دستاوردهای آن در اروپای غربی نیز مورد تقلید قرار می‌گرفت. مورخان هنر بیزانس را به سه دوره تقسیم می‌کنند.

● **نخستین عصر طلایی** : نخستین عصر طلایی هنر بیزانس در زمان ژوستی نین شکل گرفت. در این دوره هنر یونانی ــ رومی با عناصر میراث‌های شرقی (ایران وسوریه) به‌خوبی تلفیق شد که حاصل آن دو کلیسای عظیم ایاصوفیه[4] در کنستانتینوپل و کلیسای **سن ویتاله**[5] در شهر راونا در ایتالیا است.

---

۱ــ Saint Pietro

۲ــ Justinian

۳ــ Ravenna

۴ــ ایاصوفیه ابتدا به‌نام سانتاصوفیا به معنی خرد مقدس بوده است.

۵ــ Saint Vitale

این کلیساها دارای نقشه متمرکز، گنبددار و دارای ظاهری ساده و درونی پرتجمل هستند. کلیسای ایاصوفیه[1] دارای صحن مستطیل شکل است و گنبد عظیمی دارد. این بنا به‌دلیل ابعاد بزرگ آن یکی از شاهکارهای معماری آن دوره است (تصویر ۳ و ۴). کلیسای سن ویتاله نیز دارای نقشه‌ای هشت ضلعی متراکم و گنبددار است (تصویر ۵ و ۶). کلیساهای گنبد دار به عنوان الگو در قلمرو بیزانس (یونان و اروپای شرقی و غربی) رواج یافت.

تصویر ۳ــ کلیسای ایاصوفیه، سده ششم میلادی، استانبول

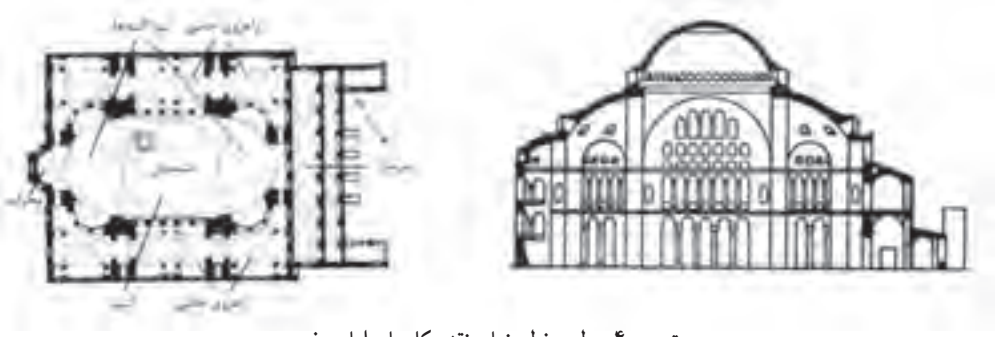

تصویر۴ــ طرح خطی نما و نقشه کلیسای ایاصوفیه

تصویر ۵ ــ کلیسای سن ویتاله، سده ششم میلادی، راونا، ایتالیا

تصویر ۶ــ طرح خطی نقشه و نمای کلیسای سن ویتاله

۱ــ این بنا در دوره عثمانی‌ها به مسجد تبدیل و چهار مناره به آن افزوده شد و اکنون به عنوان موزه مورد استفاده است.

هر دو کلیسا دارای تزیینات غنی به‌ویژه نقاشی موزاییک هستند ( تصویر ۷). نقاشی‌های موزاییکی این کلیسا خانواده ژوستی نین و همراهانش را نشان می‌دهد. در این نقاشی شخصیت‌ها دارای قد بلند، ظریف و لاغر، با وقار و باچشمانی درشت هستند(تصاویر۷ و ۸).

تصویر ۷ــ بخشی از صحن کلیسای سن ویتاله راونا، سده ششم میلادی

تصویر ۸ــ ژوستی نین و ملازمان، نقاشی موزاییک، سده ششم میلادی، کلیسای سن ویتاله، راونا

● **دومین عصر طلایی** : در سده‌های هشتم و نهم میلادی گروهی از مسیحیان با شمایل‌نگاری به‌مخالفت برخاستند و تمثال‌ها را یادآور بت‌پرستی شمرده و باعث رکود و توقف هنر شمایل‌نگاری شدند. این توقف، زمینه را برای گسترش تزیینات هندسی و گیاهی آماده کرد. اما از اواسط سدهٔ نهم میلادی به بعد، مجدداً شمایل نگاری در بیزانس و اروپای غربی شکوفا گردید و **دومین عصر طلایی** هنر بیزانس شکل گرفت. در این دوره طبیعت‌گرایی و اسطوره‌گرایی هنر باستانی یونان (دورهٔ کلاسیک) همراه با جنبه‌های نمایشی، عاطفی و ایجاد حس رنج و همدردی در تماشاگر در نقاشی‌های موزاییک و نقاشی‌های دیواری مورد توجه قرار گرفت (تصویر ۹). ساخت کلیساهای چلیپایی یونانی (طول و عرض برابر) و استفاده از نقش مایه‌های اسلامی نیز در این زمان رواج یافت.

● **سومین عصر طلایی** : در دو قرن پایانی امپراتوری بیزانس ( سده ۱۴ــ۱۲میلادی)، «**سومین عصر طلایی**» هنر بیزانس شکل گرفت. در این دوره، نقاشی دیواری و نقاشی روی چوب جایگزین نقاشی موزاییک شد. بیان عاطفی، تحرک و پویایی، نمایش چهره و حجم‌پردازی با مهارت‌استادانه در نقاشی‌ها از ویژگی‌های این دوره به‌شمار می‌رود (تصاویر ۱۰ و ۱۱). هنر بیزانس تنها محدود به معماری و نقاشی کلیسایی نبود، بلکه در مصورسازی کتاب مقدس (تصویر۱۲) و سایر مصنوعات نیز آثار با ارزشی خلق شدند. با تصرف شهر کنستانتینوپل در سال ۱۴۵۳ میلادی

توسط عثمانی‌ها عمر حکومت بیزانس به‌سرآمد، اما سنت‌های هنری آن تا مدتی در اروپا تداوم داشت.

تصویر۹ــ نقاشی موزاییک، بخشی از نقاشی، کلیسای دیر دافنی[1]، سده ۱۱ میلادی، یونان

تصویر ۱۰ــ نقاشی موزاییک، بخشی از نقاشی، حضرت عیسی (ع)، سده ۱۳ میلادی، کلیسای ایاصوفیه، استانبول

تصویر۱۱ــ نقاشی دیواری، رستاخیز، ۱۳۲۱ ــ ۱۳۱۵ میلادی، محراب کلیسای چورا، استانبول

تصویر ۱۲ــ تصویر سازی کتاب مقدس، یوسف و برادرانش در مقابل یعقوب، سده ششم میلادی

۱ــ Daphni

جدول دوره‌های هنر صدر مسیحیت و بیزانس

| صدر مسیحیت | هنر بیزانس | | |
|---|---|---|---|
| | نخستین عصر طلایی | دومین عصر طلایی | سومین عصر طلایی |
| ۲۰۰ـ۵۰۰ میلادی | ۵۲۷ـ۵۶۵ | ۸۵۰ـ۱۲۰۰ | ۱۲۰۰ـ۱۴۰۰ |

## ارزشیابی

۱ـ چه سنت‌هایی در شکل‌گیری هنر مسیحی دخالت داشتند؟
۲ـ مهمترین مکان هنر مسیحی چه نام داشت؟
۳ـ مقبره‌های صدر مسیحیت چگونه ساخته می‌شدند؟
۴ـ نقاشی‌های صدر مسیحیت دارای چه خصوصیاتی بودند؟
۵ـ نقش‌های نمادین چه نوع نقش‌هایی بودند؟
۶ـ کنستانتین چگونه ساختمانی را برای کلیسا انتخاب کرد؟
۷ـ هنر بیزانس دارای چه خصوصیاتی بود؟
۸ـ دوره‌های مختلف هنر بیزانس را نام ببرید.
۹ـ کلیساهای نخستین عصر طلایی دارای چه ساختاری بودند؟
۱۰ـ جاهای خالی جدول زیر را متناسب با عنوان مربوطه پر کنید.

| هنر بیزانس | ویژگی معماری | آثار برجسته معماری | تزیینات معماری | ویژگی نقاشی | تأثیرپذیری |
|---|---|---|---|---|---|
| عصر اول طلایی | نقشه متمرکز گنبددار صحن مستطیل شکل | | نقاشی و موزائیک | | هنر یونانی، رومی با عناصر میراث شرقی |
| عصر دوم طلایی | | | | طبیعت‌گرایی، اسطوره گرایی جنبه‌های نمایش عاطفی، حس رنج و همدردی | |

۱۱ـ ویژگی هنر سومین عصر طلایی را شرح دهید.

# فصل دوازدهم

# هنر اروپای غربی قرون وسطا

**هدف‌های رفتاری** : پس از پایان این فصل از دانش آموز انتظار می‌رود که بتواند :

۱ــ ویژگی‌های هنر قرون وسطای پیشین را توضیح دهد.
۲ــ وجه تمایز هنر رُمانسک را با دوره‌های گذشته شرح دهد.
۳ــ ویژگی‌های معماری و نقاشی رُمانسک را شرح دهد.
۴ــ ویژگی‌های معماری گوتیک را شرح دهد.
۵ــ نور و شیشه را در معماری گوتیک توضیح دهد.
۶ــ تندیس‌سازی و حجاری دوره گوتیک را شرح دهد.
۷ــ ویژگی‌های نقاشی دوره گوتیک را توضیح دهد.

قرون وسطا (سده‌های میانه) اصطلاحی است که در گذشته برای یک دوره از تاریخ اروپای غربی از سده پنجم تا میانهٔ سده پانزدهم میلادی یعنی تا آغاز دورهٔ رنسانس[۱] به کار برده می شد و به عصر تاریک یا جهل و بی‌خبری نیز معروف بود. اما اکنون عصر تاریک تنها به سده‌های ۷ و ۸ میلادی محدود می‌شود. امروزه قرون وسطا به‌عصر ایمان شهرت یافته است. هنر قرون وسطا یا عصر ایمان به قرون وسطای پیشین، رومانسک[۲] و گوتیک[۳] تقسیم می‌شود.

## ۱ــ هنر قرون وسطای پیشین

بعد از مرگ ژوستی نین، بیزانس سلطه نسبی خود را بر اروپای غربی یا روم غربی از دست داد. این سرزمین بر اثر مهاجرت اقوام مختلف اروپایی[۴] فرو پاشید و تکه‌تکه شد و مهاجرین بر اروپای غربی

---

۱ــ Renaissance
۲ــ Romanesque
۳ــ Gothic
۴ــ سلتی ــ ژرمنی (Celtic– German)

تصویر ۱ــ هنر اقوام مهاجر، سر جانور، کنده‌کاری روی چوب، نروژ ، ارتفاع ۵۱ سانتی‌متر، حدود سال ۸۲۰ میلادی، موزه دانشگاه اسلو

مسلط شدند و هنری را با خود آوردند که می‌توان آن را شیوه جانورنگاری نامید. این هنر از بسیاری جهات با هنر اشیای مفرغی لرستان و طلاکاری سکاها[۱] (اقوام ایرانی ساکن جنوب سیبری) مشابه است که موجودات را به‌شکل نقش‌های هندسی و تزیینی نشان می‌دادند و به‌طبیعت‌گرایی توجه نداشتند (تصویر۱). این اقوام مهاجر پس از استقرار، سلسله‌های مختلفی را در اروپای غربی[۲] تأسیس کردند. شاهان این سلسله‌ها با بهره‌گیری از معماری بیزانس و عناصِری از معماری اسلامی[۳] اقدام به ساخت کلیساهای متعددی در نقاط مختلف اروپا به‌ویژه آلمان کردند. اغلب این کلیساها در دوره رومانسک بازسازی شدند و جای خود را به کلیساهای جدید دادند. ایشان همچنین در مصور سازی کتاب‌های مذهبی کوشا بودند (تصویر ۲).

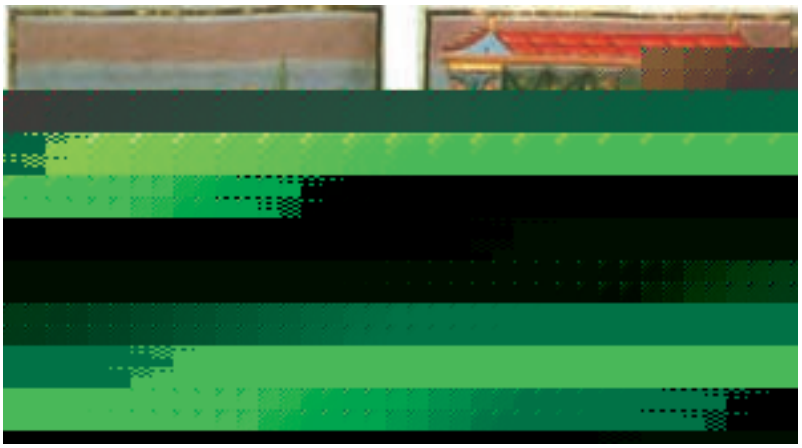

تصویر ۲ــ انجیل، اتوی سوم بر تخت، سال ۱۰۰۱ ــ ۹۹۸ میلادی

## ۲ــ رومانسک (هنر رومی‌وار)

رومانسک یا هنر رومی‌وار شیوه‌ای در معماری کلیسایی با مرکزیت ایتالیا در اروپای غربی در قرون وسطا در سده‌های ۱۱ و ۱۲ میلادی است که به‌دلیل شباهت بعضی از عناصر آن با معماری روم باستان به آن رومی‌وار می‌گویند (تصویر۳).

آنچه معماری رومی‌وار را از سده‌های پیشین متمایز می‌کند، افزایش تعداد کلیساها در نقاط مختلف اروپای غربی است. این معماری کلیسایی با تاق رومی[۴]، استخوان‌بندی سنگین (دیوارهای قطور) و استفاده از مصالح سنگ و آجر با نقشه چلیپایی و ساخت برج‌های بلند کلیسا مشخص

---

۱ــ Scythians

۲ــ اروپای غربی : آلمان، فرانسه و ایتالیا

۳ــ مسلمانان در سده‌های ۹ ــ ۱۱ میلادی بر جنوب ایتالیا و اسپانیا مسلط بودند و اروپایی‌ها در این مناطق با معماری اسلامی آشنا شدند.

۴ــ تاق هلالی یا گهواره‌ای و نیم‌دایره‌ای را رومی می‌نامند.

در شکل کلیساهای بزرگ و پُرتجمل بروز کرد. مشخصه معماری گوتیک ارتفاع بلند، برج‌های مخروطی، استفاده از تاق‌های جناغی، اسکلت سبک، استفاده گسترده از پنجره‌های بلند و متنوع و نصب شیشه‌های منقوش در پنجره‌ها و نورگیرها بود. البته معماری گوتیک یک ابداع تازه نبود بلکه حاصل تحول معماری رومانسک بود. معماری گوتیک تنها به‌کلیساها محدود نمی‌شد بلکه شامل انواع دیگری از ساختمان‌ها مانند دژها، کاخ‌ها، ساختمان‌های شهری و بیمارستان‌ها نیز می‌شد (تصاویر ۱۰ تا ۱۲).

**تصویر ۱۰ــ نمای غربی کلیسای سن دنی (Saint Dennis)، حدود سال ۱۱۴۰ ــ پاریس۱۱۳۷**

**تصویر۱۱ــ نمای غربی کلیسای نوتردام (Notre Dane)، ۱۱۹۴ میلادی، پاریس**

**تصویر ۱۲ــ کلیسای جامع فلورانس، حدود ۱۲۹۶، ایتالیا (ساخت گنبد در دوره رنسانس)**

## ● نور و شیشه

یکی از نوآوری‌های معماری گوتیگ ایجاد پنجره‌های بزرگ با شیشه‌های رنگی در دیوارهای جانبی کلیساها بود که جای نقاشی‌های دیواری را گرفت. روی این شیشه‌ها تصاویر و اشکال مختلف با رنگ‌های شفاف و درخشان نقاشی می‌شد و عبور نور به‌فضای داخلی روشنایی می‌بخشید و فضایی معنوی و روحانی را سبب می‌شد (تصویر۱۳).

تصویر ۱۳ــ پنجره‌های شیشه‌ای منقوش، کلیسای شارتر[1]، فرانسه

## ● تندیس‌سازی و حجاری

تندیس‌سازی و حجاری در آغاز دوره گوتیک وابسته به معماری بود و اغلب زینت بخش دوسوی ورودی‌ها بود، اما کم کم ساخت تندیس‌هایی که به بنا وابسته نبودند نیز رایج شد. بهترین نمونه تندیس‌سازی‌های گوتیک در جانب ورودی‌های کلیسای شارتر بازنمایی شده‌اند و نخستین اقدام در احیای تندیس‌سازی با عظمت پس از دوره یونان و روم باستان بود (تصویر۱۴).

از ویژگی‌های تندیس‌سازی گوتیک طبیعت‌گرایی، چهره‌های آرام‌بخش، جامه‌پردازی (نمایش چین و شکن‌های لباس) و توجه به خصوصیات فردی است (تصاویر ۱۴ و ۱۵).

تصویر۱۴ــ تندیس‌های کاملاً برجسته یک سوی درگاه ورودی کلیسای شارتر

تصویر ۱۵ــ تندیس‌های یک زوج، سنگ، اندازه طبیعی (بیان‌گر شخصیت فردی)، کلیسای جامع ناومبورگ[2]، حدود ۱۲۵۵ ــ ۱۲۴۹ میلادی، آلمان

---

۱ــ Sharteres

۲ــ Naumburg

## ● نقاشی

در طول دورهٔ گوتیک، نقاشی به‌صورت مصوّرسازی کتاب و نقاشی روی چوب و قاب‌های تزیینی و نقاشی موزائیک و نقاشی روی شیشه رواج داشت که از ویژگی آنها توجه به‌فردگرایی، مناظر طبیعی، خط‌های پیچان، رنگ‌های درخشان و علاقه به تزیین بود. اما در ایتالیا بیشتر نقاشی دیواری و نقاشی شمایلی تابلویی رایج بود و نقاشان از سر مشق‌های بیزانسی و سنت‌های رومی سود می‌بردند. یکی از نقاشان برجسته ایتالیا جُتّو[1] است که در آثارش طبیعت‌گرایی و نوآوری در نور و ایجاد فضای سه بعدی دیده می‌شود، وی به‌عنوان آغازگر رُنسانس نیز شناخته می‌شود (تصویر ۱۶).

**تصویر ۱۶ــ حضرت مسیح در حال ورود به اورشلیم، اثر جُتّو، نقاشی دیواری، حدود ۱۳۰۶ ــ ۱۳۰۵ میلادی**

**جدول دوره‌های هنر اروپایی غربی در قرون وسطا**

| گوتیگ | رومانسک | قرون وسطای پیشین |
|---|---|---|
| ۱۴۰۰ــ۱۲۰۰ میلادی | ۱۲۰۰ــ۱۰۵۰ میلادی | ۱۰۵۰ــ۶۰۰ میلادی |

۱ــ Giotto

## ارزشیابی

۱ــ هنر دوره قرون وسطای پیشین دارای چه خصوصیاتی بود؟ شرح دهید.
۲ــ معماری رُمانسک دارای چه خصوصیاتی بود؟
۳ــ به چه علتی کلیساهای بزرگ ساخته شدند؟
۴ــ موضوع حجاری‌های نمای ورودی کلیساها در دورهٔ رمانسک چه بود؟
۵ــ تندیس‌های دوره رُمانسک دارای چه ویژگی‌هایی بود؟
۶ــ نقاشی‌های کتاب‌های دوره رُمانسک دارای چه ویژگی‌هایی بود؟
۷ــ معماری گوتیک دارای چه خصوصیاتی بود؟
۸ــ در معماری گوتیک از نور و شیشه چگونه بهره می‌بردند؟
۹ــ حجاری دوره گوتیک دارای چه ویژگی بود؟
۱۰ــ ویژگی‌های نقاشی دوره گوتیک را شرح دهید.

# فصل سیزدهم

# هنر رُنِسانس(تجدید حیات یا نوزایی)

**هدف‌های رفتاری** : پس از پایان این فصل از دانش‌آموز انتظار می‌رود که بتواند :

۱ــ جنبش رنسانس را توضیح دهد.
۲ــ ویژگی‌های هنر دوره رنسانس را بیان کند.
۳ــ علل شکل‌گیری رنسانس را شرح دهد.
۴ــ دیدگاهای برونلسکی و آلبرتی را توضیح دهد.
۵ــ آثار معماری رنسانس را نام ببرد.
۶ــ نقاشان و تندیس‌سازان رنسانس را نام ببرد.
۷ــ ویژگی‌های آثار سه نقاش دوره رنسانس را توضیح دهد.
۸ ــ منریسم را شرح دهد.

## ۱ــ تعریف رنسانس

رنسانس به‌معنی تجدید حیات، یا نوزایی است. اما عموماً رنسانس به‌جنبشی فکری و عقلانی گفته می‌شود که در سدهٔ چهاردهم میلادی در ایتالیا شروع شد و در سدهٔ شانزدهم میلادی به‌اوج خود رسید. ایتالیا آغازگر رنسانس بود زیرا به توانایی انسان اهمیت می‌دادند یعنی به‌تدریج دنیای فکری انسان‌ها از ارزش‌ها و اندیشه‌های مذهبی جدا و به اندیشه‌ها و ارزش‌های زندگی بشری و فردگرایی تغییر یافت.

اگر چه ایتالیا خاستگاه رنسانس بود، اما دیگر کشورهای اروپایی نیز در توسعه دستاوردهای آن نقش داشتند. متفکران رنسانس بر اهمیت تک تک انسان‌ها، مخصوصاً انسان‌های شایسته، تأکید می‌کردند. و دستاوردهای هنری، علمی و ادبی قرون وسطا را بی‌ارزش می‌دانستند و براین باور بودند که با احیای فرهنگ و هنر یونان و روم، می‌توانند فرهنگ و هنر خود را ترقی دهند. بر طبق اندیشهٔ رنسانس، انسان از قدرت و توانایی خدادادی برخوردار است و این توانایی در وجود انسان‌های بزرگ به‌صورت موهبت الهی، «نبوغ»، متجلی می‌شود.

تلاش‌های هنرمندانی چون جتو، مازاتچو[۱]، دوناتلو[۲]، آلبرتی[۳]، برونلسکی[۴]، داوینچی[۵]، میکل‌آنژ[۶]، رافائل[۷]، دورر[۸] و ... نقش مهمی در پیشرفت هنرها و علوم گوناگون داشتند.

## ۲ــ ویژگی‌های هنر دورهٔ رنسانس

احیای روح هنر دوره کلاسیک یونان و روم، طبیعت گرایی، فردگرایی، کالبدشناسی انسان، تکمیل قواعد پرسپکتیو، توجه به‌موضوع‌های دنیوی، رواج نقاشی رنگ و روغن برای تجسم گرمی و طراوت پوست از ویژگی‌های هنر دورهٔ رنسانس است.

## ۳ــ علل شکل‌گیری دورهٔ رنسانس

توسعه تجارت بین‌المللی، گسترش جامعه شهرنشین، شکل‌گیری طبقه متوسط، اختراع چاپ و رواج کتاب‌های چاپی، کشف سرزمین‌های جدید، افزایش موقعیت اجتماعی هنرمندان، هنر دوستی اشراف جامعه و حمایت از هنرمندان، **خود باوری و اعتقاد به‌توانایی و شایستگی انسان** از علل شکل‌گیری جنبش رنسانس است.

## ۴ــ معماری دورهٔ رنسانس

معماران دورهٔ رنسانس اغلب متفکر و پژوهشگر بودند و برخی از آنها مانند برونلسکی، داوینچی، رافائل و ... در چند رشته از جمله معماری، نقاشی و تندیس‌سازی تخصص داشتند. آنها نیز میراث هنری عهد کلاسیک یونان و روم را متعالی می‌دانستند. پیشگام معماری دورهٔ رنسانس، فیلیپو برونلسکی اهل فلورانس بود. وی کار خود را با تندیس‌سازی در فلورانس آغاز کرد. چون مایل نبود به‌طور سطحی، معماری باستانی را احیا کند، برای مشاهده نزدیک آنها به شهر روم رفت و برای نخستین بار اندازه‌های دقیق بناهای رومی را به‌دست آورد و متوجه شد این بناها در جزء و کل باهم هماهنگ و متناسب هستند و سر انجام براساس مطالعات خود، در نظریه‌ای اعلام کرد «همان تناسبات ریاضی که در موسیقی، هماهنگی به‌وجود می‌آورد، باید در معماری نیز حکمفرما شود». وی معتقد شد که راز

---

۱ــ Masaccio
۲ــ Donatelo
۳ــ Alberti
۴ــ Brunelleschi
۵ــ Leonardo DA Vinci
۶ــ Michelangelo
۷ــ Raphaello
۸ــ Durer

معماری در تنظیم تناسبات درست، یعنی تناسباتی ساده و مبتنی بر اعداد صحیح است. وی با شناخت معماری باستان، عناصری از این معماری را در کارهای خود به‌کار گرفت. وی معماری باشکوه یونان و روم را ساده و قابل فهم و با نیازهای مردم زمانه‌اش سازگار کرد. گنبد کلیسای فلورانس (که تا آن زمان کامل نشده بود) و بیمارستان معصومان (تصویر۱) از جمله کارهای اوست. آلبرتی نیز از نظریه پردازان معماری و تندیس‌سازی رنسانس بود، وی اعتقاد داشت که زیبایی یک بنا از هماهنگی و یگانگی تمام اجزایش حاصل می‌شود (تصویر۲). اندکی بعد دیدگاه‌های این دو هنرمند به‌عنوان سرمشق در اختیار معماران اروپا قرار گرفت (تصاویر ۳ و ۴).

تصویر ۱ــ بیمارستان معصومان اثر برونلسکی، حدود ۱۴۲۱ میلادی، فلورانس

تصویر ۲ــ کلیسای سن آندرئا، اثر لئون باتیستا آلبرتی، حدود ۱۴۷۰ میلادی، ایتالیا

تصویر ۳ــ سرسرای ورودی کتابخانه لورانتیون فلورانس اثر میکل آنژ، حدود ۱۵۵۹ــ ۱۵۵۸ میلادی

تصویر ۴ــ ویلای روتاندا اثر پالادیو (نمونه‌ای از احیای سبک کلاسیک باستان)، حدود ۱۵۷۰ــ۱۵۶۷ میلادی، ایتالیا

## ۵ــ نقاشی و تندیس‌سازی دورهٔ رنسانس

نقاشی و تندیس‌سازی، عالی‌ترین جلوه هنر دوره رُنسانس است. مهارت هنرمندان در احیای روح هنر عهد کلاسیک باستان، همراه با نوآوری‌ها و روحیه انسان‌گرایانه آنها در آثارشان به‌آسانی قابل تشخیص است. در میان هنرمندان دوره رنسانس، هنرمندانی که اینک آثارشان معرفی می‌شود، در شکل‌گیری و تکامل هنر نقاشی و تندیس‌سازی نقشی اساسی داشتند.

تصویر ۵ــ مریم عذرا و کودک، اثر مازاتچو، بخشی از یک نقاشی دیواری

### ● جُتّو (۱۳۳۷ــ۱۲۶۶)

جُتّو نقاش و معمار ایتالیایی و از هنرمندان اواخر دوره گوتیک و آغاز رنسانس بود. او پیرو سنت تندیس‌سازی و نقاشی رومی و آغازگر سبک طبیعت‌گرایی در ایتالیا و در نمایش عواطف انسانی به شکل ساده، توانا بود. (به تصویر۸، نقاشی دوره گوتیک مراجعه شود)

### ● مازاتچو (۱۴۲۸ــ۱۴۰۱)

مازاتچو نقاش ایتالیایی و اهل فلورانس که در برجسته‌نمایی نقش پیکره‌ها، به‌کارگیری نور در بازنمایی فضا و تنظیم ترکیب‌بندی مبتکر بود و مانند جُتّو در جستجوی بیان عواطف انسانی و تلاش برای واقع‌گرایی در آثارش بود (تصویر ۵).

تصویر ۶ــ مرقس مقدس اثر دُناتِلّو، مرمر، حدود ۱۴۱۳ــ۱۴۱۱ میلادی، فلورانس

### ● دُناتِلّو (۱۴۶۶ــ۱۳۸۶)

دُناتِلّو از تندیس‌سازان برجسته ایتالیا بودکه اصول کلاسیک باستان را با فرهنگ مسیحی عصر خود وفق داد. وی از پیشگامان احیای روح تندیس‌سازی کلاسیک به شمار می‌آید. تندیس مرقس مقدس نخستین گام در جهت نمایش حرکت است. آثار او بیانگر صلابت، وفاداری به ساختار تندیس انسان، کشش عاطفی و در برگیرندهٔ همهٔ جنبه‌های رنسانس ایتالیایی است و در نهایت خود باوری انسان را منعکس می‌کند (تصویر۶).

### ● رافائل (۱۵۲۰ــ ۱۴۸۳)

رافائل نشان‌دهنده اوج هنر رنسانس است. او به بهترین روش برای بیان هنر کلاسیک باستان دست یافت و تحت تأثیر داوینچی و میراث هنری روم باستان، آثار با ارزشی در زمینه نقاشی و معماری خلق کرد. در آثار وی، لطافت رنگ‌آمیزی، ترکیب‌بندی عالی و کیفیت‌های عاطفی چهره موج می‌زند (تصاویر ۷ و ۸).

تصویر ۷ــ پرترهٔ پاپ لئوی دهم ، اثر رافائل، حدود سال ۱۵۱۷ میلادی، فلورانس

تصویر۸ــ مریم گراندوک، اثر رافائل، رنگ و روغن روی چوب، حدود سال ۱۵۰۵ میلادی، کاخ پیتی، فلورانس

## ● لِئوناردو داوینچی(۱۵۱۹ــ ۱۴۵۲)

تصویر ۹ــ مونالیزا، اثر لئوناردو داوینچی، رنگ و روغن، حدود سال ۱۵۰۵ ــ ۱۵۰۳ میلادی، موزه لوور، فرانسه

داوینچی یکی از مهمترین شخصیت‌های دورهٔ رنسانس است. وی نمونهٔ انسانی والا بود که در زمینه معماری، نقاشی و تندیس‌سازی توانا بود. او نوآور و متحول کننده پایه‌های سنت طبیعت‌گرایی اروپایی و آثارش لبریز از ترکیب‌بندی پر معنا و سنجیده و تجسم روحیات درونی انسان‌ها بود. وی در آثارش با استفاده از سایه روشن‌های نرم و لطیف حالتی عاطفی و رمزآلود به موضوع داده است (تصویر ۹).

## ● آلبرشت دورِر (۱۵۲۸ــ ۱۴۷۱)

دورر هنر رنسانس را در شمال اروپا (آلمان) رواج داد و در زمینه چاپ (باسمه کاری روی چوب) و نقاشی مهارت داشت. وی برای فهم قوانین کلاسیک به ایتالیا رفت. آثار سرشار از تخیل وی از جمله باسمه‌کاری‌های روی چوب، در سراسر اروپا مورد توجه قرار گرفت و گسترش یافت (تصاویر ۱۰ و ۱۱).

## ● میکل آنژ (۱۵۶۴ ــ ۱۴۷۵)

میکل آنژ یکی از برجسته‌ترین هنرمندان رنسانس است که در زمینهٔ نقاشی، معماری، تندیس‌سازی و نیز کالبدشناسی انسان، بی‌نظیر بود. تندیس‌های داوود

تصویر ۱۰ــ تصویر چهره نقاش، اثر آلبرت دورِر، رنگ و روغن روی چوب ، حدود سال ۱۵۰۰ میلادی، مونیخ، آلمان

تصویر۱۱ــ چهار سوار، اثر آلبرشت دورِر، چاپ باسمه‌ای، ۸ ــ ۱۴۹۷ میلادی، آلمان

(نماد شهر فلورانس) و حضرت موسی در شهر رم، جزو برجسته‌ترین آثار او هستند (تصاویر۱۲ و ۱۳). وی در نمایش عمق تصویر در نقاشی، قدرت طراحی، نمایش روح زندگی به‌کمک زیبایی جسمانی در شکل و حرکت بدن و نمایش حالت روحی چهره، دارای سبک ویژه خود بود. همچنین او یکی از پیشگامان مکتب منریسم بود.

تصویر ۱۲ــ تندیس حضرت موسی، اثر میکل آنژ، سنگ مرمر، حدود سال ۱۵۱۵ــ۱۵۱۳میلادی، رم

تصویر ۱۳ــ تندیس داود (سردیس)، اثر میکل آنژ، حدود سال ۱۵۰۴ــ۱۵۰۱ میلادی، فلورانس

## ۶ــ مَنریسم (شیوه گری)

در اواخر دوره رنسانس تولید آثار هنری با رکود و تقلید از آثار استادان بزرگ انجامید. هنرمندان نسل بعد به جای پژوهش در طبیعت، آثار متأخر میکل‌آنژ را سرمشق قرار دادند که پایان کلاسیک گرایی رنسانس و آغاز جنبش مَنریسم (شیوه‌گری) در اواخر سده شانزدهم است. هنرمندان از سنت‌های عصر رنسانس دور شدند و به اغراق در بروز عواطف، افزایش حرکت، کشیدگی غیرعادی اندام و تضاد رنگ‌ها پرداختند. از مهم‌ترین هنرمندان این سبک می‌توان به ال گرکو[1] اشاره کرد. (تصویر۱۴).

آثار وی اغلب موضوعی افسانه‌ای و پر از پیکره است و نمایشی از عالم زمینی و آسمانی در آثارش به چشم می‌خورد.

تصویر ۱۴ــ خاک‌سپاری کنت اورگاز، اثر ال گرکو، رنگ و روغن روی بوم، سال ۱۵۸۶ میلادی، اسپانیا

## ارزشیابی

۱ــ رنسانس چگونه جنبشی بود؟
۲ــ خاستگاه رنسانس کجا بود وچه تقسیماتی داشت؟
۳ــ چه هنرمندانی در جنبش رنسانس نقش داشتند؟
۴ــ هنر رنسانس دارای چه خصوصیاتی بود؟
۵ــ به چه علت‌هایی جنبش رنسانس شکل گرفت؟
۶ــ برونلسکی چه اعتقادی داشت؟
۷ــ آلبرتی دارای چه باوری بود؟
۸ــ نقاشان و تندیس‌سازان رنسانس چه نام داشتند؟
۹ــ ویژگی آثار رافائل و میکل آنژ چه بود؟
۱۰ــ مازاتچو چه تغییراتی در نقاشی به‌وجود آورد؟
۱۱ــ تندیس حضرت موسی دارای چه خصوصیاتی بود؟
۱۲ ــ آثار داوینچی دارای چه خصوصیاتی بود؟

---

۱ــ El Gereco

۱۳ ــ منریسم دارای چه خصوصیاتی بود؟

۱۴ــ عبارات مرتبط به هم را به یکدیگر متصل کنید.

| | |
|---|---|
| خاستگاه رنسانس | نقاش برجسته نما |
| مازاتچو | شیوه‌گرایی |
| نمایش حرکت در تندیس‌سازی | آلبرشت دورر |
| باسمه‌کاری | دناتلّو |
| منریسم | ایتالیا |

# فصل چهاردهم

# هنر اروپای بعد از رنسانس تا قرن بیستم

**هدف‌های رفتاری** : پس از پایان این فصل از دانش‌آموز انتظار می‌رود که بتواند :

۱ــ هنر باروک را شرح دهد.

۲ــ معماری و نقاشی باروک را بیان کند.

۳ــ هنر روکوکو را شرح دهد.

۴ــ هنر نئوکلاسی سیسم را توضیح دهد.

۵ــ مکتب رمانتی‌سیسم را شرح دهد.

۶ــ عوامل ایجاد کننده رئالیسم را شرح دهد.
۷ــ خصوصیات امپرسیونیسم را شرح دهد.
۸ــ هدف هنر سمبولیسم را توضیح دهد.

## ۱ــ باروک[۱]

**باروک** واژه‌ای است که مورخان هنر برای آثار هنری و ادبی و موسیقی سده هفدهم و اوایل سده هجدهم اروپای غربی به‌کار می‌برند. این کلمه به‌معنی مروارید نامنتظم است که تا سده نوزدهم به‌معنی بی‌تناسب و ناهماهنگ بود. علت این نام‌گذاری این بود که سازندگان آثار هنری به‌ویژه در معماری از شیوه‌های مختلف هنری (کلاسیک، گوتیک، رنسانس و...) متأثر بودند. هنر باروک در مقایسه با دورهٔ رنسانس، هنری با شکوه، نمایشی، زیاده‌روی در تجمل، احساسی و تلاش برای وحدت بین معماری، تندیس‌سازی و نقاشی است. تمایل بیشتر به‌مذهب، توسعه علوم و رقابت‌دارندگان ثروت و قدرت در تولید آثار هنری در نقاط مختلف اروپا از عوامل شکل‌گیری شیوه باروک بود. شیوه باروک از شهر رُم شروع شد و اندکی بعد در سراسر ایتالیا رواج یافت و سپس در فرانسه، اسپانیا، انگلستان، هلند و آلمان گسترش یافت.

باروک تفاوت‌های بنیادین با سبک‌های رنسانس دارد. باروک هنری پویا و احساسی بوده و برعکس اصول کلاسیک که بیشتر عقلانی است. از ویژگی‌های بارز هنر باروک ایجاد هماهنگی در میان عناصر گوناگون است، در حالی‌که کمال مطلوب اوج هنر رنسانس برقراری تعادل میان اجزایی است که هر کدام به‌تنهایی از تمامیت و کمال برخوردارند.

### ● معماری

معماری باروک با ساخت کلیساهای بزرگ از شهر رُم شروع شد. معماران این عصر نیز مانند دوره رنسانس هم پژوهشگر و هم در چند رشته تخصص داشتند، معماری باروک بنا به‌سلیقه معمار یا سفارش‌دهنده از سنت‌های مختلفی چون کلاسیک باستان، گوتیک و رنسانس در یک بنا سود می‌برد و تلاش می‌کرد بین عناصر مختلف هماهنگی ایجاد کند. در معماری باروک استفاده از شکل بیضی به‌جای دایره در گنبدها، پنجره‌ها و سقف رایج شد. سطوح محدب و مقعر، تأکید بر مرکز ساختمان، ارتباط معماری با فضای پیرامون، تأکید تزیینات داخلی و تلاش برای هماهنگی میان معماری، نقاشی و تندیس‌سازی بود. **کارلو مادرنو**[۲] و **برنینی**[۳] از بنیان‌گذاران معماری باروک در شهر رُم بودند. نما و صحن بیرونی

تصویر ۱ ــ کلیسای سن‌پیر روم، نما اثر کارلو مادرنو، ستون کاری اثر برنینی، حدود ۱۶۱۲ــ۱۶۰۷ میلادی

۱ــ Baroque
۲ــ Carlo Maderno
۳ــ Bernini

تصویر ۲ــ نمای شرقی کاخ لوور، سال ۱۶۷۰ ــ ۱۶۶۷ میلادی، پاریس (در حال حاضر موزه لوور)

کلیسای سن پیر[1] در رُم کار مادرنو و ستون‌کاری آن کار برنینی است (تصویر ۱). بِرنینی از معماران و تندیس‌سازان بزرگ شهر رُم بود، وی پیرو سنت کلاسیک باستان بود و خود را جانشین میکل‌آنژ می‌دانست، تزیینات پُر تجمل صحن داخلی کلیسا از نمونه کارهای او است. کاخ لوور[2] از آثار باشکوه معماری باروک است. این بنا متأثر از سنت کلاسیک باستانی است اما ستون‌های دو تایی آن ابتکار جدیدی بود که در معماری فرانسه رواج یافت (تصویر ۲).

## ● نقاشی

نقاشان باروک در نمایش طبیعت به‌واقعیت وفادار بودند و در آثارشان به‌رنگ، بافت، محاسبه روشنایی و تاریکی، استفاده از نور برای جلب توجه، حالت نمایشی، فضای پر و خالی و جلوه‌های غیر مترقبه اهمیت می‌دادند. از ویژگی‌های نقاشی باروک رواج نقاشی‌های علمی، تجسم فرهنگ و ادبیات عامه و آدم‌های معمولی، طبیعت بیجان، نقاشی منظره، نقاشی سقفی (تصاویر ۳ و ۴)، از هنرمندان برجسته این دوره می‌توان به **کاراوادجو**[3]، **دیه گو ولاسکوئز**[4] و **رامبراند**[5] اشاره کرد.

تصویر ۳ــ مارکزا، اثر روبنس، رنگ و روغن، سال ۱۶۰۶ میلادی، گالری هنر واشنگتن

تصویر ۴ــ تصویر ندیمه‌ها اثر ولاسکوئز، رنگ و روغن، سال ۱۶۵۶ میلادی، مادرید

---

۱ــ Saint Peter
۲ــ Palace of Louvre
۳ــ Karavaggio
۴ــ Velazquez
۵ــ Rembrandt

## ● تندیس‌سازی

تندیس‌سازی باروک نیز همانند نقاشی بسیار زنده ، پرشور و چشمگیر است و بیان‌گر تلاش هنرمند در ارائه احساسات عمیق انسان است و تلاش دارد واکنش تماشاگر را برانگیزد ( تصویر۵). تندیس داوود در حال پرتاب سنگ به‌جالوت اثر **برنینی** سرشار از بیان احساس، تحرک و پویایی است (تصویر ۶).

**تصویر ۵ــ تندیس بدن روحانی متوفی (طبیعت گرایی پُر احساس)، اثر استفانو مادرنو، مرمر، حدود ۱۶۰۰ میلادی، روم**

**تصویر ۶ــ داوود در حال پرتاب سنگ به‌سمت جالوت، اثر برنینی، سنگ مرمر، سال ۱۶۲۳ میلادی، روم (مقایسه کنید با داوود میکل آنژ)**

## ۲ــ روکوکو[۱]

اصطلاحی در تاریخ هنر برای توصیف هنر تزئینی در زمینه‌های مختلف، چون تزیینات معماری، نقاشی، تندیس‌سازی، طراحی اثاثیه، اشیای زینتی و غیره پدید آمد. واژه **روکوکو** از واژه فرانسوی روکای به معنی «سنگریزه» گرفته شده است و به‌سنگریزه‌ها و صدف‌هایی اطلاق می‌شود که برای تزیین فضای داخل غارها و سرداب‌های مصنوعی به کار برده می‌شوند. **واتو**[۲] از برجسته‌ترین هنرمندان سده هجدهم میلادی سبک خاصی را آفرید که پس از او به روکوکو انجامید. نقاشی این دوره، سرشار از جلوه‌های پراحساس و حتی شاد و فریبنده با موضوع‌های دنیوی و سبکسرانه، رنگ‌های لطیف و خطوط منحنی و منطبق با سلیقه اشرافیت است. **فراگونار**[۳]، که نقاشی‌های او تزیینی با رنگ‌های چشم‌نواز است از نمایندگان این سبک به‌شمار می‌رود (تصویر ۷).

**تصویر ۷ــ بخشی از تابلو به‌نام تاب، اثر فراگونار**

۱ــ Rococo
۲ــ Watteau
۳ــ Fragonar

## ۳ــ هنر در سده‌های ۱۸ و ۱۹ میلادی (نئوکلاسی‌سیسم، رمانتی‌سیسم، رئالیسم و ...)

اروپا و کشور نوظهور امریکا از اواسط سده‌های هجده و نوزده شاهد تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مهمی بود. انقلاب صنعتی در اروپا، انقلاب فرانسه بر علیه نظام استبدادی حاکم و انقلاب مردم امریکا بر علیه استعمار انگلیس از عوامل بسیار مهم در تغییر نگرش مردم نسبت به هنر بوده‌اند. در طول این دو سده به تدریج سلطهٔ کلیسا و حکومت‌های استبدادی بر مردم از بین رفت و فرهنگ اروپای غربی و امریکا، به تدریج دنیوی شد. شکل‌گیری موزه‌ها و گالری‌های هنری، رواج خرید و فروش آثار هنری و نشر کتب و نشریات هنری باعث گسترش هنر در جامعه شد. رشد جامعهٔ شهری و طبقهٔ متوسط جامعه، سبب شکل‌گیری جنبش‌ها و شیوه‌های مختلف هنری شد. این جنبش‌ها بیشتر در نقاشی تجلی یافته است. ظهور مصالح ساختمانی جدید اشکال جدیدی را در معماری پدید آورد. اینک به اجمال مهمترین سبک‌های هنری این دو سده معرفی می‌شود.

### ● نئوکلاسی‌سیسم[۱]

نئوکلاسی‌سیسم سبکی هنری است که در نیمه دوم سده هجدهم واکنشی علیه باروک و روکوکو به‌شمار می‌رود. از سوی دیگر گرایش به‌هنر آرمانی یونان و روم به‌عنوان تقلید از طبیعت در این مکتب شکل گرفت.

هنرمند معروف این سبک **داوید**[۲] (۱۸۲۵ــ۱۷۴۸م) است. او در برابر سبک روکوکو طغیان کرد و سنت‌های کلاسیک را از نو به سبک فردی خود احیا نمود (تصویر ۸). تصویر ۹ نمونه‌ای از معماری نئوکلاسیک می‌باشد که از ستون‌ها و نمای معماری کلاسیک یونان تأثیر گرفته است.

تصویر۸ــ سوگند هوراتیوس‌ها، اثر ژاک لویی داوید، ۱۷۸۴م، رنگ روغن روی بوم، ۴۲۰×۳۳۰ سانتی‌متر، موزه لوور، پاریس

تصویر ۹ــ خانه توماس جفرسن رئیس جمهور امریکا، سدهٔ ۱۸ میلادی، وِیرجینیا، امریکا

۱ــ Neo – Classicim

۲ــ David

## ● رمانتی سیسم[1]

مکتب رمانتیک در هنرهای تجسمی، از اواخر قرن هجدهم یعنی از ۱۷۹۰ تا ۱۸۴۰ هم زمان با احیای مکتب نئوکلاسیک تجلی یافت و در میانه قرن نوزدهم جانشین نئوکلاسیک شد. زادگاه این سبک انگلستان بود و مکتب منظره‌نگاری انگلیسی تأثیر بسیار گسترده‌ای بر جنبش رمانتیک داشت.

جنبش‌های اجتماعی این عصر سبب دگرگونی در ذهن انسان اروپایی شد. در این مکتب نقاشان کارگاه نقاشی را رها کردند. آنها به‌طبیعت عشق می‌ورزیدند و براساس عاطفه و ذهن هنرمند رنگ‌ها را تابناک و سرزنده به‌تصویر می‌کشیدند. موضوعات معمولی و چهره‌های عادی را انتخاب و جایگزین تناسبات رسمی و قراردادی کردند. لازم به‌ذکر است که اینها همه در عصر «انقلاب صنعتی» یعنی گریز از ماشین و پناه بردن به‌دامان طبیعت بود.

شاخص‌ترین هنرمند رمانتیک **دلاکروا**[2] است که دامنه امکانات بیانی این هنر را گسترش فراوان داد. او شیوه رنگ‌پردازی و قلم‌زنی خود را به نقاشان بعدی مخصوصاً به امپرسیونیست‌ها انتقال داد. هنر نقاشی در عصر رمانتی‌سیسم، بیشتر موضوعات را از ادبیات الهام می‌گرفت. دلاکروا نیز داستان‌های تابلوهایش را عموماً از ادبیات و رخدادهای روزگار خود بر می‌گزید (تصویر ۱۰).

**تصویر ۱۰ــ پاگانینی، اثــر اوژن دلاکـروا، حـدود ۱۸۳۲، رنگ روغن روی مقوا، ۴۲×۲۸ سانتی‌متر، مجموعه فیلیپس، واشنگتن**

## ● رئالیسم[3]

رئالیسم در میانه سدهٔ نوزدهم به‌وجود آمد که واکنشی در برابر خصلت آرمانی کلاسی‌سیسم و خصلت عاطفی و ذهنی رمانتی‌سیسم بود. انسان‌دوستی و علاقه به اصلاحات اجتماعی موضوعی بود که به‌تمام زوایای زندگی و هنر سدهٔ نوزدهم راه پیدا کرد. آنچه به‌نظر هنرمند جالب می‌آمد، اکنون در محیط خود او وجود داشت و این موضوع جالب، مردم ــ همان گونه که هستند ــ بود. نقاشی رئالیستی بازنمایی بدون آرمانگری در مفهوم صحنه با تمام خصوصیات پسندیده و ناپسندیده بود. این نهضت با **کوربه**[4] آغاز می‌شود. تابلوی «**سنگ شکنان**» او نخستین نمونه تمام‌عیار نقاشی به این شیوه است. او معتقد بود که هنرمند باید فقط چیزهای مرئی و ملموس را بازنمایی کند. او موضوعاتی چون زندگی و کار تهیدستان را انتخاب می‌کرد و راه را برای نقاشان دیگر حتی با دیدگاه‌های متفاوت گشود (تصویر ۱۱).

**تصویر ۱۱ــ سنگ شکنان، اثر گوستاو کوربه، نگارخانه دولتی، درسدن (این تابلو در جنگ دوم جهانی ناپدید شد)**

---

۱ــ Romanticism
۲ــ Delacoix
۳ــ Realism
۴ــ Courbet

## ۴ــ دیگر نقاشان (بدون مکتب)

تصویر ۱۲ــ زنان در بالکن، اثر فرانسیسکو گویا، ۱۸۱۵ــ ۱۸۱۰ میلادی، رنگ و روغن روی بوم، موزه هنر متروپولیتن، نیویورک

در قرن نوزدهم تعدادی از هنرمندان جوان آزادانه مسیرهای فردی یا گروهی تازه‌ای در پیش گرفته و از حدود هر مکتب و شیوه بیرون قرار گرفتند. نخستین آنها **گویا**[1] نقاش اسپانیایی بود. او هیچ مکتبی نداشت و در نقاشی‌های خود با بدبینی شدید و هجوی کابوس مانند، ستمگری زورمندان را به باد انتقاد می‌گرفت و از ستمدیدگان حمایت می‌کرد (تصویر۱۲).

**دومیه**[2] نیز با تکنیک چاپ سنگی مقدار زیادی کاریکاتورهای اجتماعی و سیاسی برای چاپ در مجلات و روزنامه‌ها ساخت (تصویر۱۳).

**میله**[3]**(میه)** نقاشی است که تمایلات هر دو مکتب واقع‌گرایی و رمانتیک را در آثارش می‌توان دید (تصویر ۱۴).

تصویر ۱۳ــ خیابان ترانسنونن، اثر اونوره دومیه، ۱۸۳۴، گراوور، ۴۵ × ۳۰ سانتی متر، موزه هنری فیلادلفیا

تصویر ۱۴ــ خوشه چینان، اثر ژان فرانسوا میله، ۱۸۵۷ میلادی، رنگ و روغن روی بوم، موزه اورسه، پاریس

## ۵ــ امپرسیونیسم[4] و جریان‌های تأثیرگذار اواخر قرن ۱۹

امپرسیونیسم مهمترین پدیده هنری قرن ۱۹ اروپا و نخستین جنبش نقاشی مدرن به شمار می‌رود. آنها و تعدادی از پیروانشان احساس کردند که فقط بینندهٔ صرف طبیعت نیستند و هنرمند باید در خلق اثر هنری دخالت کند.

---

۱ــ Goya
۲ــ Daumier
۳ــ Miller
۴ــ Ampersionism

اصطلاح امپرسیونیسم را در سال ۱۸۷۴م، روزنامه‌نگاری به‌ریشخند در مورد یکی از منظره‌های **کلود مونه**[۱] **(امپرسیون : طلوع آفتاب)** به‌کاربرد. مونه نماینده واقعی این جنبش است. او بیست و شش منظره از کلیسای روئن[۲] را نقاشی کرد (تصویر۱۵). در هر تابلو، کلیسا از یک نقطه دید ثابت ولی در ساعات متفاوتی از روز و در شرایط اقلیمی و جوی متفاوتی نقاشی شده است. **پیسارو**[۳] و **رنوار**[۴] از شاخص‌ترین امپرسیونیست‌ها هستند. عامل پیونددهنده این نقاشان «حساسیت به رنگ» و «جلوه‌های ناپایدار نور و حرکت» است. نور نقش اصلی را در نقاشی امپرسیونیستی ایفا می‌کند و وظیفه هنرمند ثبت دقیق و فوری ارتعاشات زودگذر نور است. امپرسیونیست‌ها بیشتر در فضای باز نقاشی می‌کردند.

در اینجا لازم است اشاره‌ای به **رودن**[۵] برجسته‌ترین پیکره ساز فرانسوی این دوره بشود. او همانند نقش امپرسیونیست‌ها در نقاشی، به نمایش حرکت و حالت سرزندگی در تندیس‌هایش پرداخت. هنر میکل آنژ نقش قطعی درشکل‌گیری سبک او داشت. رودن تندیس‌های ناتمام رها شده و پیوسته به تخته سنگ میکل آنژ را می‌ستود و بهترین تندیس‌های مرمرین و مفرغی‌اش را نیمه تمام رها می‌کرد (تصویر۱۶).

«**سزان**[۶]» از دیگر نقاشان این مکتب، با روش علمی در صدد یافتن قواعد جدیدی برای نظم دادن به تجربه و ادراک رنگ بود (تصویر۱۷). از نظر سزان «نقاش باید طبیعت را به شکل استوانه، کره و مخروط نشان دهد».

تصویر۱۵ــ منظره کلیسای روئن در غروب آفتاب، اثر کلود مونه، رنگ و روغن روی بوم، موزه هنرهای زیبای بوستون

تصویر ۱۶ــ متفکر، اثر آگوست رودن، مفرغ، ۱۸۸۷ــ ۱۸۷۹

تصویر ۱۷ــ نقش اشیا، اثر پل سزان، حدود سال‌های ۱۸۸۲ ــ۱۸۷۹ میلادی، رنگ رغن روی بوم، ۴۶×۵۵ سانتی‌متر، کلکسیون خصوصی

۱ــ Monet
۲ــ Ruan
۳ــ Pissarro
۴ــ Renoir
۵ــ Rodin
۶ــ Cezanne

برداشت زیبایی‌شناسانه سزان پیش درآمدی بر نگاه هنرمندان جنبش کوبیسم شد، تا جایی که او را پدر هنر مدرن می‌نامند. بر خلاف وی، «**ونسان ون گوگ**[1]» از رنگ برای بیان عواطف خویش استفاده کرد (تصویر۱۸).

در آثار هنری **تولوز ــ لوترک**[2] زندگی معاصر با کاریکاتوری دلتنگ‌کننده و زننده بیان می‌شود. گراورهای ژاپنی بر کار او بسیار تأثیرگذار بودند. او با ساده کردن پیکره‌ها و چهره‌ها دخل و تصرفاتی در آنها به وجود آورد که زمینه‌ای برای اکسپرسیونیسم شد و نوآوری‌هایی انقلابی در هنر پوستر به‌وجودآورد (تصویر۱۹).

**تصویر۱۸ــ اتاق نقاش در آرل، اثر ونسان ون گوگ، سال۱۸۸۹ میلادی، رنگ روغن روی بوم، موزه اورسی، پاریس**

**تصویر۱۹ــ پوستر، اثر هانری دو تولوز ــ لوترک، ۱۸۹۲**

## ۶ــ سمبولیسم (نمادگرایی)

در دو دهه آخر قرن ۱۹ جریان‌های تازه‌ای در هنر اروپا شکل می‌گیرد. جنبش **سمبولیسم** از جمله این جریان‌ها بود. سمبولیست‌ها تقلید از طبیعت را خوار شمردند و آن را تبدیل به سمبل

۱ــ Vangogh ۲ــ Lautrec

یا نمادی از تجربه درونی آن واقعیت کردند. تفسیرهای آزادانه هنرمند از طبیعت جای شکل‌های قطعی جهان مرئی را گرفت و کم کم اسلوب کار هنرمند شخصی‌تر شد. هنرمند با رد شکل‌های قراردادی، از سلطه مفاهیم و معانی قراردادی نیز بیرون می‌آید. وظیفه هنرمند جستجوی سرچشمه‌های پنهان و مرموز آدمی است. آنها به دنبال کشف و شهود بودند. سمبولیست‌ها در بیانیه‌ای اعلام کردند «ما به استقلال هنر باور داریم، هنر برای ما وسیله نیست بلکه هدف است. هر هنرمندی که چیزی جز زیبایی در نظر گیرد، در نظر ما هنرمند نیست...». شعار «هنر برای هنر» شیوه زندگی آنها بود. **کلیمت**[1] از نقاشان جنبش سمبولیست می‌باشد (تصویر ۲۰).

تصویر ۲۰ــ بخشی از اثر درخت زندگی، سمبولیسم، اثر کلمیت

## ارزشیابی

۱ــ هنر باروک دارای چه ویژگی‌هایی است؟
۲ــ معماران باروک چه نام داشتند؟ و ویژگی معماری آنها چه بود؟
۳ــ نقاشی‌های عهد باروک دارای چه ویژگی‌هایی است؟
۴ــ ویژگی‌های تندیس‌های عهد باروک را شرح دهید.
۵ــ ویژگی خاص هنر روکوکو را توضیح دهید.
۶ــ شیوهٔ نقاشی نئوکلاسی‌سیسم دارای چه خصوصیاتی است؟
۷ــ مکتب رمانتی‌سیسم دارای چه ویژگی‌هایی است؟
۸ــ چه عواملی سبب ایجاد و ظهور رئالیسم شد؟
۹ــ منظور از نقاشان بدون مکتب چیست؟
۱۰ــ جنبش امپرسیونیسم دارای چه نوآوری‌هایی در عرصهٔ نقاشی بود؟
۱۱ــ ویژگی‌های سمبولیسم را شرح دهید.
۱۲ــ جاهای خالی را در جداول زیر با عبارات صحیح و مناسب پر کنید.

| | | |
|---|---|---|
| مکتب : رئالیسم | ..... | مکتب : ..... |
| نقاش : ..... | نقاشان : ..... | حساسیت به رنگ و جلوه‌های ناپایدار نور و حرکت |
| اثر : سنگ‌شکنان | آثار : چاپ سنگی، کاریکاتورهای اجتماعی و سیاسی | پیکرتراشان : ..... |

۱ــ Klimt

# فصل پانزدهم

# هنر قرن بیستم

**هدف‌های رفتاری** : پس از پایان این فصل از دانش‌آموز انتظار می‌رود که بتواند :

۱ــ شکل‌گیری هنر قرن بیستم را شرح دهد.
۲ــ معماری قرن بیستم را توضیح دهد.
۳ــ جنبش فوویسم و اکسپرسیونیسم را شرح دهد.
۴ــ هنر کوبیسم و فوتوریسم را توضیح دهد.
۵ــ هنر دادائیسم و سورئالیسم را شرح دهد.
۶ــ هنر آبستره را شرح دهد.
۷ــ هنر نئورئالیسم را توضیح دهد.
۸ــ گرایشات هنری پس از جنگ جهانی دوم را شرح دهد.
۹ــ گرایش پست مدرنیسم و شکل‌های جدید هنری آن را توضیح دهد.

جهان هنر در سده بیستم با خلاقیت و نوآوری همراه شد. توسعه علم و تکنولوژی در غرب، چهرهٔ زندگی فرهنگی و اجتماعی دنیا را تغییر داد. این تغییرات بر هنر نیز تأثیر گذاشت و انواع جنبش‌ها و شیوه‌های بیان هنری در زمینه‌های مختلف شکل گرفت. جنگ جهانی اول و دوم و نتایج آن نیز سبب شد تا مرکز هنری دنیا از اروپا به آمریکا منتقل شود.

علم و تکنولوژی در سده بیستم مشکلات جدیدی مانند نابودی محیط زیست، بیماری‌های جدید، تبعیض نژادی و ... در برداشت و سبب مخالفت برخی از هنرمندان شد.

اندیشه این هنرمندان سبب شکل‌گیری جهان بعد از مدرنیسم گردید. از ویژگی‌های این اندیشه، تنوع و شکل‌گیری مراکز جدید هنری، استفاده از ابزار و روش‌های نو برای بیان هنر، استفاده از مواد و مصالح جدید به‌جای بوم و رنگ است. همچنین گرایش هنرمندان به مسایل اجتماعی روز، تکامل تکنولوژی و بسط رسانه‌های جدید همچون عکاسی و اینترنت را دربر دارد.

## ۱ــ معماری قرن بیستم

معماری مدرن ابتدا از اروپا شروع شد و سپس در آمریکا رونق گرفت. معماری مدرن دو مسیر را ادامه داد، یکی **معماری ماشین‌وار** که معتقد بود شکل بنا باید تابع عملکرد آن باشد و دیگری **معماری شخصی** که بیانگر، جذاب، متمایل به جلوه‌های تزیینی و استفاده از عناصر معماری گذشته بود. بتون مسلح، آهن و شیشه نقش مهمی در اشکال معماری قرن بیستم داشت. معماری ماشین‌وار مدرن اغلب با ساختمان‌های مکعب گونه و آسمان خراش‌ها در مراکز شهری مشخص می‌شود (تصویر ۱ و ۲).

**تصویر۱ــ معماری مدرن ساختمان سیگرم، نیویورک، سال ۱۹۵۸ــ۱۹۵۴**

**تصویر۲ــ معماری مدرن، ساختمان موزه سالمون، نیویورک، سال ۱۹۵۹ــ۱۹۵۶**

## ۲ــ جنبش‌های هنری قرن بیستم

### ● فوویسم[۱] و اکسپرسیونیسم[۲]

نخستین نشانه‌های یک نهضت جدید، در سال ۱۹۰۵ در نمایشگاهی به پیشگامی «**هانری ماتیس**»[۳] ظهور کرد. آشنایی هنرمندان با فرهنگ غیر اروپایی راه‌های تازه‌ای را برای انتقال عواطف پیش پای آنها گذاشت. نقاشی‌های آنها از نظر طرح ساده و از لحاظ رنگ درخشان بود. در این نمایشگاه منتقدی آنها را «**فووها**» (**حیوان وحشی**) نامید. آنها با در کنار هم قراردادن رنگ‌های متضاد قدرت و شدت تازه‌ای به رنگ بخشیدند. نمایش کنش عاطفی هنرمند به‌موضوع کارش با استفاده از شدیدترین رنگ و قوی‌ترین خط، از هر شبیه‌سازی مهمتر بود (تصویر ۳).

**تصویر۳ــ میز غذاخوری، اثر هانری ماتیس، ۱۹۰۸ میلادی، موزه هرمیتاژ،سن‌پترزبورگ**

۱ــ Fauvism

۲ــ Expressionism

۳ــ Matisse

فووها در جسورانه‌ترین آثارشان به هماهنگی طرح و شاعرانگی و چشم نوازی رنگ پایبند بودند ولی اکسپرسیونیست‌ها هرگونه قیدی راکنار گذاشتند. آنان با نمایش حالات تند عاطفی، شکل‌های کژنما، انزجار و نفرت خود را علیه حکومت‌ها، مقررات غیر انسانی کار و ... نشان دادند.

**نُلده**[1]، **کُل ویتس**[2] و... ماندگارترین آثار اکسپرسیونیستی را آفریدند. آنها در وحشتناک‌ترین لحظات سده بیستم یعنی زمان استبداد نازی بر تمدن اروپایی می‌زیستند و شاهد مستقیم کشتارها و فساد آلمان در سال‌های پس از جنگ بودند (تصویر۴).

**تصویر۴ــ نیاز، اثر کَته کُل ویتس، اکسپرسیونیسم سال‌های ۱۹۰۱ــ۱۸۹۳ میلادی، چاپ سنگی**

## ● کوبیسم[3] و فوتوریسم[4]

**کوبیسم (مکعب گرایی)**، انقلابی‌ترین و نافذترین جنبش هنری قرن بیستم به‌شمار می‌آید. جنبش کوبیسم توسط **پیکاسو**[5] و **براک**[6] پایه‌ریزی شد. عمدتاً طبیعت بیجان موضوع نقاشی آنها بود و تنها شکل هندسی اشیا را به تصویر می‌کشیدند. مهمترین دستاورد زیبایی شناختی کوبیست‌ها نمایش واقعیت چند وجهی یک شی از زوایای دید متعدد به‌طور همزمان بود (تصویر۵).

**فوتوریسم** (آینده‌نگری) جنبشی در نقاشی و تندیس‌سازی بود که در شهر میلان شکل گرفت.

فوتوریست‌ها بیشترین استقبال را از جنبش کوبیسم کردند. آنها تلاش کردند صورت پویاتری از کوبیسم را ارائه کنند. فوتوریست‌ها به‌ستایش دنیای نوین، ماشین،سرعت و خشونت پرداختند. آنها می‌خواستند هنر را به زندگی نزدیک کنند و حرکت را جوهر زندگی امروزی می‌دانستند. تأکید آنها بر نور و حرکت بود. دوران شکوفایی این جنبش در پایان جنگ جهانی رو به‌زوال گذاشت. **بوتچونی**[7] از بزرگان این جنبش است که تلاش دارد حرکت و انرژی را در آثارش جلوه‌گر سازد (تصویر۶).

**تصویر۵ ــ پرتغالی ها، اثر ژرژ براک، کوبیسم ترکیبی، رنگ و روغن، ۱۹۱۱ میلادی**

---

۱ــ Nolde
۲ــ Kollwitz
۳ــ Cubism
۴ــ Futurism
۵ ــ Picasso
۶ــ Braque
۷ــ Boccioni

تصویر ۶ــ صور یگانه از استمرار در فضا، اثر امبرتو بوتچونی، ۱۹۱۳ م

## ● دادائیسم[۱] و سورئالیسم[۲]

به موازات تلاش هنرمندان در آفرینش آثار هنری سرشار از وضوح و نظم، واکنش برخی دیگر از هنرمندان به‌اوضاع زمانه، هنری ویرانگر آفریدند. این هنرمندان در حرکتی اعتراض‌آمیز به همه نهادها و ارزش‌های زمانه آثاری غیر هنری آفریدند. آنها خود هنر را نیز به ریشخند گرفتند. **دادا** به معنی اسب چوبی بچه‌هاست که بر حسب تصادف از یک واژه‌نامه انتخاب شده و نشان‌دهنده تهی‌شدن فرهنگ اروپا از معنای واقعی است. کار دادائیست‌ها بیشتر ویرانگری بود تا سازندگی. این جنبش زود از حرکت ایستاد، اما برخی از ابتکارات فنی مثل فتومونتاژ و تأکید بر عنصر تصادف در جریان آفرینش اثر هنری را به هنر مدرن عرضه کرد. **دوشان**[۳] از طریق پیوند زدن اشیا (دوچرخه و صندلی) آثاری خلق می‌کرد و به آنها نام الحاق حاضر و آماده می‌داد. وی با ارائه چنین آثاری به ما می‌گوید هنر می‌تواند از تصورات متعارف زیبایی، دوری کند (تصویر ۷).

**سورئالیسم** از درون دادائیسم بیرون آمد و اغلب دادائیست‌ها مثل **دوشان**، به‌جنبش سورئالیسم پیوستند. آنها قصد تلفیق امور معقول و غیر معقول را داشتند. سورئالیسم تجربه شاعرانه‌ای در یکی کردن انسان با جهان درونی‌اش است. اوج این جنبش دهه ۱۹۳۰ و مهمترین و نیرومندترین جنبش هنری سال‌های بین دو جنگ جهانی بود. **دالی**[۴] از هنرمندان مشهور این مکتب بود. بلافاصله پس از شروع جنگ جهانی دوم بسیاری از این هنرمندان به ایالات متحده (نیویورک) کوچ کردند و به طور جدی منشأ حرکت و تحول در میان هنرمندان آمریکایی گردیدند (تصویر ۸).

تصویر ۷ــ دوچرخه فلزی سوارشده روی پایه چوبی رنگ‌آمیزی شده، اثر مارسل دوشان، هنر دادائیسم ۱۹۱۳م، موزه هنر مدرن، نیویورک

۱ ــ Dadaism
۲ــ Surrealism
۳ــ Duchamp
۴ــ Dalli

تصویر۸ــ غربال آرزوی نفسانی، اثر سالوادوردالی، ۱۹۲۹، رنگ و روغن روی بوم

## ● آبستره[1] (هنر انتزاعی)

سال‌های ۱۹۱۱ــ۱۹۱۰ را سال‌های پیدایش جریان هنر آبستره (انتزاعی) می‌دانند. البته سرچشمه‌های این جریان هنری به‌سال‌های پیش‌تر بر می‌گردد. هدف اصلی انتزاعگران، نفی هر نوع بازنمایی طبیعت و ایجاد تجربه‌ای بصری یا تجسم مفهومی کلی و یا ذهنی بود.

معمولاً **کاندینسکی**[2] را مبتکر نقاشی انتزاعی و فیلسوف و نظریه‌پرداز این شیوه می‌دانند. وی مانند نقاشان قدیم روسی با جهان‌نگری عارفانه خویش هیچ‌گاه هنر را تقلیدی از جهان مادی نمی‌دانست.

در ابتدا شروع و حرکت در این مسیر به‌شجاعت و تخیل فوق‌العاده‌ای نیاز داشت. اما امروزه هنر انتزاعی بخشی از زندگی ما شده است (تصویر ۹).

تصویر ۹ــ هنر انتزاعی، منحنی مسلط، اثر کاندینسکی

۱ــ Abstract Art

۲ــ Kandinesky

روش دیگری که کاندینسکی به‌کار برد، نقاشی بدون هیچ تفکر از پیش تعیین شده بود. شیوه او در بهره برداری از احساسات نیمه آگاهانه، باعث جستجوی سورئالیست‌ها در ضمیر ناخودآگاه شد.

در اینجا باید از تأثیر علوم نوین نیز سخن به‌میان آورد. یافته‌های علوم جدید، به شکلی اجتناب‌ناپذیر بر شک در مورد اعتبار واقعیت مرئی افزود. با پیدایش روانکاوی فروید، توجه هنر به‌جهان درونی انسان‌ها افزایش یافت برخی از آثار **کله**[1] و **وازارلی**[2] بیانگر این جریان هنری است (تصاویر ۱۰ و ۱۱).

تصویر ۱۰ــ اطراف ماهی، اثر پُل کله، هنر انتزاعی، رنگ و روغن روی بوم، ۱۹۲۶ میلادی

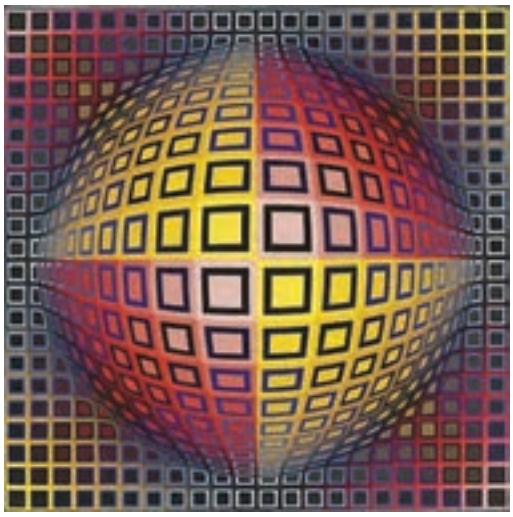

تصویر ۱۱ــ هنر انتزاعی، خطای دید، اثر ویکتور وازارلی

## ● نئورئالیسم (واقعگرایی نو)

درآلمان پس از جنگ اول جهانی، آشفتگی اجتماعی و سیاسی به اوج می‌رسد. نسل جنگ سعی می‌کند با تیزبینی بر تباهی اخلاقی و بینوایی اجتماعی انگشت بگذارد. چنین بینشی فقط می‌تواند با نوعی واقعگرایی تند و گزنده بیان شود. پس هنر به سلاح حمله و دفاع و وسیله‌ای برای نقد و تبلیغ بدل می‌شود. به این ترتیب شکل‌های مختلف واقع‌نمایی به‌عنوان واکنشی منفی در برابر انتزاع شکل می‌گیرد. «**بکمان**»[3] مفهومی نوین از واقعگرایی را مطرح کرد. او سبک‌های مختلفی را در زندگی تجربه نمود. برای بکمان هیچ چیز مهمتر از بازنمایی و محتوا نبود. پرده‌های او در نقطه مقابل هنر تزئینی یا «نقاشی برای نقاشی» قرار دارند. در آثار او انسان، موقعیت او و حالات ذهنی‌اش با واقعیت تمام در برابر تماشاگر ظاهر شده‌اند (تصویر۱۲).

تصویر۱۲ــ تک‌چهره خود هنرمند (باسمه)، اثر ماکس بکمان، نئورئالیسم دهه ۱۹۲۰

---

۱ــ Klee

۲ــ Vasarely

۳ــ Beckman

تصویر۱۳ــ اکسپرسیونیسم انتزاعی، اثر جکسون پولاک، ۱۹۵۰میلادی، رنگ و روغن و رنگ لعابی روی بوم بدون آستر، موزه هنر مدرن، نیویورک

## ● اکسپرسیونیسم انتزاعی[۱] (هیجان‌نمایی انتزاعی)

نوعی نقاشی عاری از تصویر و فاقد شکل‌های بنیادی (مانند اشکال هندسی) و روشی خود انگیخته و پویا و قلمزنی آزاد به‌شمار می‌رود. نقاشی‌های **پولاک**[۲] بیان‌گر این شیوه است. نقاشی‌های او بازتابی از شرایط کلی زندگی بی‌قرار انسان غربی پس از تجربه دو جنگ جهانی است (تصویر ۱۳). از نظر او و همه هنرمندان اکسپرسیونیست انتزاعگرا، اثر هنری نتیجه عمل مهارنشده هنرمند است و هیچ مضمونی را بیان نمی‌کند. اکسپرسیونیسم انتزاعی نخستین جنبش هنری مهم در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم و اصیل‌ترین و متمایزترین دستاورد تاریخ هنر آمریکا دانسته شده است.

## ● هنر پاپ[۳] (هنر همگانی یا هنر مصرف‌گرایی)

این جنبش در دهۀ ۱۹۶۰ در شهر نیویورک شکل یافت و نامش را از فرهنگ مردم گرفت. علایق هنرمندان پاپ به فرهنگ جمعی، آنان را بیشتر به خلق تابلوهای پرزرق و برق با مفاهیم سیاسی، اجتماعی و حتی اخلاقی رهنمون ساخت. فیلم‌ها و آگهی‌های تبلیغاتی، داستان‌های شبه علمی، موسیقی پاپ، حروف و علائم متداول، اشیای روزمره و کالاهای مصرفی، ابزار و موضوع این هنر جدید شدند. **لیختن اشتاین**[۴] از هنرمندان این شیوه است.

## ● هنر مینیمال[۵] و هنر مفهومی[۶]

از سال‌های ۱۹۶۰به بعد در آمریکا جنبش پاپ جای خود را به دو جریان **مینیمالیسم** و **هنر مفهومی** داد. اساس هنر مینیمال، خلاصه‌گرایی در فرم و تأکید بر محتوا در نقاشی و تندیس‌سازی است و پیش از آنکه به احساسات شخصی و بیان آنها علاقمند باشد، سعی دارد از قوانین فیزیک، ریاضی، طراحی صنعتی، استعاره و نشانه در خلق آثار استفاده کند (تصویر ۱۴). هنر مفهومی از اواخر دهه ۶۰، پس از مینیمال آرت پدید آمد و سرآغاز پست مدرنیسم بود. این جریان هنری در ارتباط با آثار سه بعدی آغاز شد و هدف آن توضیح مجدد مسایلی چون فضا، فرم، مقیاس و محدوده بود. در هنر مفهومی، مفهوم یا ایدۀ اثر بر زیبایی‌شناسی و مواد به‌کار رفته در آن اولویت دارد. به عقیدۀ هنرمندان این جریان هنری، اثر هنری، یک شیء فیزیکی نیست، بلکه دارای مفهوم و ایده است و حتی از عکس، نقشه، نمودار، نوار صوتی، ویدئو و غیره به‌عنوان رسانه نیز استفاده می‌شود. نمونه مشخص هنر مفهومی یک صندلی و سه صندلی اثر کازوت است. این اثر شامل یک صندلی واقعی، تعریف صندلی و عکس آن صندلی بر دیوار است، که هر کدام می‌توانند بیانگر مفهوم صندلی

تصویر۱۴ــ بدون عنوان، اثر دانالد جاد (Judd)، ۱۹۶۵، فلز، مینیمال گالری لئوکاستلی، نیویورک، آمریکا

---

۱ــ Abstract Expressionism
۲ــ Pollock
۳ــ Pop Art
۴ــ Lichtenstein
۵ــ Minimal
۶ــ Conceptual

نزد مخاطب باشند و یا نباشند (تصویر ۱۵).

## ● پست مُدرنیسم[1] (بعد از مدرنیسم)

پست مدرنیسم، ابتدا توسط منتقدان ادبی دهه ۱۹۶۰ ابداع شد و کم‌کم منتقدان هنری نیز از آن استفاده کردند. در آغاز پست مدرنیسم، واکنشی در برابر هنر انتزاعی بود، ولی بعد از مدتی این اصطلاح برای انواع تولیدات هنری نیز به‌کار گرفته شد. این شیوه در برگیرنده رسانه‌های متنوعی مانند تصاویر تلویزیونی و سینمایی، عکاسی، تصاویر دیجیتالی، تابلوهای الکتریکی (بیل بورد)، ویدئو، فیلم و رایانه است. فضای رایانه‌ای تولید آثار هنری را بدون مواد و مصالح ممکن کرده است. هنرمندان زیادی از سراسر جهان با انواع سبک‌ها و شیوه‌ها، تولیدات هنری خود را در مراکز هنری جهان عرضه می‌کنند. توسعه حیرت‌آور ارتباطات جمعی چون تلفن‌های همراه، اینترنت و ... تمام مردم جهان را به هم پیوند داده است و تولیدات هنری شکلی جهانی یافته است.

اغلب هنرمندان دورهٔ پست مدرن، مواد و روش‌های ناهماهنگ را در آثارشان به‌کار می‌برند. معمار، نقاش و پیکره‌ساز پست مدرن بیشتر با نشانه‌ها سر و کار دارد، از همین‌رو از نمادها، اساطیر، سبک‌ها و شیوه‌های هنری دوره‌های گذشته و حتی از علائم روزمره نیز بهره می‌گیرد. ساختمان سونی نمونه معماری پست مدرن است که از یک کمد قدیمی الهام گرفته شده است (تصویر ۱۶).

**شکل‌های جدید هنر** : از سوی دیگر محیط[2]، چیدمان[3] و اجرای نمایشی[4] و تمام جاذبه‌های هنری مستتر در این سه عنصر توجه هنرمندان را به‌خود جلب کرد. امروزه فعالیت‌های نمایش‌گونه و ژست‌های اجتماعی، رخداد هنری تلقی می‌شوند.

هنر جدید در اشکال هنرچیدمان، هنر ویدئو، هنر عکس و هنر محیطی ظاهر شده است (تصویر ۱۷).

تصویر ۱۵ــ هنر مفهومی، یک و سه صندلی اثر جوزف کازوت، ۱۹۶۵

تصویر ۱۶ــ معماری پُست مدرن، ساختمان سونی، اثر فیلیپ جانسون ۱۹۸۳، نیویورک (یادآور کُمد قدیمی)

۱ــ Post Modernism
۲ــ Enviroment Art
۳ــ Installation Art
۴ــ Performance Art

تصویر۱۷ــ هنر چیدمان، اثر دیوید ماچ، لاستیک‌های فرسوده، نمایش در گالری هاروارد لندن، تخریب پس از نمایش

تصویر ۱۸ــ هنر پُست مدرن، سوارکار، اثر نام جوم پایک، موزه ارتباطات فرانکفورت. (شاید هنرمند وسایل رایانه‌ای و دیجیتال را دون‌کیشوتی در عصر حاضر معرفی می‌کند.)

**نام جوم پایک**[1] هنرمندی است که با چیدمان وسایل بصری، حجم‌های جالبی را ایجاد می‌کند و با نگاه طنز یا انتقادی خود، تسلط وسایل ارتباط جمعی را بر زندگی انسان نشان می‌دهد (تصویر ۱۸).

در هنر معاصر، عکاسی جایگاه ویژه‌ای یافته است و هم ارزش با سایر رشته‌های هنری قرار گرفته است. به کمک امکانات کامپیوتری بین هنر عکاسی و دیگر شکل‌ها حد و مرزی وجود ندارد. دو رسانهٔ ویدئو و عکاسی به دلیل جذابیت مردمی و جنبهٔ سرگرمی و سهولت نقل و انتقال آن مورد استقبال هنر جدید قرار گرفته است. یکی از هنرمندان پُست مدرن در عکاسی، **دوکادنه**[2] است که عکس‌های رادیولوژی را با توجه به ویژگی‌های شخصی افراد رنگ می‌زند و ترکیبی از عکاسی و نقاشی به‌وجود آورده است. (تصویر ۱۹).

در مقابل این شکل‌های جدید هنری، نوعی بازگشت به موضوعات و ارزش‌های کلاسیک به‌وجود آمده است که به جای پافشاری بر ژولیدگی زندگی شهری معاصر، تلاش دارند ارزش‌های کلاسیک را در آثارشان ارائه دهند. **برتوچی** در اثر خود (تصویر ۲۰) دو نوجوان ایتالیایی را با پس‌زمینهٔ نقشهٔ ایتالیا نشان می‌دهد تا بازگشتی به سنت‌های کلاسیک روم باستان باشد.

تصویر۱۹ــ پرتره جمجمه، اثر الکساندردوکادنه، ۱۹۹۹، چاپ سیباکروم روی آلومینیوم، هنر عکس، ۲۵۰×۱۴۸

۱ــ Nam Jume Paik

۲ــ De cadenet

**تصویر ۲۰ــ ریشه نقاشی، اثر کارلو برتوچی، بازگشت به سنت‌های کلاسیک، ۲۰۰۰، رنگ روغن روی بوم، ۸۰×۱۲۰، گالری پولیتیکو، رم**

## ارزشیابی

۱ــ شکل‌گیری هنر قرن بیستم را شرح دهید.
۲ــ معماری قرن بیستم چه ویژگی‌هایی داشت؟ نام ببرید.
۳ــ فووها چه تأثیری بر نگرش مردم به نقاشی داشتند؟
۴ــ شاخص‌ترین هنرمندان اکسپرسیونیست را نام ببرید.
۵ــ کاندینسکی چه تأثیراتی بر هنر مدرن گذاشت؟
۶ــ جنبش دادا چه تأثیری بر هنر مدرن گذاشت؟
۷ــ هدف سورئالیسم چه بود؟
۸ــ عوامل به وجود آورنده هنر مدرن را شرح دهید.
۹ــ تعریف هنر از نظر هنرمندان اکسپرسیونیست انتزاعی چه بود؟
۱۰ــ جاهای خالی را در جدول زیر با عبارات صحیح و مناسب پر کنید.

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| **نام مکتب** | اکسپرسیونیسم | ..... | ..... | ..... |
| **نام هنرمند** | ..... | ..... | ..... | جوزف کازوت |
| **ویژگی اثر** | ..... | حرکت و انرژی | تلفیق امور معقول و نامعقول | ..... |

۱۱ــ جریان هنر پاپ، هنر مفهومی و مینیمال آرت را شرح دهید.
۱۲ــ ویژگی‌های هنر پست مدرن را شرح دهید.

# فهرست منابع


پاکباز، رویین، دایرةالمعارف هنر، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر، ۱۳۷۸.

پیرنیا، محمدکریم، معماریان، غلامحسین (تدوین)، سبک‌شناسی معماری ایرانی، تهران، نشر سروش دانش، ۱۳۸۷.

تریگیر، مری، هنر چین، ترجمهٔ فرزانه طاهری، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران، ۱۳۸۴.

جنسن، ه. و.، تاریخ هنر، ترجمهٔ پرویز مرزبان، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۵۹.

جنسن، ه. و.، (گردآورنده)، تاریخ هنر، ترجمهٔ فرزان سجودی، فرهنگسرای میردشتی، تهران، ۱۳۸۸.

رفیع فر، جلال الدین ، پیدایش و تحول هنر، درامدی بر باستان شناسی هنر، تهران، نشر برگ زیتون، ۱۳۸۱.

فیشر، رابرت. ای، نگارگری و معماری بودایی، ترجمهٔ پاشایی، ع، تهران، انتشارات فرهنگستان هنر، ۱۳۸۳.

لوسی اسمیت، ادوارد، فرهنگ اصطلاحات هنری، ترجمهٔ فرهاد گشایش، تهران، انتشارات مارلیک، ۱۳۸۷.

مگز، فیلیپ. بی.، تاریخ طراحی گرافیک، ترجمهٔ ناهید اعظم فراست، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۶.

مورتگات، آنتوان، هنر بین النهرین باستان(هنر کلاسیک خاور نزدیک)ترجمهٔ زهرا باستی و محمد رحیم صراف، تهران، انتشارات سمت ۱۳۷۷.

وزیری، علینقی، تاریخ عمومی هنرهای مصور، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۷.

هارت، فردریک، سی و دو هزار سال تاریخ هنر، نشر پیکان، تهران، ۱۳۸۲.

Boardman,John(ed)

1993. The Oxford History of Classical Art, Oxford. Oxford University press.

.....

1966. Encyclopedia of World Art, New York. McGraw – Hill Book Company, INC,15 Vols.

Kemp, Martin(ed)

2000. The Oxford History of Western Art, Oxford. Oxford University press.

Schulz,Regine &....(ed)

2004. Egypt, The World of The Pharaohs, Ullmann.

Stafutti,S &....

China, History and Treasures of an Ancient Civilization, WS.

Toman,Rolf(ed)

2004. Gothic, Architecture. Sculpture. Painting, Ullmann.